

اعتراف به گناهان، چرا ؟

فهرست مطالب

بخش اول

آیا هنوز باید به گناهان اعتراف کرد؟ ۴

فصل اول: یک راز مقدس، زیر علامت سوال ۵

فصل دوم: پسر انسان آمد تا گمشده را نجات بخشد ۸

فصل سوم: او ما را به ملکوت پسر محبوبش وارد می کند ۱۱

فصل چهارم: راز بخشش در طول تاریخ ۱۴

فصل پنجم: چهار شیوه برای اعتراف کردن ما ۲۵

فصل ششم: بخشش در سنت کلیساهای اصلاح شده ۳۰

فصل هفتم: بخشش در سنت کلیساهای ارتدکس ۳۳

فصل هشتم: بخشش در سنت یهودی ۳۵

فصل نهم: تاملات و شهادت ها ۳۹

فصل دهم: اعتراف کودکان ۴۳

فصل یازدهم: برگزاری راز آشتی ۴۵

بخش دوم

آشتی و توبه (گزیده ای از رساله پاپ اعظم ژان پل دوم)

مقدمه ۴۸

فصل اول

توبه و آشتی، وظیفه و تعهد کلیسا ۵۲

الف: یک مثل آشتی ۵۲

ب : منشاء آشتی	۵۴
ج : اقدام خدا و خدمت کلیسا	۵۶
فصل دوم : محبتی که از گناه عظیم تر است	۵۹
الف : راز گناه	۶۱
ب : راز رحمت	۶۶
فصل سوم : رسالت شبانی کلیسا در مورد توبه و آشتی	۶۸
الف : راهها و وسایل ترویج راز توبه و آشتی	۶۹
ب : راز توبه و آشتی	۷۲

بخش سوم

آیین بزرگ اعتراف و بخشش	۸۰
فصل اول : پذیرش	۸۱
فصل دوم: آیین قرائت کلام خدا	۸۵
فصل سوم : آیین بخشش	۸۸
فصل چهارم : آیین شکرگزاری	۱۱۷
نتیجه	۱۲۳

بخش اول

آیا هنوز باید به گناهان اعتراف کرد؟

کلیسا از هر فرد تعمید یافته می خواهد که دست کم سالی یک بار در ایام مرگ و رستاخیز عیسی مسیح، نزد کشیش به گناهان خود اعتراف کند، تا بدین وسیله هر فرد بتواند با برخورداری از بخشش خداوند، صمیمانه در این عید بزرگ شرکت کند. البته این دستور حداقل ممکن برای دریافت این راز می باشد، همانطور که اگر کودک بیمار ما با کمترین دارو تحت درمان قرار گیرد، چه بسا در خطر جدی خواهد افتاد. اما اعتراف به کشیش آسان نیست، و ایمان و فروتنی زیادی می طلبد، پس چگونه و چطور اعتراف کنیم؟ آیا بهتر نیست مستقیماً به خدا اعتراف کنیم؟

آیا در ده یا بیست سال آینده، کشیش کلیسا هنوز هم در جایگاه اعتراف، پذیرای اعترافات خواهد شد؟ در طی سالهای اخیر، تعداد کسانی که دست کم ماهی یک بار اعتراف می کردند از ۲۳ نفر به ۱ نفر کاهش یافته است! این نسبت امروزه چگونه است؟ این کاهش را می توان در بسیاری نقاط مشاهده کرد: بسیاری از کاتولیکها دیگر اعتراف نمی کنند. آیا دلیل آن از دست دادن حس گناه است؟ جایگاه اعتراف از سیصد سال پیش وجود دارد، اما خود اعتراف بسیار کهن تر از این است. از ابتدای مسیحیت پذیرش بخشایش خدا شکلهای گوناگونی به خود گرفت: تاریخدانان در دو هزاره گذشته چهار "روند توبه کردن" را از هم تمیز می دهند. آیا ممکن است ما در یکی از دوره های گذار باشیم که در آن به نظر می آید که واقعیتهای در حال تغییر شکل دادن هستند بدون آنکه چهره فردایشان پدیدار گشته باشد؟

این بخش، اطلاعات و تأملهایی را ارائه می دهد و به پشت سر گذاردن ساده انگاری ها، و کشف آن امر لازم، و به درک محدوده ها و مسائل رویه های مختلف کمک خواهد کرد. این مطالب به ما کمک خواهند کرد تا با یکدیگر و با شادمانی آن خدای مهربان را باز یابیم که فرزندان خود را می بخشاید و آشتی می دهد تا آنها را هر چه بیشتر به پیش برد.

فصل اول

یک راز مقدس، زیر علامت سوال

آمارها بدبینانه هستند. در فرانسه دو سوم کاتولیکها دیگر اعتراف نمی کنند و دیگران بسیار به ندرت. این یک واقعیت تلخ است. آیا باید چشمان خود را به روی آن بست؟ این یک رفتار مومنانه نیست. پس چه باید کرد؟ پیش از هر چیز باید وجود این بحران را پذیرفته، سپس بدون هراس درباره آن از خود پرسیم، و تلاش کنیم که پاسخ این پرسشها را در سنت کلیسا بیابیم. در اینجا از میان صدها شهادت رسیده در این زمینه، چهار شهادت را ذکر می کنیم، از پزشکی معروف، یک پدر خانواده، یک خداشناس و یک کشیش کلیسای محلی، که ما را آماده تامل در این زمینه می کنند.

من کاملاً راضی نیستم...

من قبول دارم که امروزه دیگر جز به ندرت اعتراف نمی کنم. در جوانی، دست کم هر ماه اعتراف می کردم. حتی گاهی هر هفته. به نظرم می آمد که اگر کاملاً پاک نباشم نمی توانم قربانی مقدس را دریافت کنم. و بعد کم کم این آمد و رفت همیشگی: گناه-توبه، توبه-گناه، به نظرم غیر انسانی و بیهوده آمد. دیگر نمی توانستم آن را تحمل کنم.

و من به این نتیجه رسیدم که دیگر قربانی مقدس را دریافت نکنم تا روزی که این جمله مسیح مرا تحت تاثیر قرار داد: "من برای تندرستان نیامده ام، بلکه برای گناهکاران". از آن موقع به بعد، تصمیم گرفتم که هربار که به نماز قربانی مقدس می روم قربانی مقدس را دریافت کنم. هنوز "دست کم یک بار در سال" یا به صورت فردی و یا با شرکت در مراسم توبه اعتراف می کنم، اما باید اقرار کنم که از وضعیت خودم در رابطه با توبه کاملاً راضی نیستم.

کِلِمان، ۴۶ ساله، پدر خانواده

من دیگر راز اعتراف را دریافت نمی کنم

من دیگر راز اعتراف را دریافت نمی کنم. پیش از هر چیز برای این که یافتن یک شنونده اعتراف خیلی دشوار است، و بیش از همه به این دلیل که من تحولی را در این مسئله احساس می کنم که

پذیرفتن آن برایم خوشایند است. شما کشیشها، شما واقعا یاد نگرفتید که باعث علاقه به اعتراف شوید، دست کم در مورد مردان. اکنون من از این که بدون اعتراف کردن قربانی مقدس را دریافت کنم بیش از دیگران ناراحت نمی شوم، و فکر می کنم این که به هیچ وجه مانع توبه نمی شود! طلب بخشش در آغاز نماز قربانی مقدس خیلی بهتر از گذشته انجام می شود، در نهایت حفظ آرامش. آن اعتراف سابق مردم را به نام خدایی که گفته می شد محبت است، به وحشت می انداخت! من کشیشانی را دیدم که به طرزی وحشتناک از داوری خدا می ترسیدند. آیا این وظیفه من بود که به آنها یاد بدهم که خدا نه قاضی بلکه پدر است، که هیچکس را لعنت نمی کند؟

پرسش - هیچکس؟ اگر نیکویی خدا باعث این بشود که هیچکس را لعنت نکند، مسئولیت ما دیگر خیلی جدی نخواهد بود.

- موضوع نیکویی خدا نیست بلکه روشن بینی او. خدا می داند که مسئولیت یک انسان چه معنی ای دارد، ما از آن به مشکل آزادی واقعی می رسیم. خدا بسیار بیش از ما قادر به داوری، و داوری در محبتی است که ما حتی نمی توانیم تصورش را بکنیم. هنگامی که عیسی از ما می خواهد که داوری نکنیم، آن به این معنی است که: "تلاش نکن که در جایگاه خدا عمل کنی".

پرفسور میلیه

یک مشکل حل نشدنی

من بارها در کسان بسیاری یک مشکل درونی حل ناشدنی برای به جای آوردن "اعتراف" مشاهده کرده ام. چرا؟ شاید برای این که این روند هرگز بوسیله آنها تعریف و به گونه ای شادی آور تجربه نشده است. شاید چون آنها واژه هایی را که بتوانند به درستی شرایط گناهکاری آنها را بیان کنند در اختیار ندارند و دیگر نمی توانند اتهامهای کودکی را تکرار کنند: "من دروغگو، تنبل، و شکمو" بودم. این به این دلیل مسخره دانستن این نوع اتهام در مقایسه با گناه راستین است که مسیحیان نمی خواهند روندی را انجام دهند که در نظرشان کودکانه و نادرست می آید.

اگر راز اعتراف بصورت عملی آزادانه، پاسخی به یک دعوت و پذیرش یک فیض انجام می شد، ما احتمالا بهتر می توانستیم آن را در قالب یک دیدار شخصی با یک کشیش پیشنهاد کنیم. از آنجایی که این تنها شکل آشتی بوده، و بنابراین بصورت یک اجبار در آمده، فشار روانی آن برای بسیاری واقعا تحمل ناپذیر است: از سوی دیگر، بعضی نمی توانند این مشکل را از سر بگذرانند و می بینیم که یک زنجیره اجتناب ناپذیر بوجود می آید: از آنجایی که شخص نمی تواند اعتراف کند، شخص

قربانی مقدس را دریافت نمی کند: از آنجایی که قربانی مقدس را دریافت نمی کند، دیگر به نماز قربانی مقدس نمی آید. بسیاری حس می کنند که نمی شود خدا را در هر شرایطی دیدار کرد و برای این منظور می بایست بخشایشی را که از او می آید را درخواست و دریافت کرد.

برای همین است که به نظر من مهم می رسد که کلیسا به مسیحیان پیشنهاد کند تا راز بخشایش خدا را در اشکال گوناگون بخشایش جمعی و بخشایش در اعتراف شخصی تجربه کنند.

کشیش یکی از شهرهای بزرگ اروپا

گناهکاران خواسته می شوند

“آن کسی که، در برابر گناه ما به ما می گوید که این خیلی خوب است، او که به هر بهانه ای باعث می شود تا باور کنیم که دیگر گناهی نیست، او در نهایت با یک ناامیدی همکاری می کند که بدتر از هر نوع طرد شدنی است. لازم خواهد بود تا یک روز ناامیدی را که موهومات “علوم انسانی” باعث آن می شوند را تصدیق کنیم. اگر به بهانه آزادسازی، وجود ما را چنان بی تفاوت کنند که هر چیزی مُجاز باشد، و دیگر نه دلیلی برای بازگشت به سوی خدا مطرح باشد، نه دلیلی برای گریستن، نه دلیلی برای رنج کشیدن، نه برای دعا کردن، در این حالت، در بیچارگی ما چه امیدی به دوست داشته شدن باقی می ماند.

بیایید همه این حرفهای فریبنده را رد کنیم که با ارائه تصویر مضحکی از آزادی، می خواهند جلوی نمایشنامه زندگی و پذیرش آنچه که هستیم را بگیرند. بیایید تا همه این پولهای جعلی را رد کنیم تا بوسیله آنها به دام نیافتیم.

بیایید این فروشندگان آرمانشهر، که به بهانه تکرار بی وقفه بهار کلیسا، زندگی ما را از واقعیتهای آن تهی کرده و همزمان منزلت واقعی اش را از بین می برند، رد کنیم.

آری، “گناهکاران خواسته می شوند”، یعنی انسانهایی که تقدیرهای خود که با ارزشی عظیم عطا شده است را می دانند، و قادر بر خوبی بی پایان یا بدی بی پایان هستند: کسانی که گنداب آسانی را رد می کنند، زیرا می دانند که به کسی تعلق دارند، به نام مسیحیت، بوسیله یقین به امری ماوراءطبیعی و مرتبط با اعتراف به وضعیت گناهکارمان.

برنار برو. قدرت بدی، ص ۱۴۴.

فصل دوم

پسر انسان آمد تا گمشده را نجات بخشد

نجات یافته پیش از آغاز جهان

“ایمانی که نجات می دهد، داشتن باوری هرچه بیشتر به محبت خداست، بیش از باور داشتن به شدت گناه خود. این پذیرفتن این نکته است که به تنهایی نمی توان از گناه خلاص شد، و در عین حال، کوشش برای بیرون رفتن از خود برای سپردن خودمان به او که به ما آشکار می کند که انسان دچار گناه نخستین است و در عین حال پیش از هر آغازی نجات یافته است. آنچه نخستین است حضرت آدم نیست، بلکه مسیح. آنچه نخستین است انسان نیست، بلکه خدا. آنچه نخستین است گناه نیست بلکه نجات. اگر جبر گناه وجود دارد، به همان اندازه جبر بدی وجود ندارد. اگر چه انسان هدف نکوهش قرار می گیرد است، برای خدا او همیشه مورد محبت است.”

پیر تالک، امور ایمان، ص ۱۸۰

هنگامی که عیسی با یک گناهکار روبرو می شود، او را با افشای گناهش خرد نمی کند. او همانند یک شفا دهنده و یک نجات دهنده می آید: به این ترتیب گناهکار می تواند به بدی اش پی برده و بخشایش را بجوید.

به همین صورت برای زکی، که از درخت بالا رفته بود تا گذشتن عیسی را بهتر ببیند (لو ۱۹: ۱-۱۰). هنگامی که عیسی متوجه زکی می شود، او را متهم نمی کند، بلکه از او می خواهد که او را به خانه اش بپذیرد، و در آنجا عیسی اعلام می کند: “امروز نجات به این خانه وارد شده است.” زکی نیز اشتباهی که مرتکب شده بود را پذیرفت و رفتارش را نسبت به تهیدستان و آنانی که او ممکن بود به آنها زبانی رسانده باشد تغییر داد. این به دلیل آن است که ملکوت خدا به ما نزدیک شده است و ما می توانیم توبه کرده و به سوی خدا بازگشت کنیم (مر ۱: ۱۵). انسان باید خود را نجات یافته بداند تا بتواند متحمل دانستن این شود که گناهکار است.

نخست، با دقت به دل خدا بنگریم

بنابراین آنچه که پیش از هر چیز به پذیرش آن دعوت شده ایم، نجات هدیه شده بوسیله عیسی مسیح است: این اعتراف به نجات، رحمت خدا و نیکویی اوست. پس در زیر نگاه محبت و بخشش می توانیم به خطاهایمان اعتراف کنیم. آشکار شدن نجات، گناهانمان را به ما آشکار می کند. بیایید تا این نجات را بازشناخته، اعلام کرده، و اعتراف کنیم تا بتوانیم گناهانمان را بازشناخته، و آنها را اقرار و اعتراف کنیم.

با کشف دوباره این که اعتراف به نجات مقدم بر اعتراف به گناه است، ما تجربه آیین توبه را باز می آموزیم. برای این که بازشناسیم که خدا در محبت خود می خواهد ما را نجات دهد، نگاهمان را برگردانیم و گوش بسوی خدا دهیم. ما بیش از اندازه عادت کرده ایم که سرمان را در میان دستهایمان گرفته و به خودمان نگاه کنیم. لازم نیست که با یک آزمایش آگاهی به ضعفهایمان شروع کنیم، بلکه با آگاهی یافتن از وفادری خدا که در انتظار ماست. این دیگر قلبمان نیست که باید این قدر با دقت مورد بررسی قرار گیرد، بلکه قلب خدا. به او گوش دهیم که از عهد قدیم تا سخنان عیسی به طوری خستگی ناپذیر به ما می گوید که سهیم شدن در دوستی اش، و اتحاد با خود را به ما عرضه می کند. آنچه به زکی گفته شد ما را نیز مخاطب قرار می دهد: “پسر انسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات بخشد” (لو ۱۹: ۱۰). مثلهای رحمت را در انجیل لوقا (باب ۱۵) بازخوانیم، عیسی را ببینیم که آن زن گناهکار را می پذیرد و می بخشد (لو ۷: ۳۶-۴۹). اگر می خواهیم به نجات اعتراف کنیم، و بردباری خدا را، که منتظر پاسخ ما به محبت خود است، اعلام کنیم، نخست کلمه نجات را بپذیریم، بگذاریم که در قلب ما جوانه زند تا در شکل اعتراف به نجات باز زاده شود: “خداوندا، محبت تو می خواهد ما را نجات دهد”. این گوش دادن به کلام خدا چه جایی در آماده سازی ما برای اعتراف به گناه دارد؟

مهم محبت خداست

پس از آن که این سخن نجات را شنیدیم و به آن اعتراف کردیم، بهتر خواهیم توانست کشف کنیم که چه اندازه از پذیرش پیشنهاد محبت خدا کوتاهی کرده ایم، چه اندازه آن چهره ای را که او می خواهد به انسانهای آفریده شده به شبیه خود ببخشد، مخدوش کرده ایم، چقدر به شهادتی که جامعه تعمیدیافتگان می بایست به جهان بدهد خیانت کرده ایم. گناه واقعی ما اینجاست، بیش از بعضی از نقصها یا تقصیرهایمان. ما همچون داوود پادشاه هستیم که پیش از آن که کلام خدا، ابلاغ شده بوسیله ناتان نبی، برای او “مکشوف کننده” گناهش و بخشش خدا گشت، ناتوان از پذیرش خطای واقعی خود بود (۲- سمو ۱۲: ۱۳). به هیچ وجه نیازی به این نیست که داستان گناهانمان را به

خوبی بیان کنیم. یک کلمه بس است: "من گناه کرده ام" (لو ۱۵: ۲۱). آنچه مهم است گناه ما نیست، بلکه محبت پدر که می پذیرد و می بخشاید، و آن اتحاد دوباره برقرار می شود.

از بخشایش تا شکرگزاری

در شادی این دیدار دوباره با خانواده خدا، اعتراف نجات، که به ما امکان داده تا گناهمان را بازشناخته و به آن اعتراف کنیم، به اعتراف ستایش تبدیل می شود. پدر آن پسر گمشده بازگشت او را با یک ضیافت استقبال می کند. برای ما نیز، روند اعتراف که ما آن را بیش از حد مانند یک کفاره پرزحمت تجربه می کنیم، باید با شادی آشتی با خدا و خواهران و برادرانمان پایان یابد. بدون شک این شادی می تواند در قلب کسانی که از جایگاه اعتراف بیرون می آیند، جای داشته باشد، ولی ممکن است که ما به نشانه هایی نیاز داشته باشیم که آن را نشان دهیم. این می تواند آن سپاسگزاری باشد که یک مراسم توبه گروهی را پایان می دهد، این همچنین می تواند برگزاری قربانی مقدس باشد که می بایست جشن و ستایش برای نجات باشد. وقتی که از اعتراف صحبت می کنیم، کلمه آخر اقرار نیست، بلکه ستایش برای بخشش است: نخستین اقدام باید قدردانی از این محبتی باشد که ما را نجات می دهد.

فصل سوم

او ما را به ملکوت پسر محبوبش وارد می کند

و اگر برادرت به تو گناه کرده باشد، برو و او را میان خود و او در خلوت الزام کن. هرگاه سخن تو را گوش گرفت، برادر خود را دریافتی؛ و اگر نشنود، یک یا دو نفر دیگر با خود بر دار تا از زبان دو یا سه شاهد هر سخنی ثابت شود. و اگر سخن ایشان را رد کند، به کلیسا بگو. و اگر کلیسا را قبول نکند، در نزد تو مثل خارجی یا باجگیر باشد. هرآینه به شما می گویم آنچه بر زمین بندید در آسمان بسته شده باشد و آنچه بر زمین گشایید، در آسمان گشوده شده باشد.

متی ۱۸: ۱۵-۱۸

اقدام شخصی یا اقدام کلیسا؟

جایگاه اعتراف از نظر بسیاری از هم عصران ما عجیب به نظر می رسد. این تنها یک سازه نیست، بلکه روندی که آن را همراهی می کند. پس اعتراف همچون عملی خصوصی به نظر می آید و این ویژگی بارز آن در طرز فکر مردم است.

راز توبه، مانند هر راز دیگری، افراد را به اقدامی شخصی دعوت می کند که هرکسی را به عملی بسیار خصوصی وارد می کند. پس این یک اعلام عمومی نیست. اما این در عین حال عملی است که در اجتماع و بوسیله آن تجربه می شود. هر یک از رازها، راز کلیساست و باید جنبه های اجتماعی آن را بازشناخت. این همانقدر مهم است که مسئله تنها یادآوری این نیست که مسیح راز بخشایش را به کلیسا سپرد؛ بلکه این را نیز باید نشان داد که مسئولیت ما به عنوان گناهکار، مسئولیتی در برابر قوم خداست. "بی وفایی شخص گناهکار چهره قوم خدا را مخدوش می کند، و مانع از آن می شود که کلیسا ماموریت خود در شهادت دادن را به انجام برساند." اجتماع ایمانداران همگی با

یکدیگر به خطاهایش اقرار می کند و به این ترتیب به نجات درخواست شده، و نجات دریافت شده به یک میزان شهادت می دهد.

هرچه که به دوباره تقویت کردن جنبه "کلیسایی" راز توبه کمک کند، برای کشف دوباره و احیای آن سودمند هستند. این جنبه کلیسایی در اعترافهای گذشته غایب نبوده است؛ اما معنی آن به اندازه کافی اعلام نمی شد و این نشانه بخشی از خود این راز بود.

برگزاری های گروهی می توانند به آشکار کردن این جنبه کلیسایی کمک کنند. جماعت ایمانداران گرد هم آمده اند، کشیش برگزار کننده مراسم در جای مناسب خود در وسط جماعت قرار می گیرد، جماعت گناهی که چهره آن را مخدوش می کند، و آمرزشی که آن را آشتی می دهد را اقرار میکنند.

اقدامی روانشناسانه یا اقدامی از سر ایمان؟

بازگشت به معنی اجتماعی توبه، در صورتی که بازگشت به معنی عمیق این راز باشد، آن را به بُعد افقی اش فرو نمی کاهد، چنانکه عده ای نگران آن هستند. در تجربه رازهای مقدس، موضوع خداست؛ انتقال زندگی اش، و تحقق نجاتی که عرضه می کند. در احیای کنونی توبه نباید این چشم انداز را فراموش کرد. خطر به آن اندازه جدی است که در روال معمول راز اعتراف، با تمرکز بسیار بر اقدام "روانشناسانه" شخص توبه کار، این چشم انداز جمعی، دست کم گرفته شده بود: آزمایش وجدان، و اقراری که آزاد کننده از احساس گناه است. در حالی که، موضوع اول ما گناهکاران نیستیم، بلکه خدایی است که نجات می بخشد.

بدون تردید اقرار به گناهمان شفافیت و صداقت اقدام ما را نشان می دهد. اما "آنچه مقدم است، پذیرش نجاتی است که خدا به رایگان، به طرزی خستگی ناپذیر و وفادارانه به ما ارزانی می دارد. بازشناختن نجات بر بازشناختن گناه مقدم است و اولی است که دومی را ممکن می سازد.

برای بازیافتن این معنی توبه با مرکزیت خدا و بدون مرکزیت خود ما، می بایست که ما بتوانیم منزلگاه رحمت خدا شویم، سخن او را بشنویم، و بگذاریم که بوسیله او تحت پرسش قرار گیریم. این خداست که گناه ما را بر ما آشکار می کند.

مراسم نوین توبه جایگاه مهمی را به گوش فرادادن به سخن خدا، و به زیر سوال برده شدن برادرانه از سوی خدا می دهند: اینها به ما کمک می کنند تا در عمل راز مقدس جای نخست را به او

بازدهیم، همانطور که به ما کمک می کنند تا با هم نجات هدیه شده و بخشش دریافت شده را
اعتراف کنیم.

محبت و گناه

"به نظرم می آید که واقعیت گناه من بر آگاهی من آشکار نمی شود مگر به آن اندازه که من خود
را در رابطه با محبت بی نهایتی که هدف آن هستم، بر می انگیزم؛ و برعکس، اگر این محبت بوسیله
من بازشناخته نشود، من نیز نخواهم توانست خود را به عنوان گناهکار بازشناسم".

گابریل مارسل

گناه، پشیمانی و احساس تقصیر

نباید گناه، پشیمانی و احساس تقصیر را با هم اشتباه گرفت. پشیمانی، ندامت خود شخص است، من
از خودم نا امید هستم، من پشیمانم! اما این احساس شاید هیچ ارتباطی با خدا نداشته باشد. ممکن
است که پشیمانی تنها بین من و خویشتن خودم باشد.

هنگامی که غیر از خودم آسیبی به دیگری (شخصی دیگر، و یا خود خدا) می رسانم، مرتکب گناه
می شوم. آنگونه که گزایه تونو استاد خداشناسی اخلاقی می گوید: «گناه آسیب زدن به دیگری
است که خداست، بوسیله آسیب زدن به دیگری که هم نوع من است»

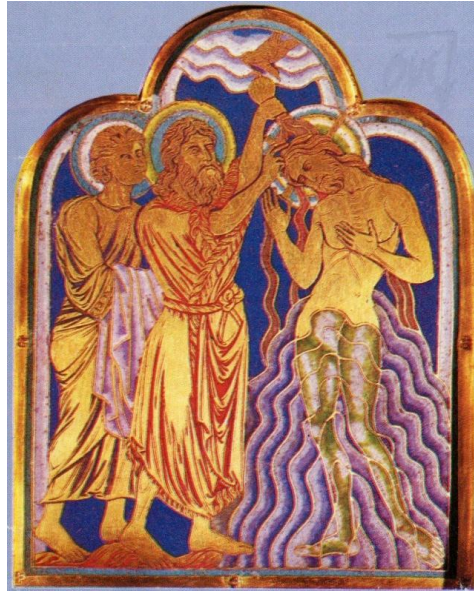
همین نویسنده همچنین با چند مثال به ما کمک می کند تا به تفاوت میان احساس تقصیر، و گناه
پی ببریم. «کسی می تواند با گفتن عبارات نژادپرستانه، یا به طور عمدی با کلاهبرداری مالی به
دیگری آسیب جدی وارد کند، و تنها احساس تقصیری خفیفی داشته باشد. برعکس، یک پسر جوان
که دست به استمنا زده است، بدون آن که این کار هیچ پیامد واقعا مهمی داشته باشد، با احساس
تقصیر بی اندازه ای متاثر می شود".

او نتیجه می گیرد: «بنابراین شدت گناه من را نمی توان لزوما بر اساس فریاد پشیمانی ام سنجید،
بلکه با آسیب عینی ای که به دیگری وارد شده است: همسر، فرزندان، همکارانم، همسایه مهاجرم
... همچنین با در نظر گرفتن امکانی که برای نه گفتن به میلی که در لحظه انجام گناه در من قرار
داشت، یعنی آزادی درونی من».

با این عناصر ضروری میزان مسئولیت را درک می کنیم: ضمیر روشن، آزادی درونی، اهمیت آن
عمل.

فصل چهارم

راز بخشش در طول تاریخ



تعمید مسیح

آنگاه پطرس نزد او آمده، گفت: «خداوندا، چند مرتبه برادرم به من خطا ورزد، می باید او را آمرزید؟ آیا تا هفت مرتبه؟» عیسی بدو گفت: «تو را نمی گویم تا هفت مرتبه، بلکه تا هفتاد هفت مرتبه!» (یعنی بی اندازه و بدون قید و شرط).

متی ۱۸: ۲۱-۲۲

آن کسی که، از میان بی ایمانان و یک زندگی دیگر آمده و ایمان می آورد، او در یک مرتبه آمرزش گناهان را در تعمید دریافت کرده است. آن کسی که، پس از آن، بار دیگر گناه کرد و برای توبه ای دیگر می آید، اگر چه بخشایش را دریافت می کند، باید بیم داشته باشد، زیرا که دیگر نمی تواند بوسیله تعمید شسته شود.

کلمنت اسکندریه، در حدود ۲۰۰ میلادی

در کشف دوباره تاریخ راز بخشش اهمیتی دوگانه وجود دارد. این تاریخ به ما امکان می دهد تا شکل‌های متوالی آن را بشناسیم، و دلیل این تنوع را دریابیم. اجتماع کلیسایی مسئول دادن نشانه های آن نجاتی است که بوسیله عیسی مسیح داده شده اند. این کلیساست که کوشیده است تا راههایی برای نشان دادن بخشش خدا بیابد. او با واقعبینی و در نظر گرفتن وضعیت مسیحیان در طول دوران مختلف این کار را به شیوه های متفاوتی انجام داده است. امروزه بر عهده ماست تا به نوبت خود روشنبینی و ابتکار نشان دهیم تا جامعه مسیحی نشانه های امروزی از راز آشتی پیشنهاد کند.

تاریخ تنوع رسوم راز توبه همچنین می تواند به ما کمک کند تا بفهمیم که گناه برای مسیحیان چیست. این رسوم بخشش بر نگاهی که به گناه می شود تاثیری تعیین کننده دارند.

توبه تعمید است

آن گونه که در عهد جدید به چشم می آید، رسم نخستین جوامع مسیحی، باعث می شود که به این امر پی ببریم که راز توبه راز تعمید است. بازگشت به سوی خدا، توبه، بخشش گناهان و تعمید یکی هستند. یوحنا تعمید دهنده در بیابان ظاهر شده و تعمید توبه برای بخشش گناهان را اعلام کرد (مر ۱: ۴).

خیلی زود پرسشی برای جامعه مسیحیان مطرح شد: برای تعمید یافتگانی که باز در گناه افتاده اند چه باید کرد؟ در واقع، آنها با گناهشان چهره این جامعه را لکه دار می کنند، چهره ای بی لکه، و بی چین (افس ۵: ۲۷)، که برای شهادت دادن به نجات ضروری است. به علت فوریت اعلان ملکوت، اولین واکنش جامعه مسیحیان سخت بود.

“زیرا آنانی که یک بار منور گشتند و لذت عطایای آسمانی را چشیدند و شریک روح القدس گردیدند و لذت کلام نیکوی خدا و قوای عالم آینده را چشیدند، اگر بیفتند، محال است که ایشان را بار دیگر برای توبه تازه سازند، در حالتی که پسر خدا را برای خود باز مصلوب می کنند و او را بی حرمت می سازند” (نامه به عبرانیان ۶: ۴-۶).

خوب توجه کنیم که گناه چگونه مورد پرسش قرار می گیرد. با توجه به وظیفه جامعه مسیحی و اعتبار گواهی آن است که به گناه توجه شد. پس این با جامعه است تا در صدد یافتن راهی برای حل مسئله فرد گناهکار برآید. در این منظر، انجیل متی (۱۸: ۱۵-۱۸) یک روند اصلاح برادرانه را

پیشنهاد می کند. اما، اگر اقدام جمعی به نتیجه نرسد، اخراج شخص در نظر گرفته شده است و متون بسیاری در عهد جدید به این سو می روند (۱- قرن ۵: ۳-۵؛ تیطس ۳: ۱۰-۱۱). در عوض هیچ متنی، از یک راز آشتی سخن به میان نمی آورد، مگر بخشی در نامه یعقوب که ممکن است اشاره ای به چنین رازی باشد (تدهین بیمار و آمرزش گناهانش با دعای جماعت ایمانداران، یعقوب ۵: ۱۴-۱۶).

از تعمید تا آشتی

جماعت مسیحیان خود را در عمل به مسئولیت‌هایش عقب احساس می کرد. برای وفادار ماندن به شهادت به رحمت عیسی، مسیحیان فهمیدند که با گذر زمان، آنها می بایست نشانه ای از بخشش را در نظر بگیرند، یک توبه دوم پس از توبه تعمید. نخستین اشاره به این موضوع بوسیله شبان هرماس^۱ (سده دوم) داده شده است. این ترتولیان (آغاز سده سوم) است که راز جدید آشتی را به ما معرفی می کند. "در هشتی ورودی، توبه دومی گذاشته شده که بتواند در را به روی گناهکارانی که آن را می کوبند، باز کند. اما تنها یک بار، زیرا که در واقع همین حالا هم این بار دوم بوده و دیگر هرگز در آینده ممکن نیست، زیرا که توبه پیشین بی فایده بوده است" (از توبه ۷: ۱۰). می بینیم که امکان آن محدود است: بعدها، ترتولین با رد به کار گرفتن آن برای آنچه او آن را گناهان "نابخشودنی" می نامد (زنا، آدمکشی، و بدعت) آن را باز هم تقلیل می دهد.

باید روشی که جامعه مسیحی بوسیله آن در جهت حل مسئله گناه تعمید یافتگان می کوشید بهبود می یافت. از آنجایی که گناه آن چیزی بود که به جماعت مسیحیان در شهادت دادن به نجات، آسیب می زد، کلیسا باید می توانست به این عطای نجات، که همواره در کار است، شهادت دهد: زیرا که او به عطای همواره حاضر خدا ایمان داشته، گناهکار را می پذیرد و نشانه همگانی این آشتی را ارائه می دهد. آنچه مهم است جنبه همگانی و اجتماعی این نشانه است.

«- می گویم، خداوندا، آیا می توانم به پرسش از شما ادامه دهم؟»

- او می گوید، بگو.

- من از برخی حکیمان شنیده ام که غیر از توبه ای که در روز فرو شدن به آب ، انجام دادیم و بوسیله آن بخشایش از گناهان پیشینمان را دریافت کردیم، توبه دیگری وجود ندارد.

- او به من گفت : تو درست شنیدی، همین طور است ... کسی که بخشایش گناهان را در تعمیم دریافت کرده است، دیگر نباید گناه کند، بلکه باید در پاکی زندگی کند ...

پس به تو اعلام می کنم : اگر پس از این دعوت مهم و باشکوه، کسی در گناه بیافتد، او می تواند یک بار توبه کند، اما تنها یک بار. اگر بار دیگر گناه کند، و پشیمان شود، توبه دیگر به هیچ کار او نخواهد آمد، و او جزا خواهد دید».

"شبان هرماس"، در حدود ۱۵۰ میلادی

از گذشته به آینده

جنبه محدود این آشتی عمومی (تنها یک بار)، الزامات سختگیرانه زندگی توبه کارانه برای کسی که خواهان آشتی می شد (ممنوعیت طولانی پرداختن به شغل خود، زندگی کردن با همسرش ...)، خیلی زود این آشتی را غیر ممکن می کرد. وسوسه بزرگ بود که دست انداختن به این "تخته نجات" تا نزدیک شدن مرگ به تعویق انداخته شود. خوشبختانه، برای زندگی روزمره جامعه مسیحی، نشانه های ممکن دیگری از بخشش نیز وجود داشتند، اگرچه مربوط به رازهای مقدس نمی شدند : خواندن دعای ای پدر ما، صدقه، و روزه. با این حال آیا نمی بایست، شکل های دیگری از این نشانه راز مقدس را تصور کرد ؟



اعتراف در قرن ۱۶م

از آشتی همگانی تا اعتراف شخصی

شوراهای روحانیون کاتولیک در طول قرن‌ها اصول راز آشتی را یادآوری کردند که ما در اینجا ارائه کردیم. یادآوری‌هایی که به علت دشواری‌های مطرح شده نسبتاً بی‌ثمر بودند، اما آنها پس از قرن پنجم پدید آمدن شکل نوینی از نشانه بخشش را اعلام کردند.

این مربوط به پیشرفت زندگی رهبانی و نقش تبلیغی راهبان در ایرلند و کشورهای آنگلو-ساکسون بود. برای راهبان، مبارزه مصرانه بر ضد گناه جنبه‌ای شخصی دارد. آنها این را با یک پدر روحانی یا رییس دیر که آنها را هدایت می‌کند در میان می‌گذارند. همان‌طور که از سوی دیگر، کار تبشیر خودشان نیز می‌بایست برای نوکیشان بسیاری، همین وظیفه را انجام دهند، و به آنها همان نوع اقدام شخصی را ارائه کنند. توبه کاری که ایمان می‌آورد به طور محرمانه به گناه خود اعتراف می‌کند، کفاره‌ای را دریافت می‌کند، آن را به انجام می‌رساند و نشانه بخشش را درخواست می‌کند. توجه داشته باشیم که این رسم تازه نسبت به مقررات پیشین تفاوت دارد. اقدام شخصی بوده و دیگر همگانی نیست. اقدام محرمانه است و بر اقرار خطاها با جزییات تکیه می‌کند، زیرا که باید نرخ کفاره متعاقب آن را تعیین کرد.

جامعه کلیسایی دیگر مستقیماً دخالت نمی‌کند، جز بوسیله کشیش اعتراف. دیگر آگاه شدن به زبانی که به جمع زده می‌شود نیست که برتری دارد، بلکه آزمایش وجدان شخص توبه کار. تغییر در رسم توبه یک تغییر در آگاهی به گناه را با خود به همراه می‌آورد. خواهیم دید که توضیحاتی با ظاهری حقوقی پدید می‌آیند. گاهی شخص خود را در یک اخلاق‌گرایی، که از معنی یک خدای نزدیک و بخشاینده دور شده است، زندانی می‌کند. این شکل تازه از اقدام توبه کارانه (اعتراف) در آغاز در درون کلیسا به نام مقررات پیشین زیر سوال برده شد، اما به زودی این دو به یک همزیستی و یک رقابت میان دو شکل از راز بخشش رسیدند. “برای گناه سنگین عمومی، توبه عمومی؛ برای گناه سنگین پنهان، توبه محرمانه.” در واقع، این توبه محرمانه و شخصی است که گسترش پیدا خواهد کرد. مجمع چهارم لاتران^۲ در ۱۲۱۵ از مسیحیان خواست که هر ساله اعتراف کنند.

مجمع ترنت^۳ (سده پانزدهم)، کوشید تا نشان دهد که اعتراف محرمانه با آنچه مسیح می‌خواهد بیگانه نیست. در زمینه ضد اصلاح دینی، این شورا بر نقش کشیش خستونیوش و اهمیت اقرار اصرار می‌ورزد. توسعه راهنمایی روحانی، اعتراف به پارسایی، به حرکت راز توبه به سوی اقدامی شخصی منجر شد، که با زیان به جنبه جمعی آن همراه بود.

نمونه ای از نرخ

"آدمکش سه سال روزه آب و نان بگیرد. شخص غیر روحانی که دزدی کرده، یعنی گاوی، اسبی، یا گوسفندی را ربوده، نخست مال دزدیده شده را به صاحب آن پس دهد و سه دوره روزه با آب و نان بگذراند. شخص غیر روحانی که مستی کند باید یک هفته روزه بگیرد".

گزیده ای از توبه نامه قدیس کولومبان، پایان سده ششم میلادی

"هر مومنی از زن و مرد، که به سن اختیار رسیده باشد، باید دست کم یک بار در سال همه گناهانش را به کشیش خود اعتراف کند، و در حد امکاناتش و با دقت توبه ای که به او داده شده را به انجام برساند، و دست کم در طول عید رستاخیز مسیح با احترام قربانی مقدس را دریافت کند..."

مجمع چهارم لاتران (۱۲۱۵) قانون ۲۱.

شیوه رفتاری نفرت انگیز

ما متوجه شدیم که برخی افراد، در بعضی مناطق اسپانیا، برای خطایایشان، نه بر طبق فرمان های شرعی، بلکه به شیوه ای ناشایست توبه می کردند، به این ترتیب که: هر بار پس از گناه، درخواست آمرزش از سوی کشیش را می کنند. به این دلیل است که برای پایان دادن به چنین شیوه رفتار نفرت انگیز و خودپسندانه ای، این مجمع مقدس فرمان زیر را صادر می کند: توبه بر اساس اشکال رسمی گذشته داده خواهد شد..."

مجمع تولدو، ۵۸۹

پس از کمتر از صد سال، اسقفان کشور فرانکها، به اتفاق آرا این شیوه تازه را توصیه می کنند.

امروزه؟

این بررسی گذرای تاریخ راز بخشش به ما کمک می کند که امروزه با روشنی و آزادی، به جستجوی نشانه های ممکن مختلف در اجتماع مسیحیان بپردازیم. دیدیم که مسئولیت اعلام رحمت عیسی که می آموزد بر عهده کلیساست.

مهم است که بعد جمعی راز بخشش را باز یابیم. گناه اعضای جامعه مسیحی به همه آن مربوط می شود، گناهی که برخلاف خبر خوش انجیل است. بنابراین لازم است که اجتماع بتواند این گناه را باز شناخته و گواهی دهد که بخشش بوسیله روح عیسی عطا شده است.

کلیسا نشانه نجات را پیشنهاد می کند که همواره در اجتماع در کار است: با تعمید که زندگی می بخشد، با آشتی که می بخشاید، با قربانی مقدس که امکان شکرگزاری برای این عطای نجات را می دهد. با مطرح کردن این شکل از راز بخشش، ما نه به یک اعتراف همگانی فکر می کنیم و نه به یک آموزش جمعی. اعتراف و درخواست بخشش با تکیه بر اقرار محرمانه و آموزش فردی اقدامی متفاوت است. تاریخ نشان می دهد که این اقدام می تواند در لحظه هایی از زندگی مسیحی ضروری و سودمند باشد. بنابراین باید آن طور که کلیسا امروزه سفارش می کند جایگاه آن را حفظ کرد. اما با این وجود نباید تعجب کرد که مسیحیان برخی تعاریف از گناه را زیر سوال ببرند و دیگر به سوی این یگانه شکل راز بخشش نیایند.

نباید خیلی زود از دست دادن قوه درک گناه را محکوم کنیم. ممکن است که تجربه ای متفاوت از بخشش رخ داده در اجتماع، کشف دوباره آنچه که امروزه برای مسیحیان نمایانگر گناه است را ممکن سازد، مسیحیانی که با هم نجات همواره عرضه شونده بوسیله خدای بخشایش را اعتراف می کنند.

پندهایی از کاردینال مارتینی^۴

ما همگی از این موضوع آگاهیم که کلیسا هم اکنون با بحران اعتراف روبروست. گفته می شود که جایگاههای اعتراف خالی اند، هرچند که این امر از دو سو صورت پذیرفته، یا به این دلیل که ایمانداران حضور نمی یابند، و یا این که دیگر کشیشان در این جایگاهها وارد نمی شوند. زمانی بود که کشیشان ساعتها و ساعتها انتظار می کشیدند، آنگاه اگر اشخاص اعتراف نمی کردند، دیگر کوتاهی از جانب آنان نبود. اکنون در این باره صحبت بسیار است، اما کسی نمی آید. از این رو به تدریج فاصله ای فزاینده ایجاد شده که علت آن همیشه از از جانب ایمانداران نیست؛ در واقع حتی کشیشان، اغلب کم و بیش به صورتی آشکار چنین ظاهر می نمایند که بهتر است در بین دیدارها فاصله انداخت.

همه این کارها شاید سودمند باشند؛ این بحرانی نافع است، چرا که سبب رد تشریفات مفرط در نحوه دریافت و اعطای راز توبه می گردد، که هم منجر به انزجار کشیش و هم فرد ایماندار می گشته است. هرچند برخی شجاعانه عادت به اعتراف کردن پی در پی را حفظ کرده اند ! ما در چنین وضعیتی هستیم و کلیسا در پی رافتن راههای نوین توبه کردن است. چنین به نظرم می رسد که این نحوه درستی برای پالایش باشد و رها نمودن مراسمی صرفاً ظاهری، تلاشی ستودنی باشد.

بدیهی است که این خطر وجود دارد که نکته ای اساسی در تعلیمات کلیسا را از دست بدهیم. بُعدی که در تجربه زندگی ما به عنوان افراد تعمید یافته بنیادین است. چرا که این تجربه زندگی شخص گناهکاری است که خود را به رحمت می سپارد، در حالی که راهی به سوی رستخیز نهایی را می پیماید. در نتیجه، راز توبه در ما کار می کند، و ادعای این که به آن نیازی نداریم به معنی دور شدن ما از واقعیت خواهد بود. مطمئناً، اگر تلاش برای بیرون آمدن از تشریفات باعث می شد که رسم توبه در کلیسا را ترک کنیم، این صدمه بزرگی می بود : و ما دیگر در برابر خدا و در برابر خواهران و برادرانمان در راستی نمی بودیم.

در اینجا می خواهیم به سادگی پیشنهادی بکنم، به کسانی که احتمالاً در یک مقطع زمانی، هر چه بیشتر و بیشتر در بین اعترافهایشان فاصله انداختند، بدون آن که بتوانند دریابند چرا، و به دلیل یک ناراحتی درونی توان ازسرگیری این رسم، که برایشان تبدیل به امری ظاهری شده، را ندارند. می خواهیم در اینجا پیشنهادی را مطرح کنم، تنها به این دلیل که برای من سودمند بوده است. هر کسی چیز مثبتی که تجربه کرده را ارائه می دهد. هنگامی که یک اعتراف کوتاه و شتاب زده بر من

^۴ گزیده ای از کتاب «و من همراه شما هستم» صفحه ۷۶-۷۹، زندگی بر اساس ایمان مسیحی، ۱۹۶۶

سنگینی می کرد، از خودم پرسیدم، یا این که خداوند به من الهام کرد تا از خود بپرسم، که چرا نکوشیم تا آن را در زمانی طولانی تر و با آرامش بیشتری انجام دهیم. این صورتی متناقض دارد، اما بعضی وقتها حتی تناقض ها کمک می کنند تا از وضعیتهای بسته بیرون آییم. به این ترتیب به کمک کسی دیگر، من از اعتراف به آن چیزی رسیدم که مایلم آن را گفتگوی توبه ای بنامم. از طرف دیگر، این گفتگو تنها توسعه توصیه های داده شده بوسیله آخرین بازبینی آیین توبه است، که بوسیله واتیکان منتشر و بوسیله مجمع های اسقفی بکار گرفته شده، و امکان گنجاندن دعا و قرائت کلام مقدس را بسیار گسترش می دهد. به نظرم می رسد که این پیش از هر چیز گفتگو با برادری است که نماینده کلیساست، یعنی یک کشیش، که من در او یک نماینده مستقیم خدا را می بینم؛ گفتگویی که در حال دعایی مشترک انجام می گیرد، که در آن من آنچه را که در این لحظه در خود حس می کنم می گویم؛ و همانطور که هستم در برابر کلیسا و در برابر خدا حاضر می شوم.

به نظر من، این گفتگو اساسا از دو بخش تشکیل شده است : بخش اول را من « confession laudis» (اعتراف ستایش) می نامم، که به معنی اعتراف در معنای اولیه این اصطلاح است. در اینجا نیز، می توان از یک تضاد آغاز کرد : اگر هربار بیان گناهانم دردناک و دشوار است، چرا با کارهای نیک شروع نکنم؟

ایگناسیوس قدیس خود در **تمرینها**، با در نظر گرفتن سپاسگزاری به عنوان نکته اول، همین را پیشنهاد می کرد : خداوند، من در آغاز می خواهم که تو را سپاس گویم، چون که تو مرا یاری کردی، چنین چیزی روی داد، توانستم به فلان شخص نزدیک شوم، خود را آسوده تر حس می کنم، زمان دشواری را پشت سر نهادم، توانستم بهتر نیایش کنم. سپاسگزاری از خدا به شکل گفتگو، و دعای ستایش، به خاطر آن چه که هستم، و به خاطر عطای او، و پی بردن به آنچه که اکنون در برابر خدا هستم، به من شادی می دهد : من از این یا آن چیز، گذشته یا آینده خشنودم. این مهم است که این چیزها در برابر خداوند آشکار شوند : قدردانی از نیکی او، قدرت او، و رحمت او برای ما.

این سبب می شود که بتوانیم به یک «**confession vitae**» (اعتراف زندگانی) برسیم که من آن را چنین تعریف می کنم: بیش از یک جستجو و برشمردن گناهان پیدا، مهم این است که در برابر خدا آنچه را که سبب ناراحتی من می شود را بگویم، آنچه که مایلم او آن را از میان بر دارد. اینها اغلب بیش از آن که گناهان پیدا باشند، رفتارها و شیوه های زندگی هستند، اما در انتها، عوامل اصلی دوازده رفتاری هستند که حضرت مرقس آنها را فهرست کرده است : غرور، حسد، طمع ... که در این وضعیتهای روحی پدید می آیند.

یا، در پیشگاه خدا می گویم : از این که نمی توانم با فلان شخص صادقانه صحبت کنم پشیمانم، رابطه ام با فلان گروه درست نیست، نمی دانم از کجا شروع کنم. از این که موفق به دعا کردن نمی شوم متأسفم، از این که شهوت من، و امیالی که نمی خواهم داشته باشم، و خیالاتی که مرا آشفته می کنند بر من غلبه کرده اند، احساس ناراحتی می کنم. شاید من خود را به هیچ گناه خاصی متهم نمی کنم، اما خود را در برابر خداوند قرار می دهم و از او درخواست می کنم که مرا شفا دهد.

مسئله، ردیف کردن چند گناه برای باطل کردنشان نیست، بلکه یک غوطه وری تعمید وار در قدرت روح القدس : "خداوند، مرا پاک ساز، مرا روشن کن، مرا نورانی کن." من در این اعتراف، تنها باطل شدن این یا آن گناه را نمی خواهم، بلکه می خواهم که قلب من عوض شده، و سنگینی، غم، تردید، و غرور کمتری در من باشد. من شاید حتی نمی دانم که از کجا شروع کنم، اما بوسیله قدرت کلیسا من همه اینها را در قدرت آن مصلوب و رستاخیز کرده قرار می دهم.

از آنجا دعایی پدید می آید که می تواند به همراه کشیش انجام شود : می توان یک مزمور، دعایی از کتاب مقدس در رابطه با سپاسگزاری و یا درخواست، و یا حتی دعایی خودانگیخته را خواند، که در آن آمرزشی بر اساس راز مقدس، همچون جلوه ای از قدرت خدا می آید، که من آن را می طلبم، چرا که قادر نیستم به تنهایی خود را بهتر کنم. من خود را یک بار دیگر در زیر آن صلیب قرار می دهم، تا این قدرتی که برای تنها یک بار مرا تعمید داده، مرا بار دیگر در دست خود گیرد.

منظور من از گفتگوی توبه کارانه این است ؛ این تنها یک گفتگوی روانشناسانه، و یا نوعی رواندرمانی نیست.

نیازی نیست که کشیش اعتراف نیوش منبع اسرار آمیز خطاهایم را بر من آشکار نماید؛ هرچند که این نیز می تواند با یک متخصص دل انسان انجام گیرد، اما اگر کشیش اعتراف نیوش کسی است که چیز زیادی از دل انسان نمی داند، اما او می تواند برای من، بر من و با من دعا کند.

این تبعیت کردن از نیروی کلیسا و بازیابی ارزش راز مقدس است : من اعتراف می کنم، نه تا این که چیزهای جالبی احساس کنم، یا که ببینم چه توصیه ای به من داده می شود، بلکه به این دلیل که، این من هستم که باید مطیع قدرت خدا شوم و آن برای من بسنده بوده، و به من شادی و آرامش می بخشد.

بنابراین، با شکلهای ممکن بسیار، این پیشنهادی است که مایلیم به شما بدهم. روشن است که با این روش، اعتراف ممکن است به درازا بکشد، اما به این صورت شخص با رغبت بیشتری با آن روبرو می شود، چرا که معنی آن را در مسیرش به سوی خدا در می یابد. ممکن است خداوند به هریک از شما شکلهای دیگری را پیشنهاد کند که می توانند به عنوان تجربه های روحانی به گونه ای سودمند در میان گذاشته شوند، زیرا که این تجربه ها ممکن است به دیگران کمک کنند.

فصل پنجم

چهار شیوه برای اعتراف کردن ما

بحثها درباره آیین عبادت بود که سبب "تغییر موضع" مجمع دوم واتیکان شدند. این کاملاً درست است که شیوه ای که کلیسا با آن دعا می کند برای او اهمیتی اساسی دارد. در میان تصمیمات مهم آن مجمع، اصلاح آداب رازهای مقدس بود. هیئت هایی تعیین شدند و رایزنی های بسیاری صورت گرفتند. دوم دسامبر ۱۹۷۳، در رُم، آداب جدیدی از راز اعتراف منتشر شد. این آداب جدید پیش از آن که در پایان سال ۱۹۷۸، تحت مسئولیت اسقفان به اجرا گذاشته شود، چندین سال مورد آزمایش قرار گرفت.

این آداب جدید مقدمه ای در دوازده صفحه دارد که پایه ها و روح ترتیبات جدید را به دست می دهد. آن بویژه تاکید می کند که آشتی به شیوه های گوناگونی تحقق می یابد. از جمله:

- بخشش متقابل در اشکال هرچه متنوع تر؛

- سهیم شدن، با اشکال گوناگون همیاری، و همچنین هرگونه تلاش برای بیرون رفتن از خودپرستی.

- رد کردن ناعدالتی و مبارزه برای عدالتی جدی تر در روابط میان اشخاص و روابط اجتماعی ما؛

- تعهد رسولی که نیازمند روحیه خدمت و دادن خود است؛

- دعا، نشانه امید به آینده ای که خدا به روی ما می گشاید، در آن سوی گسیختگی ها و رویارویی های ما.

این جزوه همچنین اجزای این راز مقدس را یادآوری می کند:

- همدیگر را پذیرفتن، همچنان که مسیح گناهکاران را پذیرفت،

- گوش دادن به کلام خدا که در همان حال که به ایمان آوردن و توبه کردن فرا می خواند، آشتی را مژده می دهد.

با گوش دادن به سخن خدا، آن پشیمانی، که واقعیت توبه به آن بستگی دارد، پدید می آید.

- "اعتراف کردن" به محبت خداوند در همان حال که به گناه خود اعتراف می کنیم. این اعتراف نباید تنها به یک اتهام به گناهان تقلیل یابد. بر اساس کهن ترین سنت کلیسا، این عمل اعتراف ایمان، اعتراف به گناه، و شکرگزاری را در یک روند تلفیق می کند. توبه کار و کشیش با یکدیگر محبت خدا را اعتراف می کنند که در آنانی که به سوی او باز می گردند در کار است.

- پذیرفتن بخشش خدا تا شاهدان آن باشیم. در این عمل کشیشی که آموزش را اعطا می کند و توبه کاری که در زندگی اش "ثمرات" بخشش را آشکار می کند، شرکت دارند. سرانجام این جزوه چهار شکل ممکن را برای برگزاری اعتراف تعیین می کند:

■ **آشتی فردی**، که مطلوب است که خواندن متنی از کلام خدا در آن گنجانده شود. آن شامل اعتراف به گناه، گفتگوی کشیش و فرد توبه کار، تعهد به بازگشت به سوی خدا، آموزش و سپاسگزاری شخص توبه کار است.

- این شیوه **بعد شخصی** راز مقدس را برجسته می کند. هر انسان در نظر خدا منحصر به فرد است.

■ **مراسم جمعی همراه با اعتراف و آموزش فردی**. آیین خواندن کلام خدا می تواند شامل خواندن چندین متن و یک موعظه باشد که با یک دعای اذعان به گناه و دعای ای پدر ما ادامه می یابد. سپس، اعتراف و آموزش فردی و سرانجام یک شکرگزاری دسته جمعی.

- این شیوه **بعد جمعی** گناه را برجسته می کند. هر گناه بر همه قوم خدا تاثیر می گذرد.

■ **مراسم جمعی همراه با اعتراف و آموزش دسته جمعی**. این شیوه همان ساختار شیوه پیشین را دارد، با آموزشی با شکوه تر. آن باید شامل دعوت ایمانداران به این باشد که بعداً به طور فردی به گناهان مهم خود اعتراف کنند.

- این شیوه **ابتکار عمل آزادانه** خدا را برجسته می کند. در راز مقدس، این خداست که مقدم است و نه فرد گناهکار.

■ **مراسم توبه ای که شکلی از راز اعتراف نیست**. متمرکز بر آیین خواندن کلام خدا و بیان توبه و اشتیاق بازگشت به سوی خدا، این مراسم نه شامل اقرار فردی هستند، و نه

دادن آموزش. با کمک به "تعمیق و بیان تصمیم دائمی برای بازگشت به سوی خدا به صورت دسته جمعی"، این مراسم عنصری مهم در تعادل اظهارات مختلف آیین کلیسایی توبه هستند.

- این شیوه نشان می دهد که بازگشت به سوی خدا نیازمند زمان است و بوسیله حرکت یک چوب دستی جادویی انجام نمی یابد.
به این ترتیب هریک از این شیوه های برگزاری یک روی این راز مقدس را بیشتر روشن می سازد، و هریک باعث کشف جنبه ای بنیادین از راز آشتی می شود.

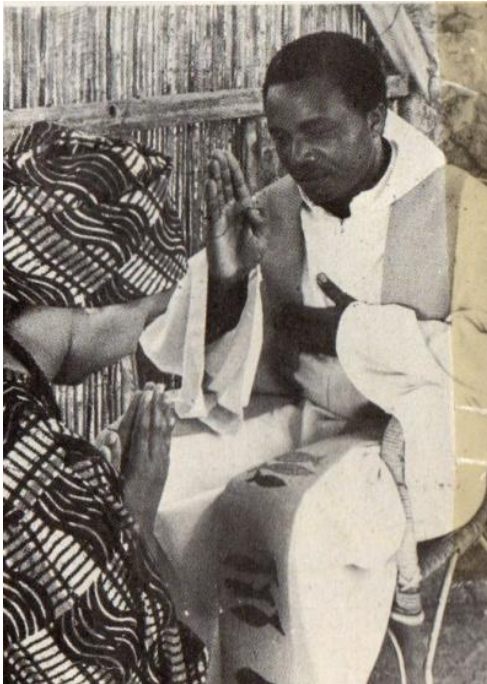


قربانی مقدس و راز توبه

در قربانی مقدس رنج مسیحی که ما را نجات می دهد حاضر شده است؛ عیسی به ما قدرت می دهد تا به همراه او، بدن او، که برای ما تسلیم شد و خون او، که برای بخشایش گناهان ریخته شد، را تقدیم کنیم. کلیسا همواره تایید کرده است که قربانی مقدس خود راز بخشش و آشتی در عیسی مسیح می باشد: "قربانی ای که ما را آشتی می دهد"، تا که بوسیله روح القدس او، "ما در یک بدن گرد هم آییم".

آیین توبه

کارکرد بزرگ آموزش



خدا پدر ما
مرگ گناهکار را نمی خواهد،
بلکه تا او بازگشت نموده و زیست کند.
این اوست که اول ما را محبت نمود:
و پسرش را به جهان فرستاد
تا که جهان بوسیله او نجات یابد.
باشد که او رحمتش را به شما بنمایاند
و به شما آرامش عطا کند.
آمین.

عیسی مسیح، خداوند،
که به خاطر خطایای ما تسلیم مرگ شد،
برای عادل شمرده شدن ما رستخیز کرد.
او روح القدس خود را بر رسولان نازل کرد
تا آنان توانایی بخشودن گناهان را دریافت کنند.
باشد که به واسطه خدمت کشیشی ما،
عیسی خود شما را از بدی برهاند
و شما را از روح القدس سرشار سازد.
آمین

روح القدس، یاری دهنده و مدافع ما،
به جهت آمرزش گناهان به ما عطا شد
و در او ما می توانیم به پدر نزدیک شویم.
باشد که روح القدس دلهایمان را پاک و روشن کند:
اینچنین شما می توانید شگفتی های آن کسی را اعلام کنید
که شما را از ظلمت به نور شگفت انگیز خود فراخوانده است.
آمین

و من،
به نام پدر، و پسر، و روح القدس،
همه گناهان شما را می آمرزم.
آمین

فصل ششم

بخشش در سنت کلیساهای اصلاح شده

لوتر یا بحران پشیمانی

توضیح موضع لوتر درباره راز توبه دشوار است. نگرش او در رابطه با این راز مقدس در دوره های مختلف زندگی اش تغییر کرد. لوتر در ابتدا توبه را در شمار رازها به حساب می آورد، اما سپس آن را از شمار رازها کنار می گذارد.^۵ و همین لوتر که به آن شدت از تعلیم کاتولیک درباره توبه انتقاد می کند تا پایان عمر اعتراف می کرد. او حتی با اشتیاق عمل به آن را توصیه می کرد:

این ضروری و موضوع یک فرمان الهی است ... اعتراف محرمانه، چنان که امروز به جای می آورده می شود، هرچند که نمی تواند بوسیله کتاب مقدس مورد اثبات قرار گیرد، با این حال به همان اندازه شایسته تحسین و تمجید است؛ آن سودمند و بلکه لازم است، و من مایل به حذف آن نیستم. باز می گویم، من از این که اعتراف محرمانه در کلیسای مسیح وجود دارد، خوشحالم، زیرا آن تنها مرهم وجدانهای رنجور است.

در همان ابتدای آیین عبادی یکشنبه "زمانی سخت" وجود دارد که "اعتراف به گناهان" نامیده می شود: این دعایی است با شکلهای متفاوت ممکن (نگاه شود به پایین) که بوسیله آن حاضران خود را همچون جماعتی از گناهکاران معرفی می کند که برای درخواست بخشش آمده اند. این دعا، که در آن هرکسی زندگی خودش، و پرسشهای خودش را جای می دهد، با یک اعلان بخشش گناهان دنبال می شود: این یا یک اعلام کتاب مقدسی به عاریت گرفته شده از پولس رسول یا حضرت یوحنا می باشد، مثل: "خدا جهان را آنقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد..." (یو ۳: ۱۶)، و یا عبارتی از کتاب آیین عبادت: "به عنوان خادم انجیل به شما گواهی می دهم که گناهان شما به نام پدر، پسر، و روح القدس آمرزیده شده اند." این

^۵ در آغاز کتاب اسارت یابل (۱۵۲۰)، به نظر می رسد که لوتر هنوز توبه را همچون یکی از رازها تصدیق می کند. در پایان اثر، او با استناد به اصل *Scriptura sola* به روشنی گرایش به رد آن دارد. آداب توبه بوسیله مسیح بنیانگذاری نشده است، بلکه بوسیله کلیسا. پس از لوتر ملانکتون (Mélancton) توبه را در ردیف یک راز مقدس حفظ می کند.

اعتراف عمومی گناهان که با اعلام وعده های رحمت دنبال می شود، هم در کلیساهای اصلاح شده و هم در کلیساهای لوتری، یکی از بخشهای تشکیل دهنده آیین عبادت است.

گفتگوی برادرانه

قطب دیگر یک رسم آشتی، گفتگوی برادرانه، و گوش دادن متقابل است، که آن را به اصطلاح شبانی "درمان جان" می نامند. این نحوه آشتی تدوین نشده ، و حتی همچون امری لازم در نظر گرفته نشده است. گاهی، در طول یک گفتگو، رد و بدل کردن میان دو عضو اجتماع آن چنان با اعتماد و عمیق می شود که تجربه ای آن گونه که رساله یعقوب به آن اشاره می کند به دست می آید: "به گناهان خود نزد یکدیگر اعتراف کنید" (یعقوب ۵: ۱۶).

در نزد پروتستانها، این اغلب در میان زن و شوهرها روی می دهد.

بهترین شنونده اعتراف من همسر من است و متقابلاً بهترین شنونده اعتراف او من هستم! فیض وضعیت زناشویی اجازه می دهد که زن و شوهر خدمت شنیدن اعتراف یکدیگر را بر عهده گیرند.

آشتی، برای یک عضو کلیسای اصلاح شده، کمتر رویداد یک راز مقدس است تا خود رشته زندگی مسیحی. هنگامی که به عنوان شبان به عیادت یک بیمار می روم با او دعا می کنم و با نیایش یکشنبه آن را به پایان می بریم : هنگامی که می گوئیم "گناهان ما را ببخش" این درخواست به او که آن را بر زبان می آورد اطمینان بخشوده شدن می دهد. در روح القدس و بوسیله او.

لازم نیست که این دعا به شکلهای خاصی گفته شود، و نه این که حتی بوسیله یک خادم کلیسا بر زبان آورده شود. این دعای خداوند است، وعده نجات به هنگام درماندگی، در گناه، در بیماری، و در هنگام مرگ. هیچ چیز برای افزودن به آن وجود ندارد.

سرانجام، اعتراف دقیق و توبه رسمی لازم نیستند، حال آنکه آزمایش آزادانه وجدان و بازگشت درونی به سوی خدا به طور روزانه تا روز آخر جا افتاده باشد. جنبش اصلاح دینی یقین را بر ایمنی ارجحیت داد!

بر اساس مصاحبه شبان لوپله

خداوند، ما را ببخش

خداوند، سکوت‌های ما را ببخش
هنگامی که می‌بایست سخن می‌گفتیم؛
سخنان بیهوده ما را ببخش
هنگامی که می‌بایست اقدام می‌کردیم؛
ما را ببخش برای اینکه
انجیل تو را با حکمت خودمان اشتباه گرفتیم.
ما را ببخش برای محدود کردن خدمت‌مان
به آنانی که از آنها خوشمان می‌آید؛
ما را به خاطر قصور ما ببخش،
کمبود محبت و گشاده‌دستی ما را؛
گناهان ما را ببخش، چنانکه ما نیز
می‌بخشیم هر آن کس که به ما بدی کرد
و بخشیدن را به ما بیاموز
بدون رنجاندن کسانی که آنها را می‌بخشیم.
از راه مسیح، خداوند ما. آمین.

فصل هفتم

بخشش در سنت ارتدکس

همه رسوم کلیسای ارتدکس تحقق بخشیدن به راز تعمید است. پیکاری که با تعمید آغاز می شود در همه زندگی ایماندار ادامه می یابد. و این همان است که در راز مقدس توبه ابراز می شود، بی شک در این حرکت پاکسازی قلب، لحظه آمرزش لحظه ای نیرومند است، اما این نمی تواند از آن تغییر رویه ای که می بایست بصورتی همیشگی تکرار شود و که دستیابی به خوان قربانی مقدس را ممکن می سازد، جدا باشد.

ما در کلیسای ارتدوکس رسومی از اعتراف داریم که به طور ملموسی متفاوتند. در کلیساهای اروپای شرقی، آیین قربانی مقدس خیلی کم به جای آورده می شود و بر طبق قاعده می بایست هر بار پیش از دریافت قربانی مقدس اعتراف انجام شود. در کلیساهای ارتدوکس خارج از اروپای شرقی، این رسم به یک دریافت هفتگی قربانی مقدس گسترش یافته است، در این صورت اعتراف به رابطه فرد توبه کار با پدر روحانی اش بستگی دارد. از کاربرد جایگاه اعتراف خبری نیست، کشیش و فرد توبه کار ایستاده در برابر یک میز و یا میز مخصوص خواندن کتاب مقدس قرار می گیرند که بر روی آن یک صلیب و یک انجیل قرار داده شده است.

در دنباله گفتگو با کشیش ایماندار زانو می زند و برگزار کننده سر او را با حمایل خود می پوشاند، سپس دعایی که یک "اپیکلیسیس" (به معنی فراخواندن روح القدس) است را می خواند، برخلاف سنت کلیسای کاتولیک، کشیش از فعل اول شخص استفاده نمی کند ("من تو را می بخشم") بلکه به نام کلیسا تضرع می کند. البته این گفتگو بوسیله شخصیت پدر روحانی رنگ می گیرد. در هر صورت، موضوع بیشتر هدف قرار دادن آن ریشه عمیقی است که انسان را از خدا بیگانه می سازد، تا برشمردن تعداد مشخصی از خطاها. در اینجا خود انگیختگی با هیچ چیز قابل جایگزینی نیست؛ تنها یک چیز، تنها یک خطا، تنها یک کوتاهی می تواند شما را بسوزاند، تا جایی که دیگر چیزی برای گفتن باقی نمانده باشد. چه چیز دیگری برای گفتن می داشتیم، اگر در برابر خود مسیح می بودیم.

پدر بوریس بویرینسکوی

عطوفت الهی دل

نامیدی دل شکسته، اگر به جای افتادن ما در نفرت و بیزاری از خودمان، سبب شود که در زیر پاهای آن مصلوب بیافتیم، سبب دست یافتن ما به رحمت الهی می شود. اشکهای "خاطره مرگ" به اشکهای "خاطره خدا" تبدیل می شوند، خاطره خدای تن گرفته، مصلوب شده، پیروز بر مرگ، خاطره آن رستاخیز کرده ای که ما را از مرگ بر می خیزاند. آنچه از گدای دعوت شده به خوان عروسی خواسته شده است، این اشکها هستند، اینها "جامه عروسی" او هستند. "دل سنگی" در این اشکها حل می شود تا به "دل گوشتین" تبدیل شود. انسان احساس می کند که یک "شیرینی روحانی" عظیم او را فراگرفته است، عطوفتی از همه وجود، "عطوفت الهی دل".

الیویه کلمان

فصل هشتم

بخشش در سنت یهودی



موسی در حال فرود از کوه سینا

یوم کیپور

دوره توبه ده روزه که در پی روز رُوش هَشانا^۱ (روز سال نوی یهودی) می آید، با یک روزه ۲۴ ساعته و مراسم بزرگ مذهبی یوم کیپور، که در روز دهم برگزار می شود، پایان می یابد.

^۱ Rosh Hashanah

■ در یوم کیپور، مراسم یهودی بزرگ بخشش چه می گذرد؟

- در طول ۲۵ ساعت روزه و دعا که نشانه یوم کیپور هستند، این سوالها از کنیسه پرسیده می شوند: من که هستم، انسان بودن، یهودی بودن، خوب یا بد بودن به چه معنی است؟ گناه چیست؟ توبه چیست؟

در این زمینه می توان همه اینها را با ذکر یک اصل از تلمود، خلاصه کرد که بر اساس آن انسان هرگز نمی تواند بدون آشتی با همنوعش با خدای خود آشتی کند. خاخام ها می گویند که کسی که همه احکام این زمان توبه را به جای می آورد، بدون آن که نخست دل خود را بکاود و در جبران خطاهای مرتکب شده بکوشد، مانند کسی است که غسل می کند، در حالی که یک تکه گوشت خوک در دست دارد.

■ این دعای یوم کیپور چگونه بوسیله رویدادها غنی می شود؟

- هرگز نباید آنچه را که یک یهودی هرگز از یاد نمی برد، اما برادران غیر یهودی ما معمولاً آن را نادیده می گیرند، فراموش کرد: ما همزمان دو واقعیت هستیم: یک جامعه دینی و یک ملت. این است که نقش ما را دشوار می سازد. یک عنصر روحانی، اخلاقی، دینی، در وجود ما هست، اما عنصر "بدنی"، طبیعی، و ملی هرگز فراموش نشده است... در میان میلیونها یهودی که برای یوم کیپور به کنیسه می روند (و اکثریت بزرگشان جز در این موقع به کنیسه نمی روند)، ممکن است عده قابل توجهی بگویند که مذهبی نبوده و به شعائر دینی عمل نمی کنند، و یا حتی بی اعتقاد هستند، اما آنها می آیند زیرا که راه دیگری برای این که مورد تایید اجتماعی قرار گیرند وجود ندارد، مگر گاهی بوسیله تظاهرات به هنگام سوقصد ها یا جنگها (و این گرایش آخر شاید سودمند ترین شیوه برای مورد تایید قرار گرفتن نباشد). به جای آوردن یوم کیپور همچنین حرکتی برای تعیین هویت خویش است... کیپور زمانی بسیار باشکوه است: خاخام ها و شرکت کنندگان پوشیده در شال دعای سفید هستند، و مانند همه نمادپردازی ها، این نیز مورد تفسیرهای فراوان قرار می گیرد: سفید، رنگ کفن بوده و همچنین تداعی کننده فرشتگانی است که انسان باید به آنها شباهت یابد.



اورشلیم، مراسم کیپور

کیپور هویت ما را به عنوان یک ملت به ما یادآوری می کند: نمی توان به صورت فردی یهودی بود، بلکه بصورت جمعی است که شخص می تواند یهودی باشد. و در همان حال، شخص بوسیله روزه، دعا، و تامل خود را زیر پرسش قرار می دهد، و به این ترتیب آن روند داوری خود را که ۴۰ روز پیش از آن شروع شده است، به انجام می رساند. در طول این زمان توبه عمومی و شخصی، خاخام ها می گویند که سه کتاب گشوده در آسمانها هستند: کتاب زندگی برای عادلان، کتاب مرگ برای شریران، و یک کتاب سوم برای اکثریت عظیمی که سرنوشتشان هنوز تعیین نشده است. بر طبق سنت اگر فرشته خدا یکی از ما را ببیند که یک عمل توبه کارانه را انجام می دهد، نام او را در کتاب زندگی ثبت می کند. ما در طول این دوره یک درود آیینی را به کار می گیریم که ترجمه تحت اللفظی اش این است: "باشد که تو مَهر بشوی..." به طور ضمنی یعنی، "در کتاب زندگانی". دعا، در طول این روزها، همیشه بصورت جمعی است. بارها و در سه شکل متفاوت ما قاعده اعتراف عام را داریم. "ما گناه کرده ایم، ما دروغ گفته ایم، ما دزدیده ایم، ما کشته ایم..." و اگر شخص شخص اعتراض کند که بی گناه است، او را چنین پاسخ می دهند: تو هم مسئول هستی، زیرا که تو در سرنوشت قومت سهیم هستی.

■ آیا در آیین یهود بحثی میان عدالت و رحمت وجود دارد؟ در بیرون از این قوم برخی با ملاحظه جدیدی که حتی پس از گذشت چند دهه، برای تعقیب جلادان ملت یهود وجود دارد، این سوال را از خودشان می پرسند.

- این بحثی غلط و تغییر شکل یافته است که در نتیجه خواندن متون آیین یهود از دیدگاه سنت مسیحی بوجود آمده است. بنا بر کمال مطلوب کتاب مقدسی، یک حرکت نیکوکارانه یک حرکت عادلانه است، نه بر حسب مفهوم انسانی بلکه بر حسب اندیشه الهی از عدالت. عدالت و رحمت، در زبان عبری کتاب مقدسی، یک ریشه دارند، “صِدִק”^۷ برای عدالت، و “صִדָּק”^۸ برای رحمت. خاخام ها می گویند که خصلتهای خدایی “חֵם”^۹ (راستی) و “חֶסֶד” (محبت) در یک گروه قرار می گیرند. دو هزار سال پیش، خاخام ها، همچون مفسران امروزی، به خوبی دریافته بودند که دو روایت از آفرینش وجود دارد. آنها می گفتند که خدا پس از آن که جهان را با خصلت عدالت خود آفرید، متوجه شد که آن بیش از حد دشوار بوده و انسان قادر خواهد بود که تنها بر حسب عدالت زیست کند، پس او جهان را بار دیگر با رحمت خود آفرید...

ملت یهود به این علت نمی تواند جلادان نازی خود را فراموش و از تعقیبشان دست بردارد، که این جلادان نشانه های یک دوره پایان یافته نیستند. برای یک یهودی، گذشته، حال، و آینده با هم در پیوندند. او آنچه هست، هست به دلیل گذشته اش؛ او می تواند آنچه هست باشد، بواسطه تلاشهایش؛ او امیدوار است که همه این تجربه ها را در زمینه ای از تهدیدی تقریباً دائمی به فرزندانش منتقل کند. این مراقبت همیشگی، به همان درازای تاریخ جهان، است که باعث می شود جنایات دیروز را همچون تهدیدات امروز و فردا به شمار آوریم که باید به ضد آنها مبارزه کرد.

گفتگو با خاخام ویلیام

فصل نهم

تاملات و شهادت ها

- اگر از گناهانت خبر داشتی، دلت را از دست می دادی

- پس ای خداوند، من آن را از دست می دهم، چون من به دلیل اعتماد به شما شرارت آنها را باور می کنم.

- نه، چون من که تو را از گناهانت آگاه می کنم، می توانم تو را از آنها شفا دهم.

پاسکال، راز عیسی

چگونه گناه باعث رنجش خود خدا می شود؟

اگر چه گناه به خود خدا آسیبی نمی رساند ، پیش از هرچیز به میزان آسیبی که به کسانی که خدا آنها را دوست دارد می زند، خدا را نیز می رنجاند. به این ترتیب با به شمشیر زدن اوربای حتی و گرفتن همسر او، بدون شک داوود تصور می کرد که تنها به یک انسان، که حتی یهودی هم نبوده، آسیب زده است: او فراموش کرده بود که خدا خود را ضامن حقوق همه افراد بشر قرار داده است. به نام خدا، ناتان به او خبر می دهد که داوود "خود خداوند را تحقیر کرده است" و که در نتیجه آن تنبیه خواهد شد. (۲- سمو ۱۲: ۹).

دو روش مکمل

کلیسای ما دو بار در سال - در طول فصل ورود و نیز چهل روز و توبه- دو مراسم جمعی آشتی را برگزار می کند. من با شادی بسیار در این مراسم شرکت می کنم. اما من همچنان بر حسب عادت، تقریباً ماهی یک بار، به دیدار دوست کشیشی می روم که از سالها پیش نزدش اعتراف می کنم. به نظر من این دو شیوه برگزاری راز توبه مکمل یکدیگر هستند. مسلماً مراسم توبه جمعی نگرش مرا نسبت به گناه تجدید کرد. اما من همچنین بسیار دلبسته

گفتگو با این دوست کشیش هستم، که بوسیله آن می توانم رابطه خود با خدا و برادرانم را ارزیابی کنم.

در هر اعتراف، ما با یکدیگر دعا می کنیم. من عیب های او را می دانم، همانطور که او عیبهای مرا می داند، اما در آنجا ما خود را در سطحی متفاوت از رابطه دوستی قرار می دهیم. من عقیده دارم که او این قدرت را دریافت کرده که در نام خدا، آمرزش مرا از گناهانم اعلام کند. من به همراه او خدا را به خاطر این عطا که به ما داده است سپاس می گویم.

ژوژیان، ۳۷ ساله، مادر یک خانواده

بخشایش و رحمت

"قرضهای من بسیارند و هیچکس قادر به شمارش آنها نیست، با این حال آنها به اندازه رحمت تو عجیب نیستند. گناهان من بسیارند، اما با این وجود آنها در قیاس با بخشایش تو ناچیز هستند".

گرگوار دُ نارک

در نور رحمت الهی

"اشتباه یا خطا، تا حدی که نوعی گناه باشد، می تواند تشخیص داده شده، و به آن اذعان شود؛ به نظر می آید که این درماهیت گناه باشد که تنها می تواند مکشوف شود، یعنی، درواقع جز در نور رحمت الهی نمایان نمی شود".

گابریل مارسل

برگزاری راز بخشش در ال سالوادور

آیا می شود در شرایط خشونت آمیز، جنگ چریکی و شکنجه، آشتی را تجربه کرده و از آن صحبت کرد؟ در سال ۱۹۴۴ صحبت از آشتی میان فرانسویان و آلمانی ها آسان نبود. امروز، خبرهایی که از آمریکای مرکزی و آمریکای لاتین دریافت می کنیم به ما نشان می دهند که اعمال بخشش باید از سر گرفته شوند.

چند سال پیش مدرکی حاکی از یک مراسم توبه در میان گروههایی از روستاییان که در حال فرار از محل درگیریهای کشور ال سالوادور بودند، منتشر شده است. در آن می بینیم که چگونه بوسیله یک آزمایش وجدان جمعی، مراسم تبدیل به یک رهایی می شود. پیش از هر چیز، اجتماع به شناسایی گناهان خود دعوت می شود. برگزار کننده مراسم یادآوری می کند: "گناهان خودتان و نه گناهان دیگران". کودکی فریاد می زند "ترس" – "شما واقعا ترسیدید. آری؟ اما ترسیدن گناه نیست. آنچه گناه است این است که بگذاریم گناه ما را تحت کنترل خود درآورد. بسیاری از اقرارهای دیگر نیز می آیند. "من نخواستم که مردگان را به خاک بسپارم". – "مردمی را دیدیم که گرسنه بودند، اما به آنها چیزی ندادیم". سپس درباره این خطاهای جمعی تأمل می شود. "ما اگر کج روی های خود را برنشمایم، نمی توانیم برای رهایی کار کنیم". در میان این ها، صدایی بلند می شود: "فقدان اتحاد". کشیش می گوید "خیلی خوب". "هر فرد صاحب میراث مردم و آزادی است. اما به تنهایی و جدا از دیگران، شخص گم شده است... چه کسی باید مبارزه کند تا اتحاد بیشتری وجود داشته باشد؟ جماعت پاسخ می دهد "ما، مسیحیان". گفتگو ادامه می یابد. باب ۴ از کتاب پیدایش (قابیل برادرش هابیل را می کشد) و متی ۵: ۱۳-۱۶ ("شما نمک جهان هستید") خوانده می شوند. سپس همه در دعا سهیم می شوند. "خداوندا، فکرهای ما را روشن گردان تا مانند قابیلها نباشیم" – "تا برادرانی که می جنگند نه برای منافعشان بلکه برای دفاع از مردم بجنگند". در پایان شفاعت، به دلیل نبود نان و شراب قربانی مقدس برگزار نمی شود. اما کشیش هر کس را به تقدیم آن چه دارد دعوت می کند. او از مردم می خواهد که "هر کسی این تقدیس را در سکوت انجام دهد". کودکان در آغوش مادرانشان خوابیده اند. سرود خوانده می شود و مردم روی یکدیگر را می بوسند. آیا این زیستن انجیل نیست؟

نقش اجتماع

"همه کلیسا، به عنوان قوم کاهنان، در کار آشتی (متی ۱۸: ۱۸؛ یو ۲۰: ۲۳)، که به بوسیله خدا به او سپرده شده است، به شیوه های گوناگونی عمل می کنند. زیرا کلیسا نه تنها بوسیله اعلام کلام خدا، ما را به توبه دعوت می کند، بلکه همچنین برای گناهکاران شفاعت می کند. دعوت شده به نشان دادن و تجربه مشارکتی که روح القدس در میانشان بوجود می آورد، مسیحیان راهنمایی می شوند تا به بازشناسی جمعی آن چیزی برسند که سبب جدایی آنها می شود؛ آنها به بازگشت دسته جمعی به سوی خدا، و همین طور به یک اقدام به آشتی در میان خود دعوت شده اند.

با شکل های گوناگون پذیرش متقابل، چه از سوی کشیشان و چه از سوی همه جماعت مسیحیان، آنها می توانند به یکدیگر کمک کنند تا انزوا را در هم شکسته و دریابند که به بازگشت به سوی خدا دعوت شده اند. با گوش فرادادن به سخن خدا که رحمت او را اعلام می کند، آنها به سوی این هدایت می شوند که زندگیشان را با این کلام خدا مقایسه کرده و دعوت های انجیل را کشف کنند. بوسیله دعا، آنها برای اعتراف به محبت خدا که ما را از گناه می رهند، به یکدیگر کمک می کنند. هنگامی که کشیش های برگزار کننده راز به نام خدا آمرزش را می دهند، آنها به ماموریت خود در دل یک عمل کلیسایی عمل می کنند که خادمان آن هستند".

آیین توبه

به چه کسی اعتراف کنیم؟

... بدون تجربه صلیب که کشیش اعتراف نبیوش آن را تجربه می کند، این تجربه زندگی نخواهد بود. بهترین انسان شناس بی نهایت کمتر درباره قلب انسان می داند تا ایمان داری که به سادگی با شناخت صلیب مسیح زندگی می کند... دانش روانشناسی اندوه، ناتوانی، و ناامیدی انسان را می شناسد، اما نمی داند که او جدا از خداست... روانشناس مرا طوری در نظر می گیرد که انگار خدایی وجود ندارد، برادر ایمانی مرا در برابر خدا می بیند که، بر صلیب دآوری کرده و می بخشاید...

شبان دیتربیش بونهوفر (۱۹۰۵-۱۹۴۴)

فصل دهم

اعتراف کودکان

کودک پس از چند "شیطنت" خیلی زود، در می یابد که هماهنگی با مادر و پدرش، یا با خواهران و برادرانش را از دست داده است. بنابر این احساس ناراحتی می کند، و دیگر در درون خود آرامش ندارد. او دل آزرده می ماند، تا زمانی که بخشش و آشتی را می پذیرد. او در ابتدا مهر و خوبی خانواده اش را تجربه کرده بود و سپس این رابطه قطع شد. از سرگیری این رابطه پرمهر به او امکان می دهد که حتی بیشتر لذت محبت خانواده اش را بچشد.

این اولین تجربه ها همچنین کودک را در کشف آشتی با خدا و محبت او هدایت می کند. در ابتدا می بایست او را به شناخت عطایای الهی، شادمانی از این عطایا، و تجربه همه لحظات در هماهنگی نورانی با خدا دعوت کرد. تنها پس از این آگاه شدن است که می توان به او پیشنهاد کرد تا درباره مسئولیت خود و درباره گناه تفکر کند. آیا در واقع گناه رد کردن یک خوبی و "نه" به یک دعوت نیست؟

پس، راه بازگشت را خواهیم جست، و به سوی آشتی گام برخواهیم داشت، خواهیم آمد تا بخشش خدا را درخواست کنیم. پس از این همه است که به کودک، که بوسیله فرصت اولیه تفکر آماده شده است، پیشنهاد می شود که به سوی آشتی گام بردارد.

در چنین نگرشی، "آزمایش وجدان" وجود ندارد. روند آشتی بوسیله حرکت هوش کودک و فکر کردن او درباره آنچه کرده است انجام نمی شود...

این روند به گونه ای که او امروز موقعیتهای گذشته اش را دوباره تجربه می کند، انجام می یابد. سبک متون تعمق او را به این فرا می خواند. سرودها و متون مذهبی او را در این زمینه یاری می دهند. زبان سنتی ایمان بوسیله مراجعه پیوسته به متون کتاب مقدس معمول شده است. در اعتراف کودک نیز، همانند اعتراف بزرگسالان، دو سطح وجود دارند، سطح فردی و سطح جمعی. خدا مرا فرا می خواند؛ خدا ما را فرا می خواند. من گاهی گناهکار هستم؛ این برای همه انسانها پیش می آید که گناهکار باشند. من از خدا درخواست بخشش می می کنم، ما از خدا درخواست بخشش می کنیم. خدا مرا می بخشاید، خدا ما را می بخشاید.

به این ترتیب کودک متوجه جایگاه خود در میان انسانهای دیگری می شود، که با او هستند و مانند او دعوت شده اند، اما آنها هم گناهکار و در راه آشتی هستند. با چنین اقدامی، از برخی

نگرش ها به راز مقدس آشتی پرهیز می شود؛ نگرشهایی که کودک را در خود فرو می برند ، در حالی که او باید به سوی نگاهی جمعی پیش رود. این روند در تفکر کلیسا و در سنت مسیحیان جای گرفته است و به نظر می رسد که در احیای آیین نیایش جای خود را پیدا می کند، که در آن آشتی اغلب به شکل جمعی برگزار می شود.

مراسم توبه با کودکان



پس از گردآوردن کودکان برای توضیح معنی مراسم، هر یک از آنها با یک برگه کاغذ که در آن اشتباهاتش را نوشته است، به نزد کشیش می رود. پس از گفتگویی با کودک، کشیش کاغذ را پاره می کند و آمرزش را می دهد. سپس کاغذها با یکدیگر سوزانده می شوند و هر کودک بر شاخه تاک، انگوری را می آویزد که بر روی آن تصمیم های خود را نوشته است.



فصل یازدهم

برگزاری راز آشتی

الف - مراسم فردی

من خود را آماده می کنم

من تا جای ممکن روز و ساعت اعترافم را در نظر گرفته و برای آماده کردن آن قسمتی از کلام خدا را برمی گزینم که بخشی از زندگی مرا روشن می کند.

من در نزد کشیش حضور می یابم

اگر کشیش مرا نمی شناسد، به سرعت وضعیت خانوادگی و مسئولیتهای حرفه ای و اجتماعی ام را برایش توضیح می دهم.

کشیش برکت خدا را به من می دهد با گفتن دعایی مانند این:
"باشد که خداوند به شما عطا کند که گناهان خود را در نور محبت او تشخیص دهید"
و یا دعای دیگری مشابه این.

من گناهانم را تشخیص می دهم

من این بار بیشتر تحت تاثیر این بخش از کلام خدا قرار گرفتم، که می گوید ...
(اگر اعتراف در یک دفتر کار انجام می شود، کشیش و من آن متن از کلام خدا را با یکدیگر می خوانیم؛ اگر در جایگاه اعتراف هستیم، من متن را به طور خلاصه بیان می کنم)
این کار ذهن مرا روشن کرد، زیرا:

...من تصمیم گرفته بودم که در این راستا تلاش کنم؛
...این موضوعی است که برای من به طور ویژه ای سختی ایجاد می کند؛
...من تا به حال به آن فکر نکرده بودم.
من همچنین می توانم در زندگی ام بخشهای مثبت و منفی دیگری را نیز تشخیص دهم...

این همه مرا به سوی چنین تفکر، و چنین تصمیمی هدایت می کند...

من بخشایش خدا را می پذیرم

- با دعا :

کشیش به من پیشنهاد می کند که با او دعا کنم : یا ای پدر ما، و یا دعایی دیگر

- با تصمیم برای تغییر زندگی :

کشیش از طرف کلیسا مرا به اقدامی که نشانه بازگشت به سوی خدا و توبه باشد، دعوت می کند.

- درخواست بخشایش :

من می توانم اشتیاق خود برای بخشایش خدا را با گفتن دعایی مانند این ابراز کنم:

"خدای من، من بر ضد تو و بر ضد برادرانم گناه کرده ام؛

اما در نزد تو بخشایش هست.

توبه مرا بپذیر

و به من نیروی زیستن بر اساس محبتت را عطا فرما".

آنگاه کشیش کلمات آمرزش را بر زبان می آورد:

"باشد که خدا پدر ما

رحمت خود را به شما بنمایاند :

با مرگ و رستاخیز پسرش

او جهان را با خود آشتی داد

و او روح القدس را فرستاد

برای بخشایش گناهان :

بوسیله خدمت کلیسا،

باشد که او به شما آمرزش و آرامش عطا کند.

و من،

به نام پدر و پسر و روح القدس،

همه گناهان شما را می بخشم.

و من پاسخ می دهم : آمین.

ب- مراسم جمعی همراه با اعتراف و آمرزش فردی

هنگامی که جماعت گرد هم می آید، پخش موسیقی مراسم را آماده می کند.

برگزارکننده اصلی مراسم از جماعت استقبال می کند :

"باشد که خداوند شما را برکت دهد و شما را محافظت نماید. باشد که او روی خود را بر شما برافرازد و شما را سلامتی بخشد" (اعد ۶: ۲۴).

او شادی برگزاری دسته جمعی رحمت خستگی ناپذیر خدا را بیان می کند.

شرکت کنندگان می سرایند :

"آری، برخوایم خواست و به سوی پدرم خوایم رفت"

یکی از کشیشان کلام خدا را می خواند : (لو ۱۵: ۱۱-۳۲).

پس از خواندن آیه ۱۹ و آیه ۲۴ جماعت با بند برگردان سرود پیشین پاسخ می دهند.

برگزار کننده اصلی مراسم به طور خلاصه بر این نکات تاکید می کند:

- طرز برخورد پدر : سرچشمه سپاسگزاری

- رفتار پسر کوچکتر (فرصتی برای بررسی زندگی خود)

- طرز برخورد پسر بزرگتر

پس از یک وقت سکوت : موسیقی بسیار ملایمی در پس زمینه پخش می شود.

کسانی که مشتاق دریافت راز مقدس اعتراف هستند، از جای خود برخاسته و به نزد کشیشانی که هر یک در نقطه ای از کلیسا جای گرفته اند می روند.

هنگامی که همه به سر جای خود برگشتند، برگزارکننده اصلی مراسم از کسانی که آمرزش را دریافت داشته اند می خواهد تا کاری ملموس را انتخاب کنند که نشان دهنده اشتیاق آنان به پیشرفت باشد.

سپس او جماعت را به گفتن دعای ای پدر ما دعوت می کند.

پیش از پایان مراسم شرکت کنندگان می سرایند:

"تو ما را در کوره راه های زندگی هدایت خواهی کرد"

به هنگام بیرون رفتن، پخش قطعه ای موسیقی سپاسگزاری را نشان می دهد.

بخش دوم

آشتی و توبه

گزیده ای از رساله پاپ اعظم ژان پل دوم

مقدمه

۱- برای مردان و زنان عصر ما سخن گفتن از آشتی و توبه دعوتی است به کشف مجدد همان کلماتی که منجی و تعلیم دهنده ما عیسی مسیح، موعظه خود را با آن آغاز نمود: "توبه کنید و به انجیل ایمان آورید" (مرقس ۱: ۱۵).

اما چرا کلیسا یک بار دیگر این موضوع و دعوت را مطرح می کند؟ اهمیت مبرم شناخت و درک بهتر انسان و دنیای معاصر جهت حل معمای آنها و آشکار ساختن رازشان و همچنین تشخیص عناصر خوب و بد در درون آنها، اشخاص زیادی را به مطالعه عمیق بشر و دنیا واداشته است. شبان کلیسا نیز همچون دیگران، در میان خصوصیت های اسف بار متعددی که از ویژگی های دنیا و بشریت در عصر ما می باشند، وجود جدایی های عمیق و دردناک بسیاری را مشاهده می کند.

دنیایی از هم گسیخته

۲- این جدایی ها در روابط میان افراد و گروهها و همچنین در سطح گروههای بزرگتر یعنی ملتی علیه ملت دیگر و گروهی از کشورها علیه گروهی دیگر، در تلاشی روزافزون برای سلطه یافتن مشاهده می گردد. تشخیص این واقعیت مشکل نیست که ریشه این جداییها، تضادهایی است که به عوض آن که از راه گفتگو حل شوند، با رویارویی و مخالفت تشدید می گردند.

صاحب نظران با مطالعه دقیق عواملی که منجر به جدایی می گردند، دلایل متفاوتی می یابند، از جمله عدم تناسب روز افزون بین گروهها، طبقات اجتماعی و کشورها، رقابتهای عقیدتی که به هیچ وجه پایان نپذیرفته اند، مخالفت میان منافع اقتصادی، تضادهای سیاسی، اختلافات قومی و تبعیض به دلایل اجتماعی و مذهبی. قدرت مهیب این جدایی ها، دنیایی که در آن زندگی می کنیم را به دنیایی که حتی اساس آن نیز دچار از هم گسیختگی شده است تبدیل می سازد.

هرچند این جدایی ها در وهله اول خاطر انسان را بسی پریشان می سازند، اما از راه جستجویی دقیق انسان می تواند به ریشه این مشکل دست یابد و آن به اصطلاح "زخمی" است در درون وجود انسان. از دیدگاه ایمان این "زخم" را گناه می نامیم، که آغاز آن گناه اولیه است که همه ما از هنگام تولد آن را از والدین نخستین خود به ارث می بریم، تا گناهی که هر یک از ما با سوء استفاده از آزادی خود مرتکب می شویم.

اشتیاق برای آزادی

۳- پس اگر با همین دید جستجو و تحقیق، به دقت بنگریم، درمی یابیم که در میان این همه جدایی‌ها تمایلی عاری از تردید در بین انسانهای خوش نیت و مسیحیان راستین جهت اصلاح این جدایی‌ها و شفا بخشیدن به این زخمها و برقراری مجدد اتحادی اساسی در همه سطوحها وجود دارد.

این اشتیاق جهت یک آشتی صادقانه و با ثبات بی تردید نیروی محرکه‌ای بس اساسی در جامعه ما بوده و بازتاب اشتیاقی فروکش ناپذیر برای صلح است. شدت این اشتیاق برای صلح به شدت عوامل جدایی است، هرچند که این امر ضد و نقیض به نظر می‌رسد. اما آشتی نمی‌تواند عمقی کمتر از عمق جدایی‌ها داشته باشد. اشتیاق برای آشتی و خود آشتی تنها تا به آن حد کامل و موثر خواهد بود که در عمق آن "زخم اولیه" که ریشه همه زخمهای دیگر است، یعنی گناه، وارد شود تا آن را شفا بخشد.

۴- اسلاف من همیشه واعظ آشتی بوده و همه بشریت و هر بخش جامعه بشری را که دچار زخم و جدایی می‌دیدند، به آشتی فرا خواندند. من نیز برای تعیین موضوعی جهت شورای اسقفان، با موضوعی که بسیاری دیگر از برادرانم در مجمع اسقفان پیشنهاد نمودند، یعنی موضوع بس مفید آشتی در ارتباط نزدیک با موضوع توبه، موافقت کامل داشتم.

موضوع و مفهوم "توبه" بسیار پیچیده می‌باشد. اگر "توبه" را با "دگرگونی قلب" که انجیل به آن اشاره می‌کند ربط دهیم، توبه مفهوم تغییر بس عمیق قلب تحت تاثیر کلام خدا، در ارتباط با ملکوت او می‌باشد (ر.ک. به متی ۴: ۱۷ و مرقس ۱: ۱۵). اما توبه همچنین به مفهوم تغییر زندگی در هماهنگی با دگرگونی قلب است و از این نقطه نظر "توبه نمودن" با "ثمرات شایسته توبه آوردن" کامل می‌گردد (ر.ک. به لوقا ۳: ۸)، به عبارت دیگر کل وجود انسان است که تحت تحول توبه قرار می‌گیرد یعنی به سوی تلاشی مداوم در راه بهتر شدن هدایت می‌گردد. اما توبه نمودن تنها زمانی حقیقی و موثر است که در رفتار و اعمالی حاکی از توبه پیاده گردد. از این دیدگاه "توبه" در اصطلاح علوم الهی و روحانی مسیحیت، به مفهوم ریاضت می‌باشد، یعنی تلاش قابل لمس روزانه شخص، تحت حمایت فیض خدا، جهت آن که به عنوان تنها راه باز یافتن جان خود، شخص جاننش را برای مسیح از دست بدهد (ر.ک. به متی ۱۶: ۲۴-۲۶ و مرقس ۸: ۳۴-۳۶ و لوقا ۹: ۲۳-۲۵)، تلاش در راه آن که "انسان کهنه" را از خود بیرون کند و "انسان تازه" را بیوشد (افس ۴: ۲۲-۲۴)، تلاش در راه آن که در خود بر آن چه این دنیایی است غالب آییم تا آنچه روحانی است تسلط یابد (ر.ک. به ۱- قرن ۳: ۱-۲۰)، تلاش مداوم جهت آن که از چیزهای "زمینی" بسوی

آنچه در "بالا"، جایی که مسیح است، برخیزیم (ر.ک. به کول ۳: ۱-۲). بنابراین توبه نوعی دگرگونی است که از قلب به اعمال انتقال یافته، تمام زندگانی فرد مسیحی را در بر می گیرد. در تمام این مفاهیم، توبه با آشتی ارتباطی نزدیک دارد، زیرا آشتی با خدا، با خود و با دیگران نیازمند چیره شدن بر آن گسیختگی بنیادین یعنی گناه است، و این تنها از راه تحولی درونی یا "دگرگونی" میسر است که از راه اعمال توبه در زندگی شخص ثمر می آورد.

کتاب مقدس درباره این آشتی با ما سخن گفته، از ما دعوت می کند که برای دست یافتن به آن هر تلاش لازم را به عمل آوریم (ر.ک. به ۲- قرن ۵: ۲۰). اما کتاب مقدس همچنین به ما خاطرنشان می سازد که آشتی پیش از هرچیز عطیه پر رحمت خدا به بشریت است (ر.ک. به روم ۵: ۱۱ و کول ۱: ۲۰). تاریخ نجات، تاریخ شگفت آشتی است: آشتی ای که توسط آن خدا، به عنوان پدر، در خون و صلیب پسرش جهان را با خود آشتی داده و به این وسیله خانواده ای جدید متشکل از کسانی که آشتی داده شده اند، بوجود می آورد.

آشتی از آن رو ضروری می گردد که گسیختگی گناه وجود دارد که سرچشمه تمام دیگر اشکال گسیختگی در درون انسان و در اطراف وی می باشد. پس برای آن که آشتی کامل باشد، ضروری است که رهایی از گناه که باید در عمق ریشه اش رد گردد صورت پذیرد. بنابراین ارتباطی درونی، توبه و آشتی را با یکدیگر متحد می سازد، این دو واقعیت را ممکن نیست از یکدیگر جدا ساخت و یا از یکی سخن گفت بی آن که از دیگری ذکری به میان آورد. شورای اسقفان همچنین درباره آشتی همه خانواده بشری و دگرگونی قلب هر فرد و بازگشت هر انسان به خدا سخن گفت، زیرا می خواست این حقیقت را بازشناخته و اعلام دارد که هیچ اتحادی بین انسانها ممکن نیست، مگر آن که تحولی در درون هر فرد صورت پذیرد. دگرگونی شخصی طریق ضروری هماهنگی میان افراد است.

فصل اول

توبه و آشتی وظیفه و تعهد کلیسا

الف - یک مثل آشتی

۵- در آغاز این رساله، متنی خارق العاده از انجیل لوقا به ذهنم خطور می نماید که پیش از این در یکی از رساله های خویش اقدام به نشان دادن مفاهیم ژرف مذهبی و انسانی آن نمودم. منظورم مثل پسر گمشده می باشد.

از برادر گمشده ...

"مردی دو پسر داشت. پسر کوچکتر به پدر خود گفت: پدر، سهم مرا از مالی که باید به من رسد به من بده." اینچنین است که عیسی داستان پرماجرایی آن مرد جوان را آغاز می کند: رفتن از خانه پدر، به هدر دادن تمام مالش با یک زندگی پوچ و بی بند و بار، روزهای تاریک، غربت و گرسنگی و باز روزهای تاریک منزلت از دست رفته، تحقیر و شرمساری و سپس دلتنگی برای خانه خود، شهامت بازگشتن و استقبال پدر. بی تردید پدر پسرش را فراموش نکرده بود، در واقع علاقه اش به او و احترامی که برایش داشت، تغییری نیافته و در نتیجه همیشه در انتظار او به سر برده بود و اکنون او را در آغوش گرفته و دستور می دهد که ضیافتی عظیم برای جشن گرفتن بازگشت آن کس که "مرده بود و زنده گشت، گم شده بود و یافت گردید" بر پا شود.

این پسر گمشده نمونه بشر است، هر یک از افراد بشر که فریفته وسوسه جدا ساختن خود از پدر خویش می گردد تا بطور مستقل زندگی کند. سپس دلسرد از پوچی سرایی که وی را فریفته بود، چون اقدام به ساختن دنیایی فقط برای خود می کند، با تنهایی، بی حرمتی و استثمار روبرو می شود. اما حتی در اعماق بدبختی خویش اشتیاق بازگشت به اتحاد با پدرش، وی را به طرزی دردناک می رنجاند. همچون پدری که در این مثل توصیف می گردد، خدا نیز چشم به راه بازگشت

فرزند خویش می باشد و چون می آید او را در آغوش گرفته، دستور برپایی ضیافتی را به مناسبت این دیدار صادر می کند که توسط آن آشتی جشن گرفته می شود. شگفت آورترین بخش این مثل استقبال پرشور و سرشار از محبتی است که پدر از پسر بازگشته خود به عمل می آورد و نشانه رحمت خداست که همیشه برای بخشیدن آماده و مشتاق است. بیایید بی درنگ بگوییم که : آشتی در اصل عطیه پدر آسمانی است.

... تا برادری که در خانه ماند

۶- اما این مثل همچنین از برادر بزرگتر سخن می گوید که از شرکت در ضیافت سرباز می زند. او برادر کوچکتر خود را به دلیل سرگردانیهای بی بند و بارش ملامت می کند و پدر خویش را نیز به خاطر استقبالی که پسر گمشده به عمل می آورد سرزنش می کند، زیرا خود او که فردی متعادل و پرکار و وفادار به پدر و خانه اش بوده، به گفته خودش هرگز به او اجازه داده نشده که با دوستانش جشن بگیرد. این نشانگر آن است که پسر بزرگ محبت پدر خویش را درک نمی کند. تا وقتی که این برادر که بیش از حد از خود و صفات خوب خویش مطمئن است و مغرور و متکبر بوده سرشار از رنجش و خشم می باشد، وجود خود را دگرگون نساخته با پدر و برادر خود آشتی نکند، این ضیافت هنوز به طور کامل برگزاری یک اتحاد مجدد و یک کشف نوین نیست. هر انسان، یعنی هر یک از افراد بشر، پسر بزرگتر نیز می باشد. خودخواهی او را حسود ساخته قلبش را سخت می کند و چشمان او را کور کرده، او را از سایر انسانها و از خدا جدا می سازد. شفقت پر مهر و رحمت پدر وی را ناراحت ساخته، خشمگین می کند، برای او شادی برادری که بازیافته شده است، تجربه ای تلخ می باشد. از این نقطه نظر او نیز نیاز دارد که برای دست یافتن به آشتی وجود خود را دگرگون سازد.

مثل پسر گمشده پیش از هرچیز بیانگر محبت توصیف ناپذیر خدای پدر است که آشتی کامل را به پسرش که بسوی او بازگشته عطا می کند. اما هنگامی که این مثل سیمای پسر بزرگتر را نمایان می سازد، سیمای خودخواهی ای که برادران را از یکدیگر جدا می کند، این مثل همچنین به شرح حال خانواده بشری تبدیل می گردد که موقعیتهای را توصیف نموده، و راهی که باید پیمود را نشان می دهد.

در پرتو این مثل که توصیف کننده رحمت بی کرانی است که گناه را از میان بر می دارد، کلیسا پیام این مثل را از آن خود ساخته و در پیروی از مسیح به رسالت خود که تلاش در جهت دگرگونی قلب و آشتی افراد بشر با خدا و با همدیگر است، متعهد می سازد.

ب - منشاء آشتی

در پرتو نور مسیح آشتی دهنده

۷- همان گونه که از مثل پسر گمشده نتیجه می گیریم، آشتی عطیه از خداست و اوست که گام اول را بر می دارد. اما ایمانمان به ما تعلیم می دهد که این اقدام خدا در راز مسیح نجات دهنده، آشتی دهنده و رها کننده بشر از گناه در تمام صور آن، شکل می گیرد. پولس رسول نیز بدون هیچ تردیدی، در این واقعیت رسالت بی نظیر عیسی ناصری را که کلمه و پسر خداست خلاصه می کند.

ما نیز می توانیم با این راز اساسی نقشه نجات که کلید شناخت راز مسیح از دیدگاه پولس رسول است، تعمق خود را آغاز کنیم: پولس رسول می نویسد: اگر در حالتی که دشمن بودیم به وساطت مرگ پسرش با خدا صلح داده شدیم، پس چقدر بیشتر پس از صلح یافتن به وساطت حیات او نجات خواهیم یافت، و نه همچنین فقط، بلکه در خدا هم فخر می کنیم بوسیله خداوند ما عیسی مسیح که بوساطت او الان صلح یافته ایم" (روم ۵: ۱۰-۱۱).

بنابراین چون "خدا در مسیح جهان را با خود آشتی می داد"، پولس رسول تحت الهام خدا این چنین قرنطیان را تشویق می کند: "با خدا آشتی کنید" (۲-قرن ۵: ۱۸ و ۲۰). یوحنا رسول نیز با بیانی دیگر درباره این رسالت آشتی از راه مرگ بر روی صلیب سخن می گوید: "مسیح می بایست بمیرد تا فرزندان خدا را که پراکنده اند در یکی جمع کند" (یوحنا ۱۱: ۵۲).

اما یک بار دیگر پولس رسول است که به ما امکان می دهد تا دید خود را گسترش داده، به ابعاد کیهانی رسالت مسیح پی ببریم، هنگامی که می نویسد: "پدر در مسیح همه موجودات را با خود آشتی داده است، خواه آنچه در آسمان و خواه آنچه بر زمین است (ر.ک. به کول ۱: ۲۰). به درستی می توان در مورد مسیح نجات دهنده گفت: "به هنگام غضب او بجای ما گرفته شد" (ر.ک. به سیراخ ۴۴: ۱۷) و اگر او "صلح ما است" (افس ۲: ۱۴)، او آشتی ما نیز می باشد.

پس بسیار بجاست که رنج و مرگ مسیح که در راز قربانی مقدس تجدید می گردد، در آیین مذهبی "قربانی آشتی" نامیده شود (ر.ک. به دعای سپاسگزاری سوم). آشتی با خدا و آشتی با برادران، زیرا عیسی تعلیم می دهد که آشتی برادرانه باید پیش از تقدیم قربانی صورت گیرد (متی ۵: ۲۳-۲۴).

کلیسای آشتی دهنده

۸- اما همانگونه که پاپ قدیس لئو در ارتباط با رنج و مرگ مسیح می گوید: "از آنچه که پسر خدا جهت آشتی دنیا به انجام رساند و تعلیم داد، ما نه تنها از راه تاریخ اعمال وی در گذشته آگاهیم، بلکه آن را در تاثیر آنچه امروز به انجام می رساند نیز تجربه می کنیم. ما آن آشتی را که وی در وجود انسانی خود به تحقق رسانید در تاثیر رازهای مقدس وی که توسط کلیسایش برگزار می شود، تجربه می کنیم، کلیسایی که او جاننش را برای آن فدا کرد و آن را به عنوان نشانه و وسیله نجات تشکیل داد.

بنابراین رسالت کلیسا را با تمام غنا و پیچیدگی اش می توان در ارتباط نزدیک با رسالت مسیح چنین خلاصه نمود که کار اصلی آن آشتی دادن انسانها با خدا، با خود، با هموعان و با تمام آفرینش است و این آشتی به نحوی پایان ناپذیر صورت می گیرد زیرا همانگونه که پیشتر گفتم: "کلیسا در ذات خود همیشه آشتی دهنده است".

کلیسا از آن رو آشتی دهنده است که پیام آشتی را اعلام می دارد، همانگونه که در تمام طول تاریخ خود اعلام داشته است، از مجمع رسولی اورشلیم گرفته (ر.ک. به اعما ۱۵: ۲-۳۳) تا شوراهای اسقفی این اواخر و "سال فرخنده نجات" که اخیرا پشت سر نهاده شد. بی همتایی این اعلام آشتی در این واقعیت است که برای کلیسا، آشتی ارتباطی بسیار نزدیک با دگرگونی دارد و این طریق لازم برای تفاهم بین افراد بشر است.

کلیسا همچنین از آنرو آشتی دهنده است که از راههای دست یافتن به این آشتی چهارگانه (آشتی با خدا، با خود، با هموعان و همه خلقت) را به بشر نشان داده راههای لازم برای دستیابی به آن را در اختیار بشر می گذارد. این راهها دقیقا همان راههای دگرگونی قلب و پیروزی بر گناه می باشند، چه غرور استثمار دیگران، دلبستگی به مادیات و اشتیاق بی حد برای لذت جویی. راههای دستیابی به این آشتی توجه وفادارانه و پر مهر به کلام خدا، دعای شخصی و جمعی و بخصوص رازهای کلیسا است که نشانه ها و راههای آشتی می باشند و در میان آنها بالاترین نشان در این مورد آن رازی است که ما به حق آن را راز آشتی یا توبه می نامیم و بعدا به آن خواهیم پرداخت.

کلیسای آشتی داده شده

۹- کلیسا برای این که کلیسایی آشتی دهنده باشد باید خود کلیسایی آشتی یافته باشد. در ورای این عبارت گویا و ساده، این اعتقاد مسلم نهفته است که کلیسا برای این که به شکلی موثرتر آشتی را به جهان اعلام نماید، باید به نحوی روزافزون حقیقتا به اجتماع شاگردان مسیح تبدیل گردد.

کلیسا دعوت شده است که در برابر مردمان عصر ما که اینچنین برای شهادتی ملموس در زندگی اهمیت قائلند، سرمشق آشتی بویژه آشتی در درون خود باشد. به هر حال کلیسا ترویج دهنده آشتی "در راستی" می باشد و به خوبی آگاه است که آشتی و اتحاد، بدون راستی و یا در ضدیت با آن امکان پذیر نیست.

ج - اقدام خدا و خدمت کلیسا

۱۰- کلیسا به عنوان جماعتی آشتی یافته و آشتی دهنده نمی تواند این واقعیت را فراموش کند که منشا عطیه و رسالت آشتی دهنده آن، اقدام سرشار از شفقت پر مهر و رحمت خدایی می باشد که محبت است (ر.ک. به حک ۱۱: ۲۳-۲۶؛ پیدا ۱: ۲۷؛ مز ۸: ۴-۸) تا در دوستی با او زندگانی کنند و در اتحاد با یکدیگر به سر برند.

آشتی از جانب خداست

خدا به نقشه ابدی خود وفادار است، حتی زمانی که انسان تحت تحریک "آن شریر" (ر.ک. به حکمت ۲: ۲۴) و تحت تاثیر غرور خود، از آن آزادی را که جهت محبت نمودن و جویای خوبی بودن به او داده شده، سوء استفاده می کند و از فرمانبرداری از خدا و پدر خود سر باز می زند. اما با وجود این سرپیچی از سوی بشر، خداوند در محبت وفادار می ماند.

ما می دانیم که خدا که "در رحمت غنی است" (ر.ک. به افس ۲: ۴). او همچون پدری که در مثل پسر گمشده توصیف شده، قلب خود را به روی هیچ یک از فرزندان نمی بندد. وی در انتظار و چشم به راه آنهاست و در جایی که امتناع از اتحاد با وی، آنان را در انزوا و جدایی به بند کشیده، به دیدار آنان می شتابد. او آنان را دعوت می کند که در شادی جشن بخشش و آشتی، به گرد سفره او جمع شوند.

این گام نخست از سوی خدا در عمل نجات بخش مسیح شکل گرفته، آشکار می گردد و از راه رسالت کلیسا در سراسر جهان می درخشد.

زیرا طبق ایمان ما، کلمه خدا جسم گردید و آمد تا در جهان زندگی کند. او بر ما آشکار ساخت که خدا محبت است و "فرمان نوین" محبت را به ما داد (ر.ک. به یو ۱۳: ۳۴)، و در عین حال این امر مسلم را به ما بیان نمود که راه محبت برای همه انسانها باز است و بنابراین تلاش در راه برقراری یک برادری عالمگیر تلاشی بیهوده نیست. مسیح با مرگ و خود بر صلیب بر بدی و نیروی گناه پیروز شد و با اطاعت پر مهرش، نجات را برای همگان به ارمغان آورد و برای همه "آشتی" گردید. در او خدا جهان را با خود آشتی داد.

کلیسا به اعلام آن آشتی که مسیح آن را در سراسر دهکده های جلیل و همه فلسطین طنین انداز کرد، ادامه می دهد و از دعوت همه انسانها به توبه کردن و ایمان آوردن به انجیل باز نمی ایستد.

کلیسا، راز عظیم آشتی

۱۱- کلیسا رسالت اعلام این مژده را بر عهده داشته در جهان راز آشتی می باشد. کلیسا راز یعنی نشانه و وسیله آشتی است. کلیسا پیش از هر چیز در ذات خود به عنوان جماعتی آشتی یافته، یک راز است، جماعتی که به کار مسیح شهادت داده و نمایانگر آن است. کلیسا همچنین از راه رسالتش به عنوان امانت دار و تنها مرجع تفسیر کتاب مقدس که مژده آشتی است، یک راز می باشد. سرانجام کلیسا به دلیل هفت راز خود که هر یک به نحوی "سازنده کلیسا" است، یک راز می باشد.

زیرا از آنجایی که این رازها یادبود و احیا کننده راز فصیح هستند، همه رازها برای کلیسا یک سرچشمه حیات بوده و در دست کلیسا وسیله بازگشت به سوی خدا و آشتی در میان انسانها می باشند.

راههای دیگر آشتی

۱۲- رسالت آشتی خاص تمام کلیسا است و بویژه آن کلیسایی که به برخورداری کامل از جلال الهی راه یافته، همراه با مریم عذرا، فرشتگان و مقدسین که خدای قدوس را نظاره کرده، پرستش می نمایند. کلیسا در بهشت، کلیسا بر زمین و کلیسا در پاکیزه گاه، به نحوی اسرار آمیز در آشتی دادن جهان با خدا، با مسیح در اتحاد بوده و همکاری می کند.

نخستین وسیله این کار نجات بخش دعا است. اما وسیله دیگری نیز هست، یعنی موعظه. از آنجایی که کلیسا شاگرد یکتا معلم عیسی مسیح می باشد، به نوبه خود به عنوان مادر و معلم، به نحوی خستگی ناپذیر انسانها را به آشتی دعوت می کند.

راههای دیگر نیز هستند که اغلب بسیار دشوار و نیازمند فداکاری اند، یعنی فعالیتهای شبانی به منظور بازآوردن هر فرد به راه راستین.

سرانجام راه شهادت دادن نیز هست که اغلب در سکوت صورت می گیرد. این امر زاییده یک آگاهی دوگانه از جانب کلیساست: آگاهی از این که خود "بی وقفه مقدس" است و آگاهی از این نیاز که باید همواره به پیش برود و "هر روز بیشتر پاک و تجدید شود تا روزی که مسیح آن را با تمام جلالش، بدون لکه و چروک به خود تقدیم نماید".

از این راه کلیسا می تواند به نحوی موثر در راه ساختن تمدنی که سلف من پاپ پل ششم آن را "تمدن محبت" نامید، تلاش نماید.

فصل دوم

محبتی که از گناه عظیم تر است

وضعیت اسف بار بشر

۱۳- به گفته یوحنا ی رسول: "اگر بگوییم که گناه نداریم، خود را می فریبیم و راستی در ما نیست. اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است و گناهان ما را می بخشد" (۱- یو ۸: ۹).

در واقع اقرار به گناهان خود، و خود را به عنوان موجودی گناهکار شناختن، نخستین گام ضروری در راه بازگشت به سوی خداست.

برای مثال این تجربه داوود می باشد که "آنچه را در نظر خداوند بد است، به جای آورد" (ر.ک. به مز ۵۱: ۴) و پس از آن که از سوی ناتان پیامبر توبیخ شد، می گوید: "من خطای خود را می دانم" (ر.ک. به مز ۵۱: ۳-۴). به همین صورت عیسی نیز این کلمات را بر زبان و در دل پسر گمشده می گذارد: "ای پدر، به آسمان و به حضور تو گناه کرده ام" (ر.ک. به لو ۱۵: ۱۸ و ۲۱).

در واقع آشتی کردن با خدا نیازمند آن است که شخص آگاهانه و با عزمی استوار خود را از گناهی که در آن افتاده است، جدا ساخته و به مفهوم کامل کلمه "توبه نماید". یعنی از گناه خود بازگردد، و واقعا راه و رفتار توبه را در پیش گیرد، همچون شخصی که به راه بازگشت به سوی پدر گام می نهد.

در شرایطی که بشر گناهکار بدون اقرار به گناهانش نمی تواند توبه کند، رسالت کلیسا این است که هر شخص را یاری دهد تا به "شناخت خود" دست یافته، بدی را از خود دور کند و روابط دوستی با خدا را از نو برقرار سازد.

برای به انجام رسانیم این رسالت بگونه ای بایسته، لازم است که اثرات گناه را با "چشمان دل" که به ایمان روشن گشته اند، ارزیابی کنیم. اثرات گناه دلایل جدایی و گسیختگی، نه تنها در درون هر فرد بلکه همچنین در محدوده های زندگی فرد، در ارتباط با خانواده، محیط شغلی و اجتماعی می باشند و این واقعیت که اغلب در تجربه دیده می شود، توسط شرح حال شهر بابل و برج آن در

کتاب مقدس تأیید می شود. آن مردمان که مصمم بودند بنایی بسازند که نشانه و در عین حال سرچشمه یکپارچگی آنها باشد، خود را پراکنده تر از پیش یافتند، جدا گشته در زبان، جدا گشته در میان خود و ناتوان از دستیابی به اتفاق و همفکری.

چرا این برنامه جاه طلبانه با شکست روبرو شد؟ چرا "بنیانش زحمت بیهوده کشیدند" (ر.ک. به مز ۱۲۷: ۱). آنان برای این با شکست روبرو شدند که به عنوان نشانه و ضامن اتحادی که خواهان آن بودند، اثری را که تنها زاییده دستهای ایشان بود، برپا داشتند و خدا را فراموش کرده بودند.

به راستی می توان گفت که وضعیت اندوه بار امروز بشر و در واقع در هر زمانی از تاریخ، دقیقا شبیه تجربه بابل است.

الف - راز گناه

سرپیچی از خدا

۱۴- نخستین نکته ای که ما را یاری می دهد تا به مفهوم گناه پی ببریم از یکی از متون کتاب مقدس در مورد برج بابل است: مردم می خواستند شهری بسازند و از خود اجتماعی تشکیل دهند که قوی و نیرومند بوده اگر دقیقاً ضد خدا نباشد، نسبت به او بی اعتنا باشد. از این دیدگاه شرح حال نخستین گناه در باغ عدن و شرح حال بابل با وجود اختلافات چشمگیر از لحاظ محتوا و شکل، یک واقعیت مشترک دارند و آن نادیده گرفتن خداست، چه از راه ضدیت با یکی از فرمانهایش، چه از راه کاری رقابت جویانه با وی و چه از راه ادعایی دروغین به "مثل او بودن" (ر.ک. به پید ۳: ۵ و ۲۲).

در سرگذشت بابل این نادیده گرفتن خدا بیشتر به عنوان فراموش کردن و بی تفاوت بودن نسبت به او مطرح می شود تا ضدیت با او، چنان که گویی در زمینه برنامه های مشترک انسانها خدا هیچ جا و نقشی ندارد. اما در هر دو مورد رابطه با خدا با خشونت قطع می گردد. درباره رویداد باغ عدن واقعیت اندوه باری که ذات نهایی و تاریکی مطلق گناه است، در کمال شدت و جدیت آشکار می گردد و آن سرپیچی از خدا است، از فرمان او، از قواعد اخلاقی ای که به بشر داده است و آن را بر قلب او نگاشته از راه وحی تایید و کامل نموده است. در سراسر تاریخ بشریت نادیده گرفتن خدا، قطع رابطه با او و سرپیچی از وی، تحت اشکال گوناگون گناه بوده و هست. این امر ممکن است حتی تا رد خدا و انکار وجود وی پیش برود. گناه سرپیچی آزادانه یک فرد است که حاکمیت خدا را بر زندگی خویش نمی پذیرد، دست کم در آن لحظه ای که فرمان خدا را زیر پا می گذارد.

جدایی بین انسانها

۱۵- در این متون کتاب مقدس که در بالا ذکر شد، قطع رابطه انسان با خدا به گونه ای اندوه بار به جدایی میان انسانها بدل می گردد. در کتاب مقدس در توضیح "نخستین گناه"، قطع رابطه با یهوه در آن واحد پیوند دوستی ای را که خانواده بشری را با هم یکپارچه می ساخت، پاره می سازد. به این ترتیب صفحات بعدی کتاب

پیدایش به ما نشان می دهد که زن و مرد به متهم ساختن یکدیگر می پردازند. کمی بعد می بینیم که برادر از برادر نفرت دارد و سرانجام او را می کشد.

طبق شرح حال بابل، نتیجه گناه از هم پاشیده شدن خانواده بشری است که از نخستین گناه آغاز گشته در سطح اجتماعی به شدید ترین شکل می رسد.

کسی که می خواهد درباره راز گناه بررسی نماید، به هیچ وجه نمی تواند ارتباط بین علت و معلول را نادیده بگیرد. گناه به عنوان قطع رابطه با خدا یک عمل سرپیچی از جانب آفریده ای است که آفریننده و پشتیبان زندگی خود را هرچند به گونه ای پوشیده، رد می کند. پس این کار نوعی خودکشی است. از آنجایی که بشر با دست زدن به گناه از فرمانبرداری از خدا سرپیچی می کند، تعادل درونی او نیز از میان می رود و دقیقاً در درون خود اوست که تضادها و برخوردها بروز می کنند، بشر با برداشتن این زخم تقریباً به گونه ای اجتناب ناپذیر به بافت ارتباطش با دیگران و جهان آسیب می رساند.

راز گناه از این جنبه دوگانه زخمی که گناهکار در خود و در ارتباطش با همونوع خویش پدید می آورد، تشکیل شده است. از این رو می توان از گناه "شخصی" و "گناه" اجتماعی سخن گفت: از یک نقطه نظر هر گناه "شخصی" است و از نقطه نظری دیگر هر گناه "اجتماعی" می باشد زیرا دارای عواقب اجتماعی نیز هست.

گناه شخصی و گناه اجتماعی

۱۶- گناه به مفهوم واقعی آن همیشه یک "عمل شخصی" است، زیرا عملی است که هر فرد آزادانه دست به آن می زند و از آن یک گروه یا جماعت نیست. یک فرد ممکن است توسط عوامل بیرونی فراوان و پرقدرت، تحت نفوذ و تحریک قرار گیرد. یک فرد همچنین ممکن است تحت نفوذ تمایلات، عیوب و عاداتی که با وضعیت درونی وی مربوط می باشند، قرار گیرد. در بسیاری موارد ممکن است این عوامل بیرونی و درونی کم و بیش آزادی فرد و در نتیجه مسئولیت و تقصیر او را کاهش دهد. اما طبق حقیقت ایمان که همچنین توسط تجربه و منطق ما تایید می گردد، انسان آزاد است. این حقیقت را نمی توان نادیده گرفت تا تقصیر گناه را به گردن عوامل بیرونی مانند بافتها، نظامها، و یا انسانهای دیگر انداخت. چنین کاری پیش از هرچیز انکار منزلت و آزادی فرد می باشد که هرچند بطور منفی و مصیبت بار، حتی در مسئولیت ارتکاب گناه آشکار می گردد. بنابراین هیچ چیز نیست که به اندازه سزاواری برای تقوا و مسئولیت برای گناه، خاص خود او و انتقال ناپذیر باشد.

اولین و مهمترین عواقب گناه به عنوان عملی فردی متوجه خود فرد گناهکار می باشد، یعنی در رابطه او با خدا که اساس زندگی انسانی است و همچنین در روح او بصورت تضعیف اراده و تیره ساختن ذهن او.

از طرف دیگر سخن گفتن از "گناه اجتماعی" پیش از هر چیز شناخت این واقعیت اسرار آمیز است که گناه هر فرد به گونه ای بر دیگران تاثیر دارد. این جنبه دیگر آن همبستگی است که از دیدگاه مذهبی راز ژرف و عظیم "اتحاد مقدسین" می باشد و بواسطه آن است که می توان گفت "هر انسانی که خود را برافرازد، جهان را بر می افرازد".

اما متأسفانه عکس این واقعیت نیز صدق می کند، یعنی انسانی که توسط گناه خود را پست می سازد، کلیسا و به نوعی تمام جهان را با خود به پایین سوق می دهد. به عبارت دیگر هیچ گناهی، حتی خصوصی ترین، پوشیده ترین گناهان، نیست که منحصرأ مربوط به شخصی باشد که مرتکب آن می شود. هر گناهی بر تمام بدن کلیسا و بر تمام خانواده بشری تاثیر می گذارد. بنابراین از این دیدگاه، هر گناهی را می توان بدون شک یک "گناه اجتماعی" به شمار آورد و این نخستین مفهوم این اصلاح می باشد.

اما بعضی گناهان در ذات خود حمله ای مستقیم به ممنوع خود، و به طور دقیق تر در بیان انجیل، حمله ای مستقیم علیه خواهر یا برادر می باشد. این گناهان خطایی علیه خدا هستند زیرا خطایی علیه ممنوع خود می باشند. چنین گناهانی را معمولا "گناهان اجتماعی" می نامند و این دومین مفهوم این اصطلاح است. کلمه "اجتماعی" همچنین شامل هر گناه علیه عدالت در روابط میان انسانها می باشد، چه توسط جامعه علیه فرد صورت گیرد و چه توسط فرد علیه جامعه انجام شود. همچنین کلمه "اجتماعی" در بردارنده هر گناهی است که علیه حقوق انسان صورت گیرد، از حق حیات که شامل حیات جنین می شود گرفته تا تمامیت جسمی هر فرد. هر گناهی نیز که علیه آزادی دیگران صورت گیرد، بخصوص علیه آزادی ایمان داشتن به خدا و پرستش او که اهمیتی مطلق دارد، گناهی است "اجتماعی".

هر گناهی نیز که علیه شان و حرمت ممنوع خود صورت گیرد، گناهی "اجتماعی" است. همچنین هر گناهی که علیه منافع عموم مردم و مقتضیات آن در رابطه با زمینه گسترده حقوق و وظایف انسانها صورت گیرد، گناهی است اجتماعی.

سومین مفهوم "گناه اجتماعی" به روابط بیم جوامع انسانی مختلف مربوط می شود. این روابط همیشه با نقشه خدا که می خواهد در جهان عدالت و بین تک افراد و گروههای مردم آزادی و صلح حکمفرما باشد، سازگار نیست.

کلیسا هرگاه از "موقعیتهای" گناه سخن می گوید یا برخی موقعیتهای و یا رفتار جمعی بعضی گروههای اجتماعی را به عنوان "گناهان اجتماعی" محکوم می کند، به خوبی می داند و اعلام می

دارد که این موارد "گناه اجتماعی"، نتیجه انباشته شدن و تمرکز یافتن "گناهان شخصی" بسیار است. آری، در درون هر "موقعیت گناه" همیشه می توان مردمانی گناه آلود را یافت.

گناه کبیره و گناه صغیره

۱۷- اما اکنون به بعد دیگری در راز گناه می رسیم، بعدی که اندیشه انسان هرگز از تعمق نمودن در آن باز نایستاده است و آن مسئله جدیت گناه می باشد. این پرسشی است که نمی توان نادیده گرفت و پرسشی است که وجدان مسیحی هرگز از پاسخ گفتن به آن سر باز نزده است. یک گناه چرا و تا چه حد در ارتباط با خطایی که علیه خدا انجام می شود، و اثری که بر انسان دارد، جدی می باشد؟ کلیسا در این باره تعلیمی دارد که اصول اساسی، آن را مورد تایید قرار می دهد، اما در عین حال می داند که تعیین حدودی روشن و دقیق برای آن کار ساده ای نیست. به این حال کلیسا در ارتباط با چندین متن از کتاب مقدس، قرن‌ها از گناه کبیره و صغیره سخن گفته است و متخصصین تعلیم کلیسا، الهیات دانان و مرشدان روحانی و شبانان کلیسا در پرتو این متون گناه را به گناهان کبیره و صغیره تقسیم نموده اند.

قدیس توماس آکویناس برای توضیح گناه کبیره و گناه صغیره و بیان فرق این دو و همچنین الهیات مسیحی در زمینه گناه، نمی توانست از متون کتاب مقدس در این باره و در نتیجه از مفهوم مرگ روحانی بی اطلاع بوده باشد. به عقیده قدیس توماس آکویناس انسان برای این که از نظر روحانی زنده باشد، باید با اصل مطلق حیات که خداست در ارتباط باقی بماند، زیرا خدا هدف نهایی وجود انسان و کارهای اوست. پس گناه یک بی نظمی است که انسان علیه این اصل حیات مرتکب می شود. به گفته قدیس توماس آکویناس "هنگامی که توسط گناه، روح مرتکب یک بی نظمی می شود که تا حد دور شدن از هدف نهایی خود یعنی خدا که در محبت به او وابسته است، پیش می رود، آن گناه کبیره می باشد. از طرف دیگر هرگاه دست زدن به این بی نظمی تا سر حد دور شدن از خدا پیش نرود، گناه صغیره است". به این دلیل گناه صغیره شخص گناهکار را از فیض تقدس بخش خدا، دوستی با وی، محبت و در نتیجه خوشبختی جاودان محروم نمی سازد، در حالی که چنین محرومیتی دقیقاً نتیجه گناه کبیره می باشد. به علاوه هنگامی که گناهی "به دلیل کیفری که مستحق آن است از دیدگاه قدیس توماس آکویناس و دیگر متخصصین تعلیم کلیسا، گناهی "کبیره" می باشد، چنان که بخشیده نشود، به کیفر ابدی می انجامد، در حالی که وقتی گناه "صغیره" باشد، گناهی است که تنها سزاوار کیفری گذران می باشد (یعنی کیفری محدود که می توان آن را بر روی زمین و یا در پاکیزه گاه کفاره داد).

همراه با تمام سنت کلیسا، ما عملی را گناه کبیره می نامیم که توسط آن انسان آزادانه و آگاهانه خدا را رد می کند و قانون و پیمان محبتی را که خدا بشر را به آن می خواند رد کرده، ترجیح می

دهد به سوی خود گراید و یا به سوی واقعیتی مخلوق و فانی، چیزی مغایر خواست خدا. این کار ممکن است به طرزی مستقیم صورت گیرد، یعنی در گناه بت پرستی، ارتداد و انکار وجود خدا و یا با جدیتی یکسان توسط هر سرپیچی از فرمانهای خدا در امور مهم انجام شود. انسان می بیند که این سرپیچی از خدا رشته ای که وی را به سرچشمه زندگی اش پیوند می دهد، قطع می کند، پس گناهی کبیره می باشد، یعنی عملی که شدیداً علیه خدا بوده و سرانجام با نیروی تخریبی تاریک و بس قدرتمندی به ضدیت با خود انسان می پردازد.

از دست دادن احساس گناه

۱۸- در طول نسلهای متمادی ضمیر مسیحی از تعمق بر انجیل در کلیسا، احساسی دقیق و دیدی روشن از "تخمهای مرگ" که در گناه وجود دارد و همچنین احساسی دقیق و دیدی روشن برای شناخت این "تخمهای مرگ" در پوشش قالبهای متفاوتی که گناه به خود می گیرد، بدست آورده است. این امر را معمولاً "احساس گناه" می نامند. این احساس در ضمیر اخلاقی انسان ریشه داشته و به اصطلاح وسیله سنجش آن می باشد. این احساس همچنین با احساس آگاهی از خدا مربوط می باشد، زیرا از رابطه آگاهانه انسان با خدا به عنوان آفریدگار، خداوند و پدر، سرچشمه می گیرد. بنابراین درست همان گونه که ریشه کن ساختن کامل احساس آگاهی از خدا و یا خاموشی کامل وجدان ناممکن است، احساس گناه نیز هرگز کاملاً از میان برداشته نمی شود.

با این وجود اغلب در طول تاریخ، تحت تاثیر عوامل گوناگون و به مدت زمانهای کم و بیش کوتاه یا بلند، چنین پیش می آید که وجدان اخلاقی بسیاری از انسانها، شدیداً تیره می گردد. نشانه های زیادی وجود دارند که نمایانگر آن هستند که در زمان ما نیز وجدان اخلاقی دستخوش این تیرگی و ابهام گشته است. تحت این شرایط تیرگی، تضعیف احساس گناه نیز امری اجتناب ناپذیر است، زیرا این احساس با وجدان اخلاقی، جستجوی حقیقت و تمایل به استفاده از آزادی در تطابق با حس مسئولیت کاملاً مربوط می باشد. هنگامی که وجدان تضعیف می گردد، احساس آگاهی از خدا نیز تیره می گردد و در نتیجه با از میان رفتن این نقطه ارجاع حیاتی درونی، احساس گناه نیز از بین می رود.

از این روست که سلف من پاپ پیوس دوازدهم روزی با کلمات گویایی که همچون ضرب المثل گشته است اعلام داشت که "گناه قرن ما از میان رفتن احساس گناه است".

بنابراین از میان رفتن احساس گناه یکی از اشکال و یا نتیجه "انکار خدا" می باشد. اگر گناه قطع رابطه فرزندی با خداست، تا به این وسیله فرد بدون اطاعت از وی زندگی نماید، پس گناه کردن

دیگر تنها انکار خدا نیست، بلکه زیستن به شیوه ای است که گویی خدا وجود ندارد، یعنی محو ساختن او از زندگی روزانه خود. برقراری دیگر بار احساس ضروری گناه، نخستین راه رویارویی با این بحران وخیم است که بر بشر امروز سایه انداخته است. اما احساس گناه را تنها از راه یک یادآوری روشن اصول تغییر ناپذیر منطق و ایمان می توان از نو برقرار ساخت و این امر همیشه در تعالیم اخلاقی کلیسا مورد تاکید قرار گرفته است.

ب - "راز رحمت"

۱۹- برای درک گناه ما می بایست توجه خود را به ذات گناه، آن گونه که توسط الهام راز نجات بر ما آشکار گشته، معطوف داریم: این راز "شرارت" است. اما در راز نجات گناه نه تنها پیروز نمی باشد، بلکه حتی یک اصل اساسی هم نیست. گناه بر ضد یک اصل فعال دیگر مبارزه می کند که در بیان گویای پولس رسول می توان آن را "راز رحمت" نامید.

راز رحمت خود مسیح است

۲۰- راز "رحمت"، همان راز مسیح است. بطور خلاصه راز تنگیری و نجات، راز فصیح کامل عیسی، پسر خدا و پسر مریم: راز رنج و مرگ و رستاخیز و جلال یافتن او. آنچه پولس رسول می خواست بر آن تاکید نماید این بود که این راز کلیسا را خانه خدا می سازد و ستون و بنیاد راستی. با پیروی از تعلیم پولس رسول ما می توانیم تایید نماییم که همین "راز محبت بی پایان خدا نسبت به ما" قادر است که در اعماق ریشه های گناه ما نفوذ کند تا در روح جنبشی را به سوی دگرگونی برانگیزد و به این وسیله آن را نجات داده، در راه آشتی به حرکت در آورد.

تلاش فرد مسیحی

۲۱- اما راز رحمت دارای جنبه دیگری نیز می باشد و آن این است که محبت پر مهر خدا نسبت به فرد مسیحی باید توسط تقوای فرد مسیحی در قبال خدا پاسخ داده شود. در اینجا منظور از تقوا رفتار فرد مسیحی است که محبت پدرا نه خدا را به عنوان فرزند او پاسخ می گوید. از این رو می توانیم با پولس رسول بگوییم که "عظیم است راز دین ما" (ر.ک. به ۱- تيو ۳: ۱۶). از این دیدگاه نیز تقوا به عنوان نیرویی جهت دگرگونی و آشتی، با شرارت و گناه رویارو می شود.

بسوی زیستن در آشتی

۲۲- بنابراین کلام کتاب مقدس با آشکار ساختن "راز رحمت" قلب انسان را بروی دگرگونی و آشتی می‌گشاید، نه به عنوان دو مفهوم تجریدی رفیع بلکه به عنوان ارزشهای راستین مسیحی که باید در زندگی روزانه به آنها دست یافت.

مردم امروز نیز به واسطه فریبی که با از دست دادن احساس گناه خورده اند و گاه بوسیله این تصور نادرست و غیر مسیحی وسوسه می‌گردند که عاری از گناه هستند، نیاز مبرم دارند که دوباره چنان به این اخطار یوحنا رسول گوش فرا دهند که گویی به شخص ایشان گفته شده است: "اگر بگوییم که گناه نداریم، خود را فریب می‌دهیم و راستی در ما نیست" (۱- یو ۵: ۱۹). پس حقیقت الهی هر فرد را فرا می‌خواند که وجدان خود را با واقع بینی آزمایش کند و اعتراف کند که در "معصیت سرشته شده است"، همان گونه که در مزمور ۵۱ می‌خوانیم (مز ۵۱: ۱).

مردم امروز گرچه مورد تهدید ترس و ناامیدی هستند، می‌توانند توسط وعده الهی که در امید آشتی کامل را به روی آنان می‌گشاید، دلگرم و امیدوار گردند.

راز رحمت خدا راز رحمتی است که خداوند و پدر ما در آن بی‌نهایت غنی می‌باشد (ر.ک. به افس ۲: ۴). همانگونه که در رساله خود در مورد رحمت الهی گفتیم: "محبتی است نیرومند تر از گناه و نیرومند تر از مرگ". وقتی در می‌یابیم که محبت خدا نسبت به ما در برابر گناهانمان باز نمی‌ایستد و در برابر خطاهایمان تقلیل نمی‌یابد، بلکه با سخاوت بیشتری روی به ما می‌کند، وقتی که در می‌یابیم که این محبت تا بدانجا پیش رفت که باعث رنج و مرگ مسیح گردید که پذیرفت به بهای خون خود ما را نجات دهد، آنگاه با حق شناسی فریاد برمی‌آوریم که "آری، خداوند ما در رحمت غنی است" و بلکه "خداوند رحمت است".

راز رحمت خدا راهی است که رحمت الهی آن را برای زیستن در آشتی گشوده است.

فصل سوم

رسالت شبانی کلیسا در مورد توبه و آشتی

ترویج توبه و آشتی

۲۳- رسالت خاص کلیسا در ادامه عمل نجات بخش بنیانگذار الهی خود، بیدار کردن حس نیاز به دگرگونی قلب و توبه در وجود انسانها و برخورداری ساختن آنان از عطیه آشتی می باشد. این رسالت را می توان فعالیت شبانی راز توبه و آشتی نامید. کلیسا خود را با انسان روبرو می یابد، با تمام جهان بشریت که گناه آن را "زخمی" ساخته و بر اعماق وجودش تاثیر گذاشته. اما در عین حال اشتیاقی فروکش ناپذیر جهت رهایی از گناه در انسان شعله ور است و بویژه اگر او یک مسیحی باشد، آگاه است که راز رحمت یعنی مسیح خداوند، توسط نیروی نجات در او و در جهان فعال است.

بنابراین نقش آشتی دهنده کلیسا باید در تطابق با آن پیوند نزدیکی باشد که بخشایش گناهان هر فرد را با آشتی اساسی کامل اعمال نجات مربوط می سازد. این پیوند ما را در درک این واقعیت یاری می دهد که از آنجایی که گناه عامل اصلی جدایی است و طبیعتی که خدا آفریده است، تنها بازگشت از گناه قادر است در هرجا که جدایی ریشه دوانده، آشتی ای عمیق و پایدار به وجود آورد. پس با تاکید بر دو نکته زیر از شما دعوت می کنم که به عوامل اصلی فعالیت شبانی توبه و آشتی توجه نمایید:

- وسایل و راههایی که کلیسا برای ترویج توبه و آشتی به کار می برد.
- راز اصلی توبه و آشتی.

الف - راهها و وسایل ترویج راز توبه و آشتی

۲۴- کلیسا برای ترویج راز توبه و آشتی دو وسیله اصلی در اختیار دارد که توسط خود بنیانگذار آن، به او سپرده شده، یعنی تعلیم مذهبی و رازهای کلیسا.

۲۵- (...)

۲۶- پس اولین وسیله ای که باید مورد استفاده قرار گیرد تعلیم مذهبی است، فرد پیش از هر چیز از شبانان کلیسا انتظار دارد که در مورد راز آشتی تعلیم دهند. این آموزش باید بر پایه تعلیم کتاب مقدس و بخصوص عهد جدید در مورد نیاز به برقراری مجدد عهد با خدا در مسیح نجات دهنده و آشتی دهنده، استوار باشد. و در پرتو این اتحاد و دوستی تازه با خدا و در ادامه آن، این آموزش باید بر تعلیم در زمینه نیاز به آشتی با برادران خود استوار باشد، حتی اگر این امر باعث به تعویق افتادن تقدیم قربانی گردد (ر.ک. به مت ۵: ۲۳-۲۴). عیسی شدیداً بر موضوع آشتی برادرانه تأکید می نماید، هنگامی که از ما دعوت می کند که گونه دیگر خود را به سوی کسی که ما را می زند، برگردانیم و به آن که قبای ما را گرفته ردای خود را نیز بدهیم (ر.ک. به مت ۵: ۳۸-۴۰) و یا زمانی که قانون بخشایش را اعلام می دارد: انسان تا به آن حد بخشوده می شود که دیگران را می بخشد (ر.ک. به مت ۶: ۱۲) و این که حتی دشمنان را باید بخشید (ر.ک. به مت ۵: ۴۳-۴۵) و باید هفتاد مرتبه هفت بار و یا به عبارت دیگر بدون محدودیت بخشید (مت ۲۱: ۲۲).

از شبانان کلیسا همچنین انتظار می رود که در مورد توبه آموزش دهند. در این مورد نیز منشا تعلیم باید غنای پیام کتاب مقدس در رابطه با توبه بویژه بر ارزش دگرگونی قلب تأکید کرد. کلمه "دگرگونی" که تلاشی در راه ترجمه کلمه *Metanoia* در متن یونانی انجیل است (ر.ک. به مر ۱: ۱۴؛ مت ۳: ۲ و ۴؛ لو ۳: ۸)، به طور تحت اللفظی به مفهوم آن است که روح را به اصطلاح "زیر و رو" ساخته و به این وسیله به خدا "روی آورد". همچنین دو عنصر اساسی را می توان از مثل پسری که گمشده بود و پیدا گشت، برداشت کرد: "به خود آمدن" او (ر.ک. به لو ۱۵: ۱۷) و تصمیم به بازگشت به سوی پدر. آشتی بدون این دو عنصر دگرگونی قلب ممکن نیست.

از شبانان کلیسا همچنین انتظار می رود که در مورد "وجدان و شکل بخشیدن به آن" تعلیم دهند، در موارد دیگری نیز که در ارتباط با آشتی از اهمیت کمتری برخوردار نمی باشند، فرد برای تعلیم به شبانان کلیسا می نگرد، مثلاً درباره احساس گناه که همان گونه که گفتم به طرز قابل

ملاحظه ای در دنیای ما تضعیف گشته و همچنین درباره وسوسه شدن و عوامل وسوسه. شبانان کلیسا همچنین باید درباره روزه و کمک به تهیدستان آموزش دهند. کلیسا همچنین باید در مورد آن چه در زبان سنتی کلیسا چهار امر نهایی نامیده می شوند، یعنی مرگ، داوری (عمومی و فردی)، جهنم و بهشت، پیوسته آموزش دهند. در فرهنگی که بشر را در چهارچوب زندگی زمینی که در آن کم و بیش موفق است، زندانی می کند، شبانان کلیسا وظیفه دارند آموزه ای را ارائه دهند که با حقایق یقین ایمانی، آنچه را که پس از این زندگی می آید را آشکار و تشریح نمایند، یعنی این که در پس دروازه اسرارآمیز مرگ ابدیتی از شادی در اتحاد با خدا و یا کیفر جدایی از وی وجود دارد. تنها با در نظر گرفتن جهان آخرت است که انسان می تواند به ذات واقعی گناه پی برده با عزمی استوار به سوی توبه و آشتی گام بردارد.

رازهای کلیسا

۲۷- دومین راه الهی که کلیسا برای فعالیت شبانی توبه و آشتی ارائه می دهد، از رازهای کلیسا متشکل است. هر یک از رازها فراتر از فیض خاص خود، همچنین نشانه توبه و آشتی می باشد. بنابراین در هر یک از رازهای کلیسا می توان این دو بعد روحی توبه و آشتی را از نو آزمود. بدون شک تعمید غسلی نجات بخش است که به گفته پطرس رسول تاثیر آن نه در "دور کردن کثافت جسم بلکه در طلبیدن وجدانی پاک از خداست" (ر.ک. به ۱- پطرس ۳:۲۱). تعمید یعنی مردن، مدفون شدن و رستاخیز کردن با مسیح که مرد، مدفون گشت و رستاخیز نمود (ر.ک. به روم ۶: ۳-۴؛ کول ۲: ۱۲). در واقع تعمید عمل بازگشت از گناه و برقراری مجدد روابط با خدا و آشتی با وی توسط از میان رفتن لکه گناه اولیه و در نتیجه ورود به خانواده عظیم آشتی یافتگان می باشد.

راز استواری همچنین به عنوان تایید راز تعمید و به همراه آن راز ورود به عضویت در کلیسا است، زیرا پری روح القدس را عطا کرده زندگی مسیحی را به رشد کامل می رساند و به این وسیله دگرگونی کاملتر قلب را سبب گشته و فرد را به نحوی صمیمی تر و موثرتر عضو اجتماع آشتی یافتگان یعنی کلیسای مسیح می سازد.

تعریفی که آگوستین قدیس از قربانی مقدس به عنوان "راز رحمت، نشانه اتحاد و زنجیر محبت" ارائه می دهد به روشنی نمایانگر اثرات تقدس شخصی (رحمت) و آشتی جمعی (اتحاد و محبت) می باشد که از ذات قربانی مقدس به عنوان تجدید قربانی مسیح بر صلیب ناشی می شود که سرچشمه نجات و آشتی برای همه جهانیان است. اما باید به یاد داشت که کلیسا تحت رهبری

ایمان، در این راز عظیم تعلیم می دهد که هیچ فرد مسیحی که در وجدان خود از وجود گناهی کبیره آگاه باشد، نمی تواند پیش از برخورداری از بخشایش خدا، راز قربانی مقدس را دریافت کند. پولس رسول در این باره می گوید: "هر شخص خود را امتحان کند" (۱- قرن ۱۱: ۲۸) و طبق رسم کلیسا چنین آزمونی ضروری است، زیرا هر کسی که آگاه باشد که مرتکب گناهی کبیره شده است هر اندازه هم که خود را پشیمان بداند، پیش از انجام راز اعتراف نمی تواند قربانی مقدس را بپذیرد. چنانکه شخصی خود را در شرایطی بیابد که نیاز مبرم به دریافت این راز داشته اما اعتراف نمودن برایش به هیچ وجه ممکن نباشد، باید پیش از دریافت آن یک کارکرد پشیمانی کامل به جای آورد.

هدف راز کهنات این است که کلیسا از شبانانی برخوردار گردد که نه تنها آموزش دهند و راهنما باشند، بلکه شاهدان اتحاد بوده در راه آن بکوشند و خانواده خدا را بنا نموده مدافعان و حامیان اتحاد این خانواده در برابر عوامل جدایی و پراکندگی باشند.

راز ازدواج که اوج محبت انسانی تحت عمل فیض الهی است، نشانه محبت مسیح نسبت به کلیسا می باشد. این راز همچنین نشانه پیروزی است که مسیح به زوجها برای پایداری در برابر نیروهایی که محبت را ضایع و یا نابود می کنند، عطا می کند تا خانواده ای که در نتیجه این راز پدید می آید همچنین نشانه کلیسایی آشتی داده شده باشد، برای دنیایی که باید در همه بافتها و نهادهای خود آشتی یابد.

سرانجام راز تدهین بیماران در رنج بیماری و پیری و بویژه به هنگام مرگ فرد مسیحی، نشانه بازگشتن قطعی به سوی خدا و پذیرش کامل رنج و مرگ به عنوان توبه برای گناهان می باشد. از این راه آشتی نهایی با خدا انجام می یابد.

اما در میان رازها یکی از آنها را که اغلب به دلیل این که شامل اقرار به گناهان می باشد، راز "اعتراف" نامیده شده، می توان با نامی مناسبتر "راز توبه" نامید که در واقع چنین خوانده می شود. پس این راز "راز بازگشت از گناه و آشتی می باشد".

ب - راز توبه و آشتی

۲۸- ارزش راز اعتراف از یک سو توسط تیرگی وجدان اخلاقی و مذهبی، تضعیف احساس گناه و کمبود تلاش در راه یک زندگی مسیحی راستین نادیده گرفته می شود و از سوی دیگر ارزش آن توسط این باور نادرست نادیده گرفته می شود که انسان می تواند بدون به کارگیری راز آشتی، مستقیماً از سوی خدا بخشایش دریافت دارد. بدیهی است که اگر به کارگیری این راز بصورت عاداتی خشک و بی مفهوم درآید، به ارزش این راز آسیب وارد می شود. پس بسیار شایسته است که جوانب اصلی این راز بزرگ را یادآوری نماییم.

"گناهان آنانی را که ببخشاید ..."

۲۹- در کمال زمان، پسر خدا همچون بره ای که گناه جهان را برداشته، بر خود می گیرد (ر.ک. به یو ۱: ۲۹ و اشع ۵۳: ۷ و ۱۲) به عنوان کسی که هم قدرت داوری را دارد (ر.ک. به یو ۵: ۲۷) و هم قدرت بخشایش گناهان را (ر.ک. به مت ۹: ۲-۷؛ لو ۵: ۱۸-۲۵ و ۷: ۴۷-۴۹؛ مر ۲: ۳-۱۷) و او می آید نه برای آن که جهان را محکوم سازد بلکه تا آن را نجات دهد (ر.ک. به یو ۳: ۱۷). عیسی این قدرت "بخشایش گناهان" را توسط روح القدس به رسولانش که انسانهایی معمولی و خود نیز تحت تاثیر نیروی گناه بودند، منتقل ساخت: "روح القدس را بیابید. گناهان آنانی را که آمرزیدید، برای ایشان آمرزیده می شود و آنانی را که بستید بسته می شود." (ر.ک. به یو ۲۰: ۲۲؛ مت ۱۸: ۱۸).

این امر یکی از شگفت انگیزترین نوآوری های انجیل می باشد. مسیح این قدرت را به عنوان قدرتی به رسولانش منتقل می کند، که طبق برداشت کلیسا از آغاز آن، رسولان نیز می توانند آن را به جانشینان خود انتقال دهند، جانشینانی که توسط رسولان این ماموریت و مسئولیت را دریافت می دارند که کار آنان را به عنوان اعلام کنندگان انجیل و مجریان کار نجات بخش مسیح، ادامه دهند. در اینجا عظمت نقش آن کسی که به جای آورنده راز توبه می باشد، نمایان می گردد.

درست همان گونه که کشیش به هنگام اجرای راز قربانی مقدس و یا هر راز دیگر، به عنوان "شخص مسیح" عمل می کند، در موقع اجرای راز توبه نیز چنین است که به عنوان "برادر انسانها" ظاهر می شود (ر.ک. به مت ۱۲: ۴۹-۵۰؛ مر ۳: ۳۳-۳۴؛ لو ۸: ۲۰-۲۱؛ روم ۸: ۲۹). کاهن اعظم رحیم، وفادار و پر رحمت (ر.ک. به عبر ۲: ۱۷ و ۴: ۱۵)، شبانی که مصمم است تا گوسفند گمشده را بیابد (ر.ک. به لو ۵: ۳۱-۳۲)، یکتا استادی که حقیقت را می آموزد و راههای خدا را آشکار می نماید (ر.ک. به متی ۲۲: ۱۶)، داور زندگان و مردگان (ر.ک. به اعا ۱۰: ۴۲) که طبق راستی حکم می دهد و نه طبق ظواهر (ر.ک. به یو ۸: ۱۶).

بدون شک این وظیفه کشیش، مشکل ترین و حساس ترین وظیفه او بوده نیازمند زحمت و طاقت بسیار است، اما در عین حال زیباترین و تسلی بخش ترین وظیفه او می باشد. در برابر ایمانداران که با احساسی همراه با ترس و اعتماد وجدان خود را در حضور او می گشایند کشیش به وظیفه والای خدمت در راه توبه و آشتی، فراخوانده شده است.

این وظیفه شامل جنبه های زیر است: پی بردن به ضعفها و گناهان این ایمانداران، تشخیص اشتیاق آنان برای عوض شدن و کوششهای آنان در جهت نیل به آن، تمیز دادن فعالیت روح القدس در دل آنها و برخوردار ساختن آنان از آمرزشی که تنها خدا قادر به عطا کردن آن است، "برگزار کردن" آشتی آنان با پدر، که در مثل پسر گمشده دیده می شود، پذیرش مجدد این گناهکاران نجات یافته در جمع خواهران و برادرانشان در اجتماع کلیسایی، و ابراز هشدار پدران به این توبه کاران در حالی که با حالتی قاطع، مشوق و دوستانه به آنان می گوید: "دیگر گناه نکن" (ر.ک. به یو ۸: ۱۱).

راز بخشایش

۳۰- اعتقاد و اطمینان راسخ کلیساست که عیسی مسیح خود به عنوان عطیه مهربانی و لطف خویش رازی را برای بخشایش گناهانی که فرد پس از تعمید مرتکب می شود، بر قرار ساخته، و به کلیسای خود سپرد تا همه بتوانند از آن بهره مند گردند. چگونگی انجام این راز تا آنجا که به نحوه برگزاری و قالب آن مربوط است، تحت یک تغییر و تحول طولانی قرار گرفته است.

اما در ارتباط با ذات این راز، این اعتقاد و اطمینان استوار همیشه در وجدان کلیسا پایدار مانده است که به اراده مسیح آمرزش توسط بخشایشی که بوسیله کشیش در راز توبه داده می شود، به هر فرد عطا می گردد. این باور و اطمینان راسخ با قاطعیت بسیار هم در مجمع "ترنت" و هم در مجمع واتیکان دوم مورد تایید قرار گرفته است: "آنانی که از راه توبه استفاده می کنند هم برای خطایی که علیه خدا مرتکب شده اند از رحمت وی بخشایش می یابند و هم در عین حال با کلیسا که توسط گناهان خود آن را مجروح ساخته اند آشتی داده می شوند، کلیسایی که توسط محبت، شهادت و دعا برای بازگشت آنان به سوی خدا تلاش می کند".

در مورد ارزش و هدف توبه به عنوان یک عنصر اصلی ایمان باید از نو بر این واقعیت تایید نمود که منجی ما عیسی مسیح راز توبه را در کلیسای خویش برقرار نمود و تا آنانی که پس از تعمید مرتکب گناه می شوند، فیض خدا را دریافت نموده با او آشتی داده می شوند.

برخی اعتقادات اساسی

۳۱- حقایقی که در بالا ذکر شدند را می توان در اعتقادات ایمانی زیر خلاصه نمود، اعتقاداتی که همه دیگر عقاید تعالیم کلیسای کاتولیک درباره راز توبه به آنها مربوطند.

الف - نخستین اعتقاد این است که برای یک فرد مسیحی "راز توبه"، راه معمول دریافت بخشایش و عفو گناهان کبیره می باشد که پس از تعمید مرتکب شده است. بی شک منجی ما و کار نجات بخش او آنچنان وابسته به این راز نیست که قادر نباشد در هر دوره از تاریخ نجات، بیرون از محدوده رازها و در ورای آنها، عمل نماید. اما در مکتب ایمان می آموزیم که منجی ما چنین اراده نمود که رازهای ساده و گرانبهای ایمان، راههای معمول و موثری باشند که نیروی نجات بخش او بوسیله آنها انتقال یافته و عمل نماید. بنابراین بسیار احمقانه و گستاخانه است که بخواهیم راههایی را که خداوند برای دریافت فیض و نجات در اختیار ما نهاده خودسرانه نادیده گرفته و ادعا کنیم که بدون استفاده از رازی که مسیح دقیقاً برای بخشایش برقرار ساخته، بخشوده می گردیم.

ب - دومین اعتقاد مربوط می شود به "نحوه عمل راز توبه" برای آنانی که از آن استفاده می کنند. طبق کهنترین باور سنتی کلیسا، این راز نوعی "عمل قضایی" است که در برابر یک دادگاه رحمت انجام می گیرد.

اما وجدان کلیسا با تعمق در عملکرد این راز، در ورای ویژگی داوری آن که همانگونه که ذکر شد با رحمت تام صورت می گیرد، نوعی شفا در آن تشخیص می دهد. این امر وابسته به این واقعیت است که در انجیل، مسیح اغلب به عنوان یک شفا دهنده معرفی می گردد (ر.ک. به لو ۵: ۳۱-۳۲ و ۹: ۲؛ اش ۵۳: ۴-۵) و کار نجات بخش او از زمانهای باستانی مسیحیت "داوری نجات" خوانده می شود.

راز توبه چه به عنوان یک دادگاه رحمت و چه همچون یک وسیله شفای روحی، مستلزم آگاهی از قلب گناهکار می باشد تا بتواند او را داوری کرده ببخشد و درمان نموده شفا بخشد. دقیقاً به همین دلیل است که این راز شامل اعتراف صادقانه و کامل گناهان از سوی فرد توبه کار است.

ج - سومین اعتقاد مربوط به "حقایق یا اجزایی" است که نشانه بخشایش و آشتی را در این راز تشکیل می دهند. برخی از این حقایق "اعمال شخص توبه کار" است که با این که از اهمیت گوناگونی برخوردارند، یا برای اعتبار و یا کامل بودن و یا سودمند واقع شدن این راز ضروری هستند.

نخستین شرط ضروری، صداقت و روشنی وجدان فرد توبه کار است. نشانه این روشنی وجدان در راز توبه، عملی است که به طور سنتی "آزمایش وجدان" نامیده می شود. این آزمایش هرگز نباید

به صورت یک درون نگری از دیدگاه روانشناسانه و همراه با نگرانی باشد، بلکه مقایسه ای صادقانه و خالی از دغدغه با احکام اخلاقی درونی و معیارهای انجیلی که کلیسا ارائه می دهد، با خود عیسی مسیح که معلم و سرمشق زندگی ماست و با پدر آسمانی که ما را به خوبی و کمال فرا می خواند. اما کار اساسی توبه از سوی فرد توبه کار "پشیمانی" است. رد صریح و قطعی گناه مرتکب شده همراه با عزم عدم ارتکاب مجدد آن، به خاطر محبت به خدا که توسط توبه از نو پدید می آید. از این دیدگاه "پشیمانی" آغاز و هسته دگرگونی دل می باشد که به مفهوم انجیلی آن شخص را به سوی خدا باز می گرداند، همانگونه که پسر گمشده بسوی پدرش باز می گردد و راز توبه نشانه قابل دیدن آن و مکمل پشیمانی است، بنابراین "صداقت توبه وابسته به این پشیمانی دل می باشد".

یکی دیگر از شروط لازم، اعتراف به گناهان است، زیرا پیش از هر چیز فرد گناهکار باید توسط شخصی که در این راز "نقش داور" را ایفا می کند شناخته شود. او باید هم جدیت گناهان را ارزیابی کند و هم توبه فرد توبه کار را. او همچنین "نقش شفا دهنده" را ایفا می کند و باید از شرایط فرد بیمار آگاهی پیدا کند تا او را درمان نموده، شفا دهد. اما اعتراف فردی همچنین یک "نشانه" است "نشانه دیدار فرد گناهکار با وساطت کلیسا در شخص کشیش، نشانه آشکار ساختن خود به عنوان یک گناهکار در حضور خدا و کلیسا و روبرو شدن با وضعیت گناه آلود خود در برابر دیدگاه خداوند. اعتراف همان عمل پسر گمشده است که بسوی پدر خود بازگشته توسط بوسه آشتی مورد استقبال او قرار می گیرد. اعتراف کاری حاکی از صداقت و شهادت است، کاری که بوسیله آن فرد خود را در فراسوی گناه به رحمت بخشاینده می سپارد.

دیگر مرحله ضروری راز توبه مربوط به کشیش به عنوان داور و شفا دهنده است، و او سیمای خدای پدر را نمایان می سازد که آن شخص را که به سویش برمی گردد را با آغوش باز پذیرفته، می بخشد و این همان "بخشایش" است که در راز توبه داده می شود.

کلماتی که بیانگر این بخشایش هستند و حرکاتی که آنها را همراهی می کنند، به طرزی شگفت در اوج عظمت خود ساده می باشند.

کلماتی که در این راز برای بیان بخشایش ادا می شوند و دست گذاری بر فرد توبه کار و کشیدن نشان صلیب بر وی، نمایانگر آن است که "در این لحظه"، گناهکار پشیمان و توبه کار با قدرت و رحمت خدا روبرو می شود. در این لحظه در پاسخ به فرد توبه کار سه گانه مقدس حاضر می شود تا گناه پاک گردد و برائت و دوستی با خدا از نو برقرار شود. آنگاه نیروی نجات بخش رنج، مرگ و رستاخیز مسیح نیز به عنوان رحمتی که از گناه و خطا نیرومند تر است به توبه کار عطا می گردد. همیشه در اصل خداوند است که توسط گناه مورد اهانت قرار می گیرد، و تنها خداست که می تواند ببخشد.

بنابراین بخشایش گناهان که کشیش با این که خود نیز گناهکار است به فرد توبه کار عطا می کند، نشانه موثر عمل خدای پدر در هر عطای بخشایش و نشانه "رستاخیز" از "مرگ روحانی" است که هر بار در اجرای راز توبه تجدید می شود. تنها ایمان می تواند ما را از این واقعیت مسلم مطمئن سازد که "در آن لحظه" هر گناه توسط عمل اسرار آمیز منجی بخشوده و پاک شده است. به جای آوردن "کیفر" آخرین کاری است که در راز توبه انجام می شود. بدیهی است که این امر پرداخت بهایی برای آمرزش گناهان و کسب بخشایش نمی باشد، زیرا انسان به هیچ روی قادر نیست بهایی در برابر آنچه به دست آورده است، که ثمره خون پر بهای مسیح می باشد، ادا کند. کارهایی که به عنوان کیفر به جای آورده می شوند دارای معنای پرارزشی می باشند: این اعمال نشانه تعهد فرد مسیحی به خدا جهت آغاز یک زندگی تازه است.

به جای آوردن کیفر شامل این مفهوم است که گناهکار بخشوده شده می تواند ریاضت جسمی و روحی خود را با رنجهای مسیح که نجات را برای او فراهم آورده است، همراه سازد. این کارها به ما یادآوری می کنند که حتی پس از دریافت بخشایش، در وجود فرد مسیحی نقطه ای تاریک باقی می ماند که ناشی از زخم گناه، از عدم کامل بودن محبت او و از تضعیف قوای روحانی وی می باشد. این نقطه تارک هنوز همچون نقطه ای چرکین که سرچشمه گناه است، عمل می کند و باید همیشه توسط ریاضت و توبه با آن مبارزه کرد.

د - اکنون باید بطور خلاصه به دیگر اعتقادات مهم در مورد راز توبه اشاره نمود. در مرحله اول باید تاکید کرد که هیچ چیز به اندازه این راز شخصی و خصوصی نیست، رازی که در آن فرد گناهکار با گناه، توبه و اطمینان خود، تنها در حضور خدا می ایستد. هیچکس نمی تواند به جای او توبه کند و یا به نام او درخواست بخشایش نماید. همه چیز تنها در میان فرد و خدا صورت می گیرد. اما در عین حال نمی توان سرشت اجتماعی این راز را انکار نمود که در آن همه کلیسا، یعنی کلیسایی که در حال مبارزه است، کلیسایی که رنج می کشد و کلیسایی که به جلال بهشت رسیده است، به یاری فرد توبه کار می آید و او را دوباره در آغوش خود می پذیرد، بویژه به دلیل آن که تمام کلیسا از گناه او آزاده و زخمی شده بود.

ه - دوم این که باید تاکید نمود که گرانبها ترین نتیجه بخشایشی که در راز توبه حاصل می شود، آشتی با خداست که در اعماق دل هر توبه کار که همچون پسری است که گم شده بود و یافت گردیده است، صورت می گیرد. اما باید افزود که این آشتی با خدا منجر به آشتی های دیگر می گردد که آسیبهای ناشی از گناه را جبران می کند. توبه کار بخشوده شده در عمق وجودش با خود آشتی داده می شود و در آنجاست که هویت راستین خود را باز می یابد. او با برادران خود آشتی داده می شود که به گونه ای ایشان را مورد حمله قرار داده و زخمی کرده بود، او با کلیسا آشتی داده می شود و با همه آفرینش.

در نتیجه آگاهی از این واقعیتها در پایان برگزاری این راز در فرد گناهکار حس حقشناسی عظیمی نسبت به خدا، برای عطیه رحمت الهی که دریافت داشته است، پدید می آید کلیسا از او دعوت می کند که این حس حقشناسی را در خود داشته باشد.

۳۲- همچنین بسیار مفید خواهد بود که به یاد آوریم که استفاده از این راز حتی فقط برای گناهان صغیره دارای اهمیت بسیار است و این امر حاصل آموزش سنتی و رسم متداول کلیسا می باشد.

گرچه کلیسا آگاه است و می آموزاند که گناهان صغیره از راههای دیگری مانند کارکرد پشیمانی، کارهای نیکوکارانه و دعا بخشوده می شوند، همچنین تعلیم می دهد که راز توبه برای بخشایش این گناهان نیز سودمند می باشد. کاربرد پیوسته این راز، این آگاهی را در انسان تقویت می بخشد که حتی گناهان صغیره نیز خدا را مورد اهانت قرار می دهند و به کلیسا، که بدن مسیح است، آسیب می رسانند. پس برگزاری این راز برای ایمانداران "وسیله مشوقی می گردد که خود را هرچه بیشتر با مسیح وفق دهند و مطیع صدای روح القدس باشند." بیش از هر چیز باید تاکید نمود که فیض خاص برگزاری این راز دارای نیروی شفاعت عظیمی است که به برانداختن ریشه های گناه کمک می کند.

(۳۳ و ۳۴ ...)

۳۵- در پایان این رساله، طنین دعوتی را که نخستین اسقف رم در آغاز کلیسا در ساعتی بحرانی نمود در درون خود شنیده و مایلیم که آن دعوت را به همه شما تکرار کنم: "به غریبان پراکنده ... برگزیدگان خدای پدر ... همه شما یک رای و همدرد و برادردوست و دلسوز و فروتن باشید." (ر.ک. به ۱- پطرس ۱: ۲-۱ و ۳: ۸).

پطرس رسول به "یک رای بودن" اصرار می ورزد. اما فوراً به گناهای اشاره می کند که علیه هماهنگی و صلح بوده و باید از آنها دوری جست: "بدی به عوض بدی و دشنام به عوض دشنام مدهید، بلکه برعکس برکت بخواهید زیرا که می دانید برای این خوانده شده اید تا وارث برکت شوید." او سخنانش را با واژگانی دلگرم کننده و امیدبخش به پایان می برد: "اگر برای نیکویی غیور هستید، کیست که به شما آسیبی برساند؟" (ر.ک. به ۱- پطرس ۳: ۹ و ۱۳).

من به عنوان پدر و شبان، این دعوت خود به توبه و آشتی را به خدای پدر که در رحمت غنی است و به پسر خدا که به عنوان نجات دهنده و آشتی دهنده ما انسان شد، و به روح-القدس که سرچشمه همبستگی و صلح است، می سپارم. باشد که سه گانه مقدس و شایان ستایش دانه

کوچکی را که هم اکنون در خاک دلهای بسیاری از انسانها می کارم، در کلیسا و در جهان بارور سازد.

برای این که در آینده ای هر چه نزدیکتر ثمرات فراوانی به بار آید، از همه شما دعوت می کنم که به همراه من به قلب مسیح، نشانه گویای رحمت الهی، که کفاره گناهان ما" و "صلح و آشتی ما" می باشد (ر.ک. به ۱- یو ۲: ۲؛ افس ۲: ۱۴؛ روم ۳: ۲۵ و ۵: ۱۱)، روی آورید تا از آن در درون خود توانایی یابیم که از گناه نفرت داشته بسوی خدا بازگردیم و لطف الهی را در آن بیابیم که با محبت به توبه انسان پاسخ می گوید.

من همچنین از شما دعوت می کنم که همراه با من به قلب پاک مریم، مادر عیسی روی آورید که "در او آشتی خدا با بشریت صورت می گیرد و عمل آشتی انجام می شود، زیرا بواسطه قربانی نجات بخش مسیح، او از خدا پری فیض را دریافت داشته است. به راستی که مریم به عنوان مادر خدا در کار آشتی با خدا همکاری می کند.

اکنون به نحوی ویژه این خواسته را که بشریت راه توبه را کشف نموده و بپیماید، به دست این مادر می سپارم. او که پاسخ مثبتش به دعوت خدا آغاز آن "کمال زمان" بود که در آن مسیح آشتی بشریت را با خدا به انجام رسانید.

برکت رسولی من بر همه شما باد که با روح همبستگی کلیسایی و در اطاعت و ایمان (ر.ک. به روم ۱: ۵ و ۱۶: ۲۶) راهنماییها، پیشنهادات و دستورالعملهایی که در این رساله هست را پذیرفته و می کوشید به آنها به گونه ای زنده عمل کنید.

واتیکان، دوم دسامبر ۱۹۸۴

بخش سوم

آیین بزرگ اعتراف و بخشش

“ای پدر به حضور تو گناه کرده ام”

بخش سوم

آیین بزرگ اعتراف و بخشش

در سال ۲۰۰۰ میلادی که عید یوبیل بزرگ بود در شهر تهران چندین بار آیین بزرگ اعتراف و بخشش برپا گردید و بسیاری از مسیحیان از این فرصت به خوبی استفاده کردند.

امید است که این متن امروز نیز به ایمانداران کمک کند تا بتوانند این آیین مذهبی را به جای آورند و از این فیض خداوند کمال بهره را ببرند.

آنچه در برگزاری این آیین ضروری است : در محراب، روبروی میز قربانی مقدس، یک میز با پارچه ای پهن شده بر آن که پس از ورود گروه برگزارکنندگان، دو شمع، یک صلیب، یک ظرف آب مقدس بر این میز قرار خواهیم داد. همچنین دو میکروفون در دو سوی میز و احتمالاً پخش سرودهای مذهبی به هنگام اعتراف در بخش سوم مراسم.

برای هر جایگاه اعتراف که در اطراف محراب کنار دیوارها قرار گرفته است، چهار یا شش شمایل صلیب آویخته بر دیوار، نیمکت مخصوص دعا، و صندوقی های اعتراف گیرندگان اختصاص داده شده است.

پیش از آغاز مراسم، کشیشان توجیه می شوند به این که اعتراف و همچنین توبه و بخشش امری شخصی است. بویژه سفارش می شود که نصیحت مختصر و مفید باشد. بدین ترتیب راز بخشش در جریان مراسم داده می شود.

اشخاص: اسقف، چهار یا شش کشیش شنونده اعتراف، سه قرائت خوان، یک خادم به همراه اسقف و یک مجری.

فصل اول

پذیرش

یکدیگر را پذیرا شویم.

خداوندی را که در میان ما حاضر است، پذیرا شویم.

ورود دسته برگزارکنندگان: خادمی با صلیب، دیگری با مجمر عود، و دیگری با ظرف آب مقدس. سپس خادمی دیگر، چهار یا شش کشیش با جامه سپید و نوار پهن، اسقف با لباس مخصوص.

آنگاه که هریک از ارکان مذکور به محراب می رسند، پیش از این که آنچه به همراه دارند را بر میز قرار دهند، رو به جماعت، به انتظار آوای ستایش می مانند، مجمر عود نیز پس از آن که به جماعت نشان داده می شود بر روی میز قرار می گیرد و بوسیله خادم در طول مراسم فروزان نگاه داشته می شود.

ورود صلیب:

مجری: این است صلیب عیسی مسیح، سرچشمه زندگی، منبع رحمت، و منشاء صلح و آشتی. مسیح نجات دهنده را بستاییم!

همه (ایستاده): سپاس بر تو باد خداوندا (۳ بار)

ورود آب مقدس:

این است آب تعمید ما. رازی که ما را زندگی و بخشایش از همه گناهانمان ارزانی داشته است. رازی که کارکرد توبه و آشتی را تازه می گرداند. مسیح نجات دهنده را بستاییم!

همه: سپاس بر تو باد خداوندا (۳ بار)

ورود مجمر بخور:

مجری: این آتش نمونه آن روح است که دل‌هایمان را پاک می‌سازد و گناهانمان را می‌سوزاند.

مسیح را بستاییم؛ او که آمد تا شعله محبت و بیعانه روح را در ما برافروزد.

همه: سپاس بر تو باد خداوندا (۳ بار)

ورود اسقف و کشیشان:

اینانند نمایندگان عیسی در خدمت کلیسایش. مسیح به رسولان خود گفت: «گناهانی را که پیامرزید، آمرزیده خواهند شد».

«دعا کنیم تا در خدمتی که به ایشان سپرده شده، قوت داشته باشند. مسیح را بستاییم که بواسطه آنان برای ما بخشش به ارمغان می‌آورد».

همه: سپاس بر تو باد خداوندا (۳ بار)

هرکس در جای خود قرار می‌گیرد.

مجری: راز توبه: مقصود چیست؟ چرا در میان جمع؟

یادآوری: توسط آن نوری که به کلیسا می‌آید، به گناهانمان اعتراف می‌کنیم. نوری که موجب دگرگونی، بخشش، قوت برای دوباره نلغزیدن، آشتی با خدا و با کلیسای مقدس است که از گناه ما زخم خورده، و همچنین ما را با برادرانمان آشتی می‌دهد و فیض تعمیدمان را تازه می‌گرداند.

همه: سپاس بر تو باد خداوندا (۳ بار)

اسقف (ایستاده): «باشد که خداوند عیسی شما را پذیرا شود، او که نیامد تا عادلان را دعوت کند بلکه گناهکاران را. به او اعتماد داشته باشید.

بسراییم تا ما را در محبت گرد هم آورد، و تا این که خواهش خود را به خداوند بگوییم، و با هم به دعوت او پاسخ می‌دهیم: اوست که ما را به بخشش، آشتی و صلح فرا می‌خواند.»

مزمور به زبان کلدانی

بند برگردان:

جلال بر تو باد ای بره مذبح و به پا خاسته

قربانی و پیروزی تو را به یاد می آوریم.

مزمور ۱۳۸

۱ خداوندا، به همه وجود سپاست می گویم،

زیرا سخنان دهانم را شنیده ای.

در حضور فرشتگان تو را می سرایم،

۲ به سوی معبد مقدس تو به خاک می افتم.

از برای محبت و حقیقت تو، نام تو را سپاس می گویم،

زیرا تو نام و کلامت را برتر از هر چیز بر می افزای.

۳ روزی که به فریادم رسیدی،

به قلبم نیرو دادی.

۴ همه پادشاهان زمین تو را سپاس خواهند گفت،

آنگاه که سخنان دهان تو را بشنوند.

بند برگردان

۵ آنها راههای خداوند را خواهند سرايید:

«چه عظیم است جلال خداوندا!»

۶ خداوند از مکان بلند خویش بر مسکین نظر می کند،
و از دور متکبر را می شناسد.

۷ اگر در تنگی ها راه روم، تو به من زندگانی می بخشی
و بر خشم دشمنانم دست خود را می گشایی.

دست راست تو مرا پیروز می کند،

۸ خداوند برایم هر کار می کند.

خداوندا، محبت تو جاودانه است،

ساخته دست خود را ترک مکن.

بند برگردان

پس از سراییدن سرود همه می نشینند.

فصل دوم

آیین قرائت کلام خدا

مجری: کلام خدا: «این است آن خبر خوش که خدا به ما می دهد: او ما را دوست دارد، او می خواهد که به ما بخشایش عطا کند. در پرتو این محبت بی پایان، گناهانمان آشکار می شود. به ندای او برای دگرگونی خود و بازگشت به سوییش گوش سپاریم.

زیرا خدا مرگ گناهکاران را نمی خواهد، بلکه می خواهد گناهکار زندگی خود را دگرگون ساخته حیات داشته باشد.»

قرائت خوان ۱: حزقیال نبی ۱۸: ۲۱-۲۳

^{۲۱} خداوند می گوید: «و اگر مرد شریر از همه گناهانی که ورزیده باشد بازگشت نماید و همه فرایض مرا نگاه داشته، انصاف و عدالت را به جا آورد، او البته زنده مانده نخواهد مرد. ^{۲۲} تمامی تقصیرهایی که کرده باشد به ضد او به یاد آورده نخواهند شد بلکه در عدالتی که کرده باشد زنده خواهد ماند. ^{۲۳} خداوند یهوده می فرماید: «آیا من از مردن مرد شریر خشنود می باشم؟ نی، بلکه از این که از رفتار خود بازگشت نموده زنده ماند.»

مجری: «تنها خدا قدوس است، او می خواهد ما را تقدیس نماید.»

سرود به زبان کلدانی

خدای قدوس، قدوس و قادر، قدوس و جاودان، بر ما رحمت فرما (۲ بار)

پدر و پسر و روح القدس، یکتا خدا را سپاس باد

امروز و فردا چون دیروز، تا ابدی روز کمال، آمین.

خدای قدوس، قدوس و قادر، قدوس و جاودان، بر ما رحمت فرما.

مجری: در جماعت ایمانداران، در کلیسا و توسط کلیسا، بخشش خدا را پذیرا می شویم. همچنین با کلیسا و هر یک از برادرانمان آشتی می کنیم، گناهان ما را ببخش، چنان که ما نیز آنان را که بر ما خطا کرده اند می بخشیم.»

قراءت خوان ۲: دوم قرن تیان ۵: ۱۷ تا ۶: ۲

^{۱۷} کسی که با مسیح متحد است حیاتی تازه دارد، هر آنچه کهنه بود در گذشت و اینک زندگی نو شروع شده است. ^{۱۸} اینها همه از طرف خدایی است که بوسیله مسیح ما را که پیشتر دشمنان او بودیم به دوستان خود مبدل کرده است و ما را موظف ساخت که به دشمنان دیگر او هم اعلام کنیم که آنان نیز می توانند دوستان او بشوند. ^{۱۹} به عبارت دیگر خدا به جای این که گناهان انسان را به حساب آورد، بوسیله مسیح با جهان مصالحه نمود و پیام این مصالحه را به ما سپرده است. ^{۲۰} پس ما سفیرانی از جانب مسیح هستیم و گویی خدا بوسیله ما شما را می خواند. پس ما را به عنوان سفیران مسیح از شما التماس می کنیم: با خدا مصالحه کنید. ^{۲۱} مسیح کاملاً بی گناه بود ولی خدا به خاطر ما او را بی گناه نشناخت تا ما بوسیله اتحاد با او مانند خود خدا کاملاً نیک شویم.

^۱ پس ما که در کارهای خدا سهیم هستیم از شما که فیض خدا را یافته اید درخواست می کنیم که نگذارید آن فیض در زندگی شما بی اثر بماند، ^۲ زیرا او می فرماید: «در زمان مطلوب به تو گوش دادم، و در روز نجات تو را کمک کردم» گوش بدهید! این زمان، زمان مطلوب است و امروز، روز نجات!

مجری: «پس از گناه آدم و حوا، خدا در محبتش به جستجوی ایشان شتافت.»

همه (ایستاده) می سرایند: هلولیاه (کلدانی)

اسقف: اعلام مژده عیسی مسیح طبق لوقا ۱۵: ۱۱-۲۴

^{۱۱} باز گفت: «مردی دو پسر داشت.» ^{۱۲} پسر کوچکتر پدر خود را گفت: «پدر، آن سهم از اموال را که به من می رسد، به من ده.» پس پدر دارایی را بین ایشان تقسیم نمود. ^{۱۳} پس از چند روز، پسر کوچکتر هر آنچه را که داشت جمع کرده، رهسپار سرزمینی دور دست شد و آنجا دارایی خود را به خوشگذرانی تلف نمود. ^{۱۴} چون هر آنچه را که داشت خرج نمود، قحطی سختی در آن دیار روی داد و او دچار تنگدستی شد. ^{۱۵} پس رفته به خدمت یکی از ساکنین آن سرزمین در آمد، که وی را به

مزرعه خود فرستاد تا خوکان را خوراک دهد.^{۱۶} و وی آرزو داشت تا شکم خود را با سبوسی که خوکان می خوردند سیر کند. ولی هیچ کس چیزی به او نمی داد^{۱۷} پس به خود آمده گفت: «چه بسا کارگران پدر من که نان فراوان دارند و من اینجا از گرسنگی هلاک می شوم.^{۱۸} برخاسته، نزد پدر خود می روم و به او می گویم: پدر، من علیه آسمان و نسبت به تو خطا کرده ام.^{۱۹} دیگر شایسته آن نیستم که پسر تو خوانده شوم. با من همچون یکی از کارگران رفتار کن.^{۲۰} پس برخاست و نزد پدرش بازگشت. در حالی که هنوز دور بود، پدر وی را دید و به رحم آمده سوی پسر دوید، وی را در آغوش گرفت و غرق بوسه ساخت.^{۲۱} آنگاه پسر به او گفت: «پدر، من علیه آسمان و نسبت به تو خطا کرده ام. دیگر شایسته آن نیستم که پسر تو خوانده شوم.»^{۲۲} اما پدر خادمانش را گفت: «فورا بهترین جامه را بیاورید و بر او بپوشانید، انگشتی در انگشتش و کفش به پایش کنید.^{۲۳} گوساله پرواری را بیاورید و بکشید، بخوریم و جشن بگیریم،^{۲۴} زیرا این پسر من مرده بود و زنده گردید، گم شده بود و پیدا شده است.» و به جشن گرفتن پرداختند.

سپس می نشینند.

همه: «هلولویاه»

اسقف: موعظه

فصل سوم

آیین بخشش

مجری: «خدا ما را دوست دارد و به انتظار ماست. سرشار از ایمان، گناهان خود را به یاد آورده، نزد یکی از کشیشان که قدرت بخشش آنها را از عیسی و در نام او دارند، اعتراف کنیم.»

پس از گرفتن بخشش، در راه بازگشت از محراب، یکایک برای بوسیدن صلیب، سرچشمه نجات، دعوت می شوند و سپس با آب مقدس، به یادآوری از تعمیم خود، صلیب بر سینه نقش می نمایند.

همه: ایستاده

اسقف در برابر میز قربانی مقدس:

«خدا ما را به دگرگونی فرا می خواند و به انتظار بازگشت ماست.

باشد که ما را عطا فرماید که در نور وی قادر به درک عمق گناهانمان باشیم.

باشد که در رحمت بی کرانش، با فروتنی بتوانیم به گناهان خود اعتراف کنیم.

باشد که در قدرت بی زوالش، توان آن را بیابیم که دگرگون شده در حضورش زنده گردیم.

باشد که در بخشش بی پایانش، ژرفای محبت او بر ما آشکار شود،

در نام پدر و پسر و روح القدس.

برادران بسیار عزیز، با ایمان نزد مسیح نجات دهنده و خادمانش در کلیسا آیید.»

همه: آمین.

اسقف، در حالی که کشیشان در برابرش زانو زده اند : «پدر قدوس، خدمتگزارانت را تقدیس فرما و توسط روح، آنان را به قدرت و بخشایش خود آراسته گردان؛ در نام مسیح منجی ما.»

همه: آمین.

سپس همه می نشینند.

کشیشان برای پذیرا شدن معترفین، کنار دیوار، گرداگرد محراب می نشینند. اسقف نیز، در حالی که صلیبش را به دست دارد، در میان محراب می نشیند.

هریک از معترفین آزادانه کشیشی را که قصد دارد نزد او اعتراف کند، انتخاب می کند و به محض خالی شدن جایگاه به سویش پیش می رود.

احتمالا کشیشان به ایماندارانی که کاتولیک نیستند، یا تعمیدخواستگان، تنها برکت می دهند.

(دعا، در جریان مراسم اعتراف و قطع آن پس از پایان مراسم)

در حین اعترافهای شخصی، همه کلیسا برای یکدیگر دعا می کنند:

مجری: «ما به گناهان خود شخصا و در نهان اعتراف می کنیم. اما این کار را در برابر همگان انجام می دهیم. بدین ترتیب ما در پیشگاه کلیسا و در برابر دیدگان همه اعتراف می کنیم که گناهکاریم، پس به سوی نور می آییم.

«هر یک برای دیگری دعا کنیم: که خدا ما را به توبه کشاند، و بخشایش عطا فرماید.

با مزامیر مخصوص دعا خواهیم کرد، همچنان که قوم برگزیده برای طلب بخشش آنها را می سراییدند.»

قرائت خوان ۱: اشعیا ۱: ۱۸

خداوند می گوید بیایید تا با همدیگر محابه نماییم. اگر گناهان شما مثل ارغوان باشد، مانند برف سفید خواهد شد و اگر مثل قرمز سرخ باشد، مانند پشم خواهد شد.

سپس سکوت

بند برگردان: خداوندا، درب رحمتت را بر ما بگشا.

سرود آشوری

۱- اینک خدا به ما می شنواند

با محبتی بیکران ما را به توبه فرا می خواند

بند برگردان :

بیایید ای مسیحیان

روز خداوند نزدیک است

تا فیض او به ما عطا گردد

دلهایمان را بر وی بگشاییم

۲- گوسفندان گمشده

نزد شبان نیکو باز گردید

که با محبتش شما را می خواند

تا مسرورتان سازد

۳- با آرامش خاطر

غافل از رنج مجازات، جهنم یا خشم خداوند

مرتکب گناه می شدید

بند برگردان : خداوندا، درب رحمتت را بر ما بگشا.

قرائت خوان ۱: افسسیان ۴: ۳۲

نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوز باشید و چنان که خدا در شخص مسیح شما را بخشیده است، شما نیز یکدیگر را ببخشید.

سپس سکوت

بند برگردان :

خدای ما رحیم و مهربان است
نسبت به گناهکاران بردبار و سرشار از محبت

قرائت خوان ۲ و ۳: مزمور ۶

۲ خداوندا، بدون غضب مرا تادیب نما
و با خشم، سرزنشم مکن.
۳ ای خداوند بر من رحم کن
زیرا که دیگر پژمرده ام!
خداوندا، شفایم ده، چون تمامی استخوانهایم لرزانند.

۴ و تمامی وجودم به غایت پریشان.
ای خداوند، تا به کی؟
۵ خدایا، به سویم بازگرد و رهایم ساز،
به خاطر محبت خود، مرا نجات ده.

بند برگردان

۶ هیچکس در هاویه نام تو را ندا نمی کند.
کیست که در دنیای مردگان تو را سپاس گوید؟

۷ از ناله های خود خسته و درمانده ام،

هر شب در بستر می گریم

و بالینم از اشکها تر شده است.

۸ از شدت غم و اندوه، چشمانم فرسوده شده،

و در میان این همه دشمنی، نگاه من تیره گشته است.

۹ ای بدکاران، از من دور شوید

زیرا خداوند آواز تضرع مرا می شنود.

بند برگردان

۱۰ خداوند به فریاد من گوش می دهد

و دعای مرا اجابت می کند.

۱۱ باشد که تمام دشمنانم، خجل و لرزان،

به یکباره روگردانده و شرمند برونند !

بند برگردان

قرائت خوان: ۱ یوحنا ۲۰: ۲۲-۲۳

^{۲۲} در شب رستاخیز، عیسی بر شاگردانش دمید و گفت: «روح القدس را دریافت دارید، ^{۲۳} آنانی که گناهانشان را می بخشایید، بخشوده می شوند و آنانی که گناهانشان را باز می دارید، بازداشته می شود.»

بند برگردان:

خداوندا گنهکاریم (۲ بار)

به لطف تو نظر داریم

و می خواهیم ببخشایی

در دو طرف محراب به همراه قرائت خوانهای ۲ و ۳: مزمور ۵۱

۳ در محبت خود ای خدای من، بر من رحم کن،

با رحمت بی پایان، گناه مرا پاک ساز؛

۴ خطاهایم را بشوی،

و از گناه، ای خداوند، طاهرم کن.

۵ زیرا، من گناه خود را می شناسم

و خطایم همواره در برابر من است.

۶ به تو و تنها به تو گناه ورزیدم،

آنچه در نظر تو بد بود همان را انجام دادم

تا بتوانی به سخن آمده عدالت خویش را نشان دهی

و داوری نموده، پیروزی خود را آشکار سازی.

بند برگردان

۷ من پلید به دنیا آمده ام،

از زهدان مادر گناهکار بودم.

۸ اما تو، در ژرفای وجودم خواستار حقیقتی

و در نهان، حکمت را به من می آموزی.

۹ مرا با زوفا پاک کن تا پاک شوم،

مرا بشوی تا از برف سفید تر گردم.

۱۰ بگذار آواز جشن را بشنوم

تا استخوانهایی که تو می کوبیدی، پایکوبی کنند.

بند برگردان

۱۱ از خطاهایم روی خود را برگردان،

شرارت را در دلم محو کن.

۱۲ ای خدای من، در من دلی پاک بیافرین،

در درونم روحی تازه استوار ساز،

۱۳ مرا از حضور خود دور مکن،

روح قدوست را از من باز مگیر،

۱۴ شادی نجاتم را به من بازگردان

و بگذار روح بخشنده تو، حامی من باشد.

بند برگردان

۱۵ راه تو را به گناهکاران خواهم آموخت

و گم گشتگان را سوی تو باز خواهم گرداند.

۱۶ از قصاص خون ریخته مرا آزاد کن، ای خدا، خدای نجات من؛

و زیانم عدالت تو را اعلام خواهد کرد.

۱۷ ای خداوند لبهایم را بگشا،

تا دهانم سپاس تو را بسراید.

۱۸ اگر قربانی تقدیم کنم، تو نمی پذیری،

قربانی سوختنی را نیز رد می کنی.

بند برگردان

۱۹ قربانی مقبول خدا،

روح افسرده و دل شکسته و خُرد شده است.

خداوندا، تو آن را می پذیری.

۲۰ به صهیون خوشبختی ده،

دیوارهای اورشلیم را بار دیگر برافراز.

۲۱ آنگاه قربانی های راستین،

تقدیمی ها و قربانی های سوختنی را خواهی پذیرفت،

آنگاه، گاوهای وحشی را بر قربانگاه تو تقدیم خواهند نمود.

بند برگردان

قرائت خوان ۱: یوحنا ۸: ۱۱

عیسی به زن گناهکار فرمود: «من تو را محکوم نمی کنم، برو و از حالا دیگر گناه مکن».

سپس سکوت

بند برگردان:

زبانم به کامم بچسبد

اگر تو را از یاد ببرم.

سرود به زبان آشوری با بند برگردان در میان

- ۱- خداوندا گناهان ما را بیامرز
ما توبه کرده به کنارت بازگشته ایم
- ۲- بر ضعف ما بنگر
و بر گناهان ما ترحم فرما
باشد که رحمت تو ای عیسی به ما یاری دهد

بند برگردان

- ۳- ما در زندان گناه افتادیم
شکستند پیمانهای پلیدمان: ای عیسی مسیح
بر پیمانهای جدید ما آرامش عطا کن
- ۴- تو هستی خداوند ما ای پدر پر رحمت
که جز تو کس نداریم: به یاری ما بشتاب

مجری: «با دست کشیشان هر یک از ما در کلیسا تعمید یافته ایم. امروز توسط کلام آنها، مسیح ما را در کلیسایش پذیرا می شود، توسط آن روح القدس که سرچشمه بخشش و آشتی است. دعا کنیم برای همه تعمید یافتگانی که یارای پیش آمدن بسوی مسیح را ندارند، و آنانی که امید خود را از دست داده اند. همچنین برای تعمید خواستگان دعا کنیم».

قرائت خوان ۱: یعقوب ۵: ۱۶

«نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید، زیرا دعای مرد عادل در عمل قوت بسیار دارد».

سپس سکوت

بند برگردان :

مسیحا، هنگام ظهور پر جلال خود
ما را به یاد آور.

قرائت خوان ۲ و ۳: مزموز ۳۲

۱ خوشا به حال کسی که خطایش بخشیده شد

و از گناهانش تبرئه گردید

۲ خوشا به حال آن که خداوند جرمی به حسابش نیاورد

و روحش عاری از مکر و فریب باشد.

۳ از ناله هایم در سراسر روز،

جانم ضعیف می گشت و خاموش می شدم.

۴ دست تو، شب و روز بر من سنگینی می کرد.

جانم همچون بوته خشکی در فصل گرما

کاهیده شده بود.

بند برگردان

۵ گناهانم را نزد تو اعتراف کردم

و خطای خود را پنهان ننمودم؛
گفتم : «گناهم را نزد خداوند اقرار خواهم کرد».
و تو، مرا از آلودگی گناهم پاک نمودی.
۶ همچنین هر آن کس که در وقت اجابت،
نزد تو دعا خواهد کرد.
اگر آبها نیز، همچون سیلی روان شوند،
نمی توانند او را در برگیرند.

۷ تو برای من پناهگاه هستی
و مرا از تنگی حفظ می کنی.
تو با نغمه های رهایی،
مرا در بر گرفته ای.
۸ می خواهم تو را تعلیم دهم
و راهی را که باید در آن سلوک کنی،
به تو بنمایانم.
پندت دهم و از تو مراقبت کنم.

بند برگردان

۹ همچون اسب یا قاطر مباش،
آنها حکمت دهنه و افسار را نمی دانند
و چون برای رام کردنشان پیش روی باز می دارند.
۱۰ شیر دردهای بیشمار خواهد داشت،
اما محبت خداوند،
کسانی را که بر او توکل کنند، در بر خواهد گرفت.
۱۱ در خداوند شادمان باشید !
ای عادلان، به وجد آیید !
ای راستدلان، شادی بسیار نمایید !

بند برگردان

قرائت خوان ۱: نامه اول یوحنا ۱: ۸ تا ۲:۲

^۸ اگر بگوییم که بی گناه هستیم خود را فریب می دهیم و از حقیقت دوریم.^۹ اما اگر ما به گناهان خود اعتراف کنیم، می توانیم به او اعتماد کنیم، زیرا او به حق عمل می کند، او گناهان ما را می آمرزد و ما را از همه خطاهایمان پاک می سازد.^{۱۰} اگر بگوییم که هرگز مرتکب گناه نشده ایم خدا را دروغگو شمرده ایم و از کلام او کاملاً بی خبریم.

^۱ ای فرزندان من، این را به شما می نویسم تا گناه نکنید، اما اگر کسی مرتکب گناهی شود در پیشگاه خدای پدر کسی را داریم که برای ما شفاعت می کند- همان عیسی مسیح که کاملاً نیکوست-^۲ زیرا خود مسیح کفار گناهان ماست، نه تنها گناهان ما بلکه گناهان همه مردم دنیا.

سپس سکوت

بند برگردان:

چنین شود آشکار بر ما محبت‌های ربانی
به هنگام گناه ما
مسیح گردید قربانی.

به همراه قرائت خوان ۲ در سمت راست محراب و قرائت خوان ۳ سمت چپ :

مزمور ۳۸

۲ خداوندا، در خشم مرا توبیخ مکن
و در حال غضب مرا تادیب مفرما.
۳ تیرهای تو در من فرو رفته اند
و دست تو بر من فرود آمده است.

۴ از خشم تو جان سالم به در نخواهم برد.
از وقتی خطا کرده ام، استخوانهایم سالم نمانده اند.
۵ گناهانم مرا در خود فرو برده اند،

بار سنگینشان از پایم افکنده،

بند برگردان

۶ زخمهایم پوسیده و متعفن شده اند؛
این است سزای حماقت من.
۷ ناتوان و رنجور و خمیده شده ام
و تمامی روز، در تاریکی خود را می کشانم.

۸ تب و درد به مغز استخوانم رسیده
و در جسم من عضو سالمی نمانده است.
۹ خسته، کوفته و شکسته شده ام
و قلب من به فغان آمده است.

بند برگردان

۱۰ ای خداوند، همه فریادم به درگاه توست،
هیچ یک از ناله هایم از تو پوشیده نیست.
۱۱ قلبم می تپد،
قوتم و حتی نور چشمانم از دست می رود.

۱۲ دوستان و همراهانم از اندوه من خود را کنار می کشند
و نزدیکانم مرا از سرشان باز می کنند.
۱۳ آنها که قصد جانم را دارند، در پی من هستند
و مردمانی که بدبختی مرا می جویند.
ایشان سخنان فتنه انگیز می گویند
و تمام روز، در دلشان حيله می اندیشند.

بند برگردان

۱۴ اما من به مانند کران هیچ نمی شنوم
و مثل گنگان، دهانم را باز نمی کنم.

۱۵ به کسی می مانم که هیچ نمی شنود
و جوابی در دهان ندارد.

۱۶ امید من به توست، ای خداوند،
جوابگو تویی ای خداوند، ای خدای من.
۱۷ گفتم: «مبادا پیروز شوند
اینانی که بر من پوزخند می زنند آنگاه که ضعیف هستم!»

بند برگردان

۱۸ نزدیک است که بیفتم!
اندوهم همواره مقابل دیدگانم است.
۱۹ همواره گناهانم را اعتراف می کنم
و از خطای خود وحشت دارم.

۲۰ دشمنان من قوی و زورمندند
و آنها که بر من دشمنی می ورزند بسیار.
۲۱ به عوض خوبی، به من بدی روا می دارند
و وقتی در پی نیکویی هستم، مرا متهم می نمایند.

بند برگردان

۲۲ خداوند، هیچگاه مرا ترک مکن،
خدای من، از من دور مشو؛
۲۳ به کمک من بشتاب،
رهاننده من تویی، ای خداوند.

بند برگردان

قرائت خوان ۱: حزقیال ۳۳: ۱۱

به ایشان بگو: خداوند یهوه می فرماید: به حیات خودم قسم که من از مردن مرد شریر خوش نیستم بلکه (خوش هستم) که شریر از راه خود بازگشت نموده، زنده ماند. ای خاندان اسراییل بازگشت نمایید! از راههای بد خویش بازگشت نمایید زیرا چرا بمیرید؟

سکوت

سرود به زبان آشوری

۱- ای مسیح، ای سرور ما

محبوب دلها

ملجای ما

نجات جانها

۲- ای عیسی مهربان

ای پادشاه آسمانی

بر ما بیچارگان رحمت آور

در سختیها ما را یاری فر ما

۳- در صبح و شب

نام زنده و جاوید تو

ای پادشاه آسمانی

پیوسته سراییده می شود.

۴- ای عیسی نیک

ای سرور سلامتی

تلاطم روح ما را آرامش عطا فرما

۵- شاد باش ای جان من

۶- آفریدگار خود را بسرای

۷- تا گناهانت امرزیده

۸- و جانت شیرین شود.

مجری: «باشد که هر مُعترف، با عزمی استوار این دگرگونی را نگاه دارد و باشد که خدا به هریک، قدرت وفاداری به این تصمیم را عطا فرماید. برای یکدیگر دعا کنیم».

قرائت خوان ۱: یوحنا ۳: ۲۰-۲۱

^{۲۰} زیرا هر آن که مرتکب بدی می شود، از نور متنفر است و نزد نور نمی آید مبادا کارهایش نمایان گردند. ^{۲۱} ولی آن که راستی را به جای می آورد نزد نور می آید تا آشکار گردد که کارهایش در خدا انجام گرفته اند.

سپس در سکوت

بند برگردان:

یک صدا: نوری در ظلمت شب آید

همه: بیا، خداوند ما، بیا.

قرائت خوان ۲ و ۳: مزمور ۱۰۲

۲ خداوندا، دعای مرا بشنو،

فریادم به نزد تو برسد!

۳ در روز تنگی ام

بر من نظر انداز؛

آنگاه که تو را می خوانم،

بشتاب و پاسخم ده.

۴ روزهایم چون دود می روند،

استخوانهایم همچون هیزم در آتشند؛

۵ دل من به سان علف هرز کاهیده می شود

و نان خوردن خود را از یاد می برم.

۶ آنقدر شیون کرده ام

که پوست به استخوانهایم چسبیده است.

۷ به مرغ سقای بیابان می مانم،

حکایتِ جغد ویرانه ها شده ام.

۸ شب را به بیداری می گذرانم،

این منم، مثال پرنده ای گوشه گیر بر روی بام.

۹ هر روز دشمنانم مرا سرزنش می کنند،

بر من غضبناک شده، مرا نفرین می کنند.

بند برگردان

۱۰ نانی که می خورم خاکستر است

و آبی که می نوشم به اشک آلوده.

۱۱ چون تو در بیزاری و خشم خود،

مرا بر افراشته به زیر افکنده ای.

۱۲ روزهایم مثل سایه رو به زوال،

و من همچو علف خشک می شوم.

۱۳ اما تو ای خداوند که بر تخت نشسته ای تا به ابد،

نسل بعد از نسل تو را یاد خواهند کرد.

۱۴ برخیز و بر صهیون رحم کن،

وقت آن است که او را بیامرزی.

۱۵ خدمتگزاران تو سنگهایش را عزیز می دارند

و بر ویرانه هایش دل می سوزانند.

۱۶ ملت‌ها از نام خداوند خواهند ترسید

و تمامی زمین از جلال او.

۱۷ آنگاه که خداوند صهیون را بار دیگر بنا کند،

آنگاه که او در جلالش پدیدار شود،

بند برگردان

۱۸ خداوند به داد مظلومان خواهد رسید

و دعای آنان را خوار نخواهد شمرد.

۱۹ باشد که اینها برای نسل آینده نوشته شود

و قوم باز آفریده شده، خدای خود را بسراید.

۲۰ «خداوند از بلندیهای قدس الاقداس خود خم شده،

از آسمان بر زمین می نگرد؛

۲۱ تا ناله اسیران را بشنود

و محکومین به مرگ را رهایی بخشد».

۲۲ نام خداوند را در صهیون بر می افرازند

و سپاسش را در سراسر اورشلیم.

آنگاه اقوام امت‌ها به هم خواهند پیوست تا خداوند را بپرستند.

۲۴ قدرتم را در نیمه راه گرفت

و از شمار روزهایم کاست.

۲۵ به او گفتم: «ای خدای من،

در نیمه عمر مرا بر مدار».

بند برگردان

سالهای تو، برابر تمامی قرنهایست.

۲۶ از قدیم اساس زمین را گذاردی،

آسمان ساخته دستهای توست.

۲۷ آنها نابود می شوند، اما تو می مانی؛

آنها همچون جامه ای پوسیده می شوند

و تو چون تن پوشی آنها را عوض می کنی.

۲۸ اما تو همان هستی که بودی،

سالهای تو بی پایان است.

۲۹ فرزندان بندگانت خواهند ماند

و نسل آنان در برابرت پایدار.

بند برگردان

قرائت خوان ۱: لوقا ۲۳: ۲۴

عیسی گفت: «ای پدر ایشان را ببخشای، زیرا نمی دانند چه می کنند»

بند برگردان :

خدایا اگر گناهانمان را به نظر آوری

کیست که بتواند به حیاتش ادامه دهد ؟

خدایا رحمت و بخشش بی کران نزد توست.

به همراه قرائت خوان ۲ در سمت راست و قرائت خوان ۳ سمت چپ:

مزمور ۱۳۰

۱ از اعماق وجودم، ای خداوند

نزد تو فریاد بر می آورم،

۲ ای خداوند، التماس مرا بشنو

و به زاری من گوش فرا ده !

۳ خداوند، اگر گناهانمان را در نظر آوری،

کیست که بر جا ماند؟

۴ لیکن بخشش نزد توست

تا انسان از تو بترسد.

بند برگردان

۵ با تمامی وجود به خداوند امید دارم

و در انتظار سخن اویم.

۶ جان من در انتظار خداوند است، بیش از منتظران صبحگاه.

همچون شبگرد، چشم به راه سپیده دم،

ای اسرائیل منتظر خداوند باش،

۸ زیرا رحمت نزد خداوند است

و فدیة نزد او فراوان.

۹ او قوم برگزیده را، از همه گناهانشان فدیة خواهد داد.

بند برگردان

قرائت خوان ۱: ۱- یوحنا ۵: ۷

^۵ این است پیامی که ما از او شنیده ایم و به شما اعلام می کنیم: خدا نور است و هیچ ظلمت در او نیست. ^۶ پس اگر بگوییم با او متحد هستیم و در عین حال در ظلمت زندگی می کنیم معلوم می شود که گفتار ما دروغ و کردار ما نادرست است. ^۷ اما، اگر در نور به سر می بریم - همانطور که خدا در نور است - در آن صورت با یکدیگر اتحاد داریم و خون عیسی، پسر او، ما را از همه گناهانمان پاک می سازد.

بند برگردان : رحمت فرما خداوندا، رحمت فرما

که ما آدمیان در گناه هلاک نشویم.

قرائت خوان ۲ و ۳: مزمور ۳۱

۲ ای خداوند به تو پناه می برم،

مگذار تا به ابد شرمنده شوم.

در عدالت خویش مرا نجات ده؛

۳ به من گوش گیر، شتاب کن !

برایم صخره ای باش قدرتمند،

خانه ای استوار، که مرا رهایی بخشد.

۴ صخره و قلعه من تو هستی،

برای جلال نام خود، مرا هدایت و رهبری می نمایی.

۵ از دامی که برایم گسترده اند، مرا می رهایی.

آری، قوت من تو هستی.

۶ روح خود را به دست تو می سپارم.

ای خداوند، تو مرا فدیة داده ای،

ای خدای حقیقی.

۷ از شیفتگان خدایان دروغین نفرت دارم،

اعتماد من بر خداوند است.

۸ محبت تو، مرا شادمانه به وجد می آورد!

تو حقارت مرا دیده و دردهای روحم را شناخته ای.

۹ مرا اسیر دست دشمن نساخته ای

و پیش رویم، راهی فراخ گشوده ای.

بند برگردان

۱۰ ای خداوند، بر من رحمت فرما

زیرا در تنگی هستم.

چشم من از غصه بی نور شده،

و سینه و درونم کاهیده،

۱۱ زندگانیم به اشک و روزگارم به ناله تباه شده،

گناه، نیرویم را از من گرفته

و استخوانهایم فرسوده شده اند.

۱۲ مرا تمسخر می کنند دشمنان و همسایگانم

و باعث خوف نزدیکانم شده ام.

چون مرا بر سر راهی ببینند، از من می گریزند.

۱۳ مثل مرده ای از یاد رفته ام،

مطرود و متروک شده ام.

۱۴ تهمت مردم را می شنوم،

به هر سو هراس و وحشت است.

بر ضد من جمع شده اند

و برای نابود کردنم توطئه می کنند.

۱۵ و اما، اعتماد من بر توست، ای خداوند،

می گویم: «تو خدای من هستی،

۱۶ جان من در دست توست،

مرا از دست دشمنان کینه جو برهان».

۱۷ نور رخسارت را بر بنده خود تابان ساز؛
مرا با محبت خود نجات ده.

بند برگردان

۱۸ ای خداوند، مگذار شرمنده شوم
حال که تو را می خوانم.

۱۹ (باشد که شیران شرمنده شوند
و در سکوت دوزخ فرو روند!
لبهای دروغگویان بسته شود،
زیرا بر عادلان،

با غرور و گستاخی و تحقیر سخن می رانند.

۲۰ ای خداوند، نیکویی تو چه عظیم است!
آن را برای ترسندگان خود نگاه داشته ای

و همه آنهایی را که به تو پناه می آورند، در پیش روی جهان، از نیکی لبریز می نمایی.

۲۱ ایشان را در پنهانه های رویت می پوشانی
و از فتنه های مردم دور می داری.

تو آنان را زیر سقفی مطمئن،

دور از نیش زبانها جای می دهی.

۲۲ متبارک باد خداوند!

محبت او برای من کارهای شگرف انجام داد،
در شهری که محاصره شده بود.

۲۳ اما من در پریشانی خود می گفتم:

«از نظر تو دور مانده ام

با این همه، آنگاه که نزد تو فریاد بر می آوردم، دعای مرا می شنیدی.

۲۴ ای مومنان خداوند، او را دوست بدارید:

خداوند، ایشان را نگاه می دارد،

اما متکبران را سخت مجازات می کند.

۲۵ قوی و دلیر باشید!

ای کسانی که بر خداوند امید دارید.

بند برگردان

(احتمالا پخش سرودهای مذهبی و سپس تکرار مزامیر توبه)

* * * *

پس از مراسم اعتراف : استغاثه برای شفای درون

همه: ایستاده

مجری: همه: «گناه منشاء رنجها، جدایی ها، و جراحتهای درون است ... توسط خادمانش، مسیح، خود گناهانمان را آمرزیده است».

همه: هلولویه

مجری: « به عنوان ثمره این بخشش، اکنون از رهاننده خود بطلبیم، نتایج گناه در قلبمان، در کلیسا، و دنیا را شفا دهد. باشد که از قلب نیزه خورده اش، روح او که سرچشمه آفرینش نوین است، فرستاده شود».

بند برگردان :

خداوندا، روح القدس خود را بفرست

تا چهره نوینی به زمین بخشد.

قرائت خوان ۱: خداوندا، تو دلهای ما را می بینی که از فقدان محبت، سوءتفاهم، توهیم و ناسزا و پرخاشگری زخم خورده است. تو رانده شدگان افسرده و بیماران رها شده را می بینی. زخمهایمان را درمان کن و برای این که قادر به بخشیدن دیگران باشیم روح خود را بفرست:

بند برگردان

قرائت خوان ۲: خداوندا، تو جدایی ها را در کلیسای مقدست می بینی، تو از جاه طلبی های ما و از هم چشمی ها در میان گروههای مختلف کلیسا آگاه هستی، تو کینه ها و جراحتهایی را که از گذشته پرمال خود به میراث برده ایم می دانی. کلیساهایمان را شفا ده و برای این که قادر به بخشیدن دیگران باشیم روح خود را بفرست:

بند برگردان

قرائت خوان ۳: خداوند، تو نتایج گناه را در دنیای ما می بینی: خانواده های از هم پاشیده را، یتیمان بی کس را، مسکینان گرسنه را، سرزمینهای درگیر جنگ، اسیران بی امید، تعرض مذاهب، و زورگوییانی که بار بر دیگران می نهند را می بینی. ما را از شریر رهایی ده و این دردها را تسکین بخش و تا این که این جهان با تو آشتی کند، روح خود را بفرست:

بند برگردان

مجری: «اسقف برای شفای باطن ما، برای آشتی کلیساهایمان، و برای آرامش جهان، شفاعت می کند. همه، این راز نجات دهنده را بطلبیم و برخاسته برای یکدیگر دعا کنیم».

بند برگردان : ای بره خدا، که برای ما قربانی شدی

قیام کردی و نزد پدر برای ما شفاعت می کنی

باشد که در زخمهای تو شفا یابیم

در زخمهای تو شفا یابیم

دعای اسقف در حالی که کشیشان گرداگرد او هستند و همه دستهای خود را بر جماعت قرار می دهند.

بخش اول: اسقف به تنهایی می گوید:

«ای خداوند عیسی مسیح،

آنگاه که تو در میان مردم جلیل بودی،

دعای مسکینان را می شنیدی،

بیماران را شفا می بخشیدی،

بر زخمها مرهم می نهادی،

آزردگان را تسلی می دادی،

به هنگام طوفان، ترس شاگردانت را فرو می نشاندی،

اسیران را رهایی می بخشی،
تو دیوها را بیرون می راندی و محبوسان را به آزادی ندا می کردی».

بند برگردان

بخش دوم : اسقف به تنهایی دعا می کند:
«اکنون به کلیسایت که گرد هم آمده است، بنگر،
تویی که در میان ما زندگی می کنی،
تویی که امروز رحمت و بخشایش را به گناهکاران پشیمان عطا می فرمایی؛
با ایمان از تو می طلبیم:
با استغاثه مریم مادر ما،
و با شفاعت شهیدان کلیسایمان که با شهادت ایمانشان، خون خود را دادند،
و توسط این شهادت، ایمان خود را به ما منتقل ساختند،
و به وساطت همه مقدسین،
از تو تمنا داریم :

اسقف و کشیشان به همراه هم ادامه می دهند:
توسط قدرت صلیب و رستاخیزت،
در زخمهایت، زخمهایمان را شفا ده،
در قلب نیزه خورده ات، قلبهای آزرده ما را آرامش عطا فرما،
در رحمت، خاطرات سیاه ما را روشنی بخش، زخمهای کلیسای خود را مرهم بگذار،
و یادگار تلخ آن گذشته پرهیاهو را تسکین بخش».

بند برگردان:

ای بره خدا، که برای ما قربانی شدی

قیام کردی و نزد پدر برای ما شفاعت می کنی
باشد که در زخمهای تو شفا یابیم
در زخمهای تو شفا یابیم

اسقف در پایان، به همراه همه کشیشان دعا می کند:

«ما را بینایی عطا کن تا با خودمان آشتی نماییم،
و همچنین با برادرانمان و با تو ای پدر پر از رحمت،
و ما پیوسته نام پر جلالت را بر می افرازیم،
با نیایش فرزندان آمرزیده و شفا یافته،
که نیایش برادران آشتی داده شده است»:

همه: (به زبان کلدانی) می سرایند: «ای پدر ما که در آسمانی ...»

فصل چهارم : آیین شکرگزاری

اسقف : در میان محراب، در حالی که صلیب را به همه نشان می دهد، می گوید: «صلیب پر جلال مسیح رستاخیز کرده را که بر مرگ و گناه پیروز شده است، ستایش کنیم».

بند برگردان :

صلیب تو را خداوندا به یاد داریم

و رستاخیز مقدس تو را می سراییم (سه بار)

سرود شکرگزاری

اسقف روبروی قربانگاه: «روح خود را برافرازید!»

همه: «روح ما به سوی توست، ای خدای ابراهیم، اسحاق، و یعقوب، ای شاه جلال!»

اسقف: سپاس و ستایش به خدا، خداوند جهانیان تقدیم می شود!»

همه: «به جا و سزاوار است».

اسقف (در حالی که می سراید):

سزاوار است که هر دهانی تمجید گوید و هر زبانی شکر سراید، ای خدای یگانه، پدر و پسر و روح القدس؛

او که ما را در فیض خود آفرید،

او که ما را در رحمت بی کرانش در مسیح عیسی، خداوند ما، باز می آفریند؛

او انسانیت ما را بر عهده گرفت تا این که با الوهیتش ما را حیات بخشد،
از ما ذلت و خواری را برداشت و خطاهایمان را بخشود،
او گناهان ما را روی صلیب بر خود گرفت،
او ما را توسط بخشش پدر و عطیه روح القدس به دست آورد؛
توسط رازهای کلیسای مقدسش،
او همه ایمانداران را تقدیس می کن و به ایشان حیات نوین می بخشد.
«ای شکوه خداوندی، هزاران هزار ارواح آسمانی تو را می ستایند،
کرور کرور فرشتگان، خادمان آتش و روح،
با کروبیان و سرافیان مقدس، نام قدوس تو را جلال می دهند،
به همراه ایشان تمامی آفرینش توسط صدای کلیسای مقدست تو را می سرایند:

همه (به زبان کلدانی) می سرایند:

«قدوس، قدوس، قدوس است

پروردگار پرتوان،

آسمان و زمین سرشار از ستایش توست

هوشعنا بر اوج آفلاک باد

مبارک باد آنکه به نام خداوند آمده و می آید

هوشعنا بر پسر داوود باد».

سرود شکرگزاری

مجری: «فرزندی که از محبت لبریز شده، بر شکرگزاری آگاه است».

در این هنگام، یکی از کشیشان در حالی که بخور می سوزاند، جماعت را تا انتها طی می کند، سپس یکی دیگر از آنان، آب مقدس را که از میز قربانگاه برداشته، می پاشد.

بند برگردان :

ای پدر،

متبارک باد نام قدوس تو

همه (به فارسی):

«خدا را جلال باد؛

خدا را در برترین آسمانها جلال

و بر زمین صلح و سلامت بر مردمان باد

که مورد لطف او می باشند.

بند برگردان

تو را می ستاییم،

تو را متبارک می خوانیم،

تو را پرستش می کنیم، تو را جلال می دهیم، تو را از برای جلال عظیمت سپاس می گوییم،

ای خداوند، خدا، پادشاه آسمان،

بند برگردان

خدایا، ای پدر قادر مطلق،

ای خداوند، پسر یکتا، عیسی مسیح،
ای خداوند، خدا، بره خدا، پسر پدر،
ای که گناهان جهان را بر می داری،
بر ما رحم کن،
ای که گناهان جهان را بر می داری،
التماس ما را بشنو،
ای که به دست راست پدر نشسته ای،
بر ما رحم کن.

بند برگردان

زیرا تنها تو قدوس،
تنها تو خداوند،
تنها تو متعال هستی،
ای عیسی مسیح،
با روح القدس،
در جلال خدای پدر
آمین.

بند برگردان

آرامش خدا

مجری: «خدا ما را بخشش عطا فرموده است. ما با کلیسا آشتی کرده ایم. بنابر این آرامش خدا را می پذیریم و توسط این نشانه، اعلام می نماییم که می خواهیم با همه برادران خود آشتی کنیم».

اسقف: بر این دو کشیش که این فیض را به تمامی این جماعت کلیسا می رسانند، آرامش عطا فرما.

مجری: «برای سرزمینمان و برای تمامی جهان صلح و آرامش بطلبیم».

همه با هم:

ای خداوند مرا وسیله آرامش خود گردان

تا جایی که نفرت هست محبت آرام

جایی که اهانت هست گذشت آرام

جایی که جدایی هست اتحاد آرام

جایی که خطا هست راستی آرام

جایی که تردید هست ایمان آرام

جای که ناامیدی هست امید آرام

جایی که ظلمت هست روشنی آرام

جایی که غم است شادی آرام

(نیایش قدیس فرانسیس آسیزی برای طلب آرامش برای جهان)

برکت اسقف

گروه برگزارکنندگان با سراییدن سرود مریم به زبان آشوری

و بند برگردان:

شادمان باش ای دختر صهیون

ای سزاوار الطاف خداوند جهان

که خدا همراه توست (۲ بار)

از محراب خارج می شوند.

نتیجه : چگونه خود را آماده سازیم

— پیش از آن که از خدا درخواست بخشش کنیم، چه کسی را باید ببخشم؟ سخنان عیسی را به یاد آوریم : "زیرا اگر شما خطاهای انسانها را به ایشان ببخشید، پدر آسمانی شما نیز به شما خواهد بخشید. ولی اگر انسانها را نبخشید، پدر شما نیز خطاهای شما را نخواهد بخشید". (متی ۶: ۱۴-۱۵)

"آنگاه پطرس پیش آمده به او گفت: خداوندا ! چندبار برادرم بر ضد من گناه کند تا او را ببخشم؟ آیا تا هفت بار؟ عیسی به او گفت: به تو نمی تا هفت بار بلکه تا هفتاد بار.
و ۱۸: ۲۱-۲۲

بخشش واقعی

بخشیدن یعنی آن که قادر باشیم کسانی را که ما را می رنجانند، بپذیریم، همانگونه که خداوند ما را با همه تقصیرهایمان می پذیرد. بخشیدن، فراموش کردن یا نادیده گرفتن خطاهای گذشته نیست. (پیدایش ۴۱: ۵۱) بخشیدن، گذشتن از تقصیر دیگران به دلایل قانع کننده نیست. بخشیدن، پذیرفتن دیگری است، همانگونه که هست، و ایمان داشتن به این که او قادر می باشد زندگی روحانی تازه ای را از سر بگیرد. و سرانجام بخشیدن، باز کردن راههای جدید آشتی از میان تضادها و ناسازگاریهاست.

الف – نکاتی چند جهت آزمایش وجدان جوانان

خودخواهی :

۱. آیا به پدر و مادر خود به عنوان خدمتکاران می نگرم؟
۲. آیا درباره آنان به نحوی بیرحمانه قضاوت می کنم؟
۳. آیا بعلت ترس از پذیرش مسئولیت سنگین تر، می کوشم تا ورود به مراحل بالاتر زندگی را به تاخیر بیندازم؟
۴. آیا در زندگی، خود را مرکز همه چیز قرار می دهم؟
۵. آیا بدون در نظر گرفتن نیازهای خانواده همه درآمد شخصی خود را خرج می کنم؟

استقلال :

۱. آیا تنها به تجربه شخصی خود ایمان دارم؟
۲. آیا در انتقاد از دیگران زیاده روی و افراط کرده ام؟
۳. آیا به علت اطمینان بیش از حد به خود، خویشتن را محفوظ از تاثیر پنداشته، مطالعه هرنوع مجله و کتاب و دیدن هرنوع فیلم را برای خود مجاز می دانم؟

۴. آیا به خاطر قضاوت دیگران و ترس از انتقاد آنها، آزادی شخصی خود را از دست می‌دهم؟

فرار از کوشش :

۱. آیا پیوسته می‌کوشم که به بهانه‌های گوناگون ضعف خود را پنهان کنم؟
۲. آیا در تلاش برای به دست آوردن یک دید فرهنگی ژرفتر، بویژه در زمینه مذهبی، کوتاهی می‌کنم؟
۳. آیا به قصد پنهان کردن ضعف و بی‌تفاوتی خود فعالیت و تلاشهای دیگران را تحقیر می‌کنم؟

زندگی جاودانی :

۱. آیا در پرورش و حفظ ارزشهای روحانی کوتاهی می‌کنم؟
۲. آیا زندگی روحانی خود را در انجام چند کار نیک خلاصه می‌کنم؟
۳. آیا به این دلیل که بعضی از بزرگترها از شرکت در مراسم مذهبی خودداری می‌کنند، من نیز خود را مجاز می‌دانم که در مراسم مذهبی شرکت نکنم؟
۴. آیا سعی می‌کنم از حالت سطحی بودن و بی‌مایگی جلوگیری کنم تا به پرورش تمرکز درونی و متانت روحی خود بپردازم؟

ب – به گناهان خود و به محبت خداوند اعتراف کنیم و به آن اقرار نماییم:

بیانده‌ایم : عطایای روح القدس در زندگی من چگونه ثمر می‌دهند؟

محبت در زندگی ام به سوی چه کسی فرستاده شده ام ؟
همسایه من، که باید او را محبت نمایم، کیست ؟
آیا قادر هستم اطرافین خود را محبت کنم ؟
همچنین آنهایی را که با من اختلاف دارند؟
و آنانی را که با من هم عقیده نیستند؟

شادی در کدام حالت ها احساس شادمانی ژرف کرده ام ؟
 آیا می کوشم تا به دیگران شادی دهم ؟
 چه چیز باعث می شود که غمگین و افسرده شوم ؟
 صلح و آشتی در روابطم با دیگران، چگونه آشتی برقرار می کنم ؟
 چه وقت در برقراری صلح و آشتی مانع ایجاد می کنم ؟
 صبر نسبت به چه کسی صبور هستم ؟
 چه وقت خشمگین و عصبانی می شوم ؟
 نیکویی آیا به ندای قلبم برای همدردی و یاری کردن دیگران گوش می دهم ؟
 آیا همواره از خوب گفتن درباره دیگران لذت می برم، و آیا دیگران را به نیکی کردن تشویق می کنم ؟
 یا اینکه خود را زرنک می دانم، وقتی که دیگران را مسخره می کنم یا درباره شان سخنان بد می گویم ؟
 ایمان (وفاداری) ... آیا در لحظات ناتوانی و تردید به عیسی مسیح ایمان و اعتماد داری ؟
 آیا برای صحبت کردن با خداوند زمانی را درنظر می گیری؟ آیا از او بخشش و رحمت می طلبی؟ آیا او را سپاس می گویی ؟
 مثلاً به او می گویی که : «این شادی» و یا «این روز» را به تو تقدیم می کنم ؟
 نرمی و ملایمت .. آیا می کوشم تا از کشمکش و درگیری دوری جویم و دیگران را تحریک نکنم؟ یا این که گمان می کنم که قوی هستم چون زرنکتر هستم؟
 چیرگی بر نفس ... آیا قادر هستی خود را به دست روح بسپاری تا قلبت را پاک سازد، یا این که اسیر جسم هستی با همه خواهش ها و هوی و هوسهای آن؟
 فروتنی تکبر بزرگترین گناه می باشد (مز ۱۹: ۱۴).

دعا : خداوندا، من گناهان خود را بهتر می شناسم، آنها پیش رویم هستند. گناه کرده ام، فاقد محبت هستم. می خواهم تو را به راستی محبت نمایم، ولی موفق نمی شوم. و تو ای خداوند، تو به من می گویی: تو را محبت می کنم، حتی اگر به اعماق تاریکی ها فرو روی، حتی اگر کلمات زنده بر زبان آوری، حتی اگر دستهایت را پس کشی، حتی اگر در شک و تردید به سربری، حتی اگر به من پشت کنی، تو را محبت می نمایم و تو را برای همیشه دوست می دارم، زیرا تو را از ازل محبت نمودم.

اکنون من ... می دانم که تو می بخشایی. ای خداوند، تو شادی من هستی، آغوش گشاده ام برای پذیرا شدن آماده است، چشمانم سرشار از نوری است که تو را می نگرد، همه وجودم برای تو به وجد می آید.

ج - چگونه گناهان خود را اعتراف کنیم ؟

- ❖ دست کم یک بار در سال، اما اگر بیشتر باشد، مفیدتر خواهد بود.
- ❖ در آغاز می توانیم بگوییم: «ای پدرروحانی، برای من گناهکار دعا کنید تا قدرت داشته باشم تا در حضور خدا عمیقاً به گناهان خود اعتراف کنم».
- ❖ اشاره می کنم که چند وقت هست که اعتراف نکرده ام و گناهای را که اینک به یاد دارم می گویم.
- ❖ پس از اعتراف به همه گناهایی که به یاد می آورم، اشاره می کنم که تمام کردم با گفتن : «برای گناهایی که فراموش کرده ام طلب بخشش می کنم و از شما می خواهم که اگر مرا لایق آن می دانید کارکرد توبه و آشتی را به من بدهید».
- ❖ به راهنمایی کشیش و توبه ای که به ما می دهد گوش دهیم.

د - سپاسگزاری

می توانیم از مزامیر ۶۵، ۶۷، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، و ۱۰۳ یا از سرود حضرت مریم استفاده کنیم.

« و مریم گفت: جان من کبریایی خداوند را می ستاید،
و روح من در نجات دهنده ام خدا، شادی می کند،
چون که بر فروتنی کنیز خود نظر افکنده است،
زیرا که از این پس همه نسلها مرا خوشبخت خواهند خواند؛
زیرا آن قادر برای من کارهای بزرگی کرده و نامش قدوس است.
و رحمتش نسل اندر نسل، ترسندگان او را در بر می گیرد.
او قدرت بازوی خود را گسترده
و کسانی را که دل متکبر دارند پراکنده ساخته است.
فرمانروایان را از تختهایشان سرنگون ساخته

و فروتنان را سرافراز کرده است.
گرسنگان را به نعمت سیر کرده
و ثروتمندان را تهیدست رانده است.
با یادآوری از رحمت خود
خادم خویش اسرائیل را یاری داده است،
چنان که به پدران ما گفته بود،
به ابراهیم و فرزندان او، تا به ابد».

لوقا ۱: ۴۶-۵۵

ه - تصمیم قطعی در حضور خدا

باید در حضور خدا تصمیم قطعی بگیریم که بر ضد وسوسه ها محکم مبارزه کنیم و بدیهای دیگران را ببخشاییم. یعنی این که کاملاً مصمم باشیم، اما اگر بار دیگر گناه کردیم، لازم است که با فروتنی به ضعف خود اقرار کرده و نیروی روح القدس را بطلبیم. تنها اوست که می تواند ما را قادر سازد تا به تقدس برسیم.